

اسناد پلنوم وسیع فروردین ۶۵

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

* اسنادپلنوم وسیع فروردین ۱۳۶۵ کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
* انتشارات سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت)

* چاپ اول مهرماه ۱۳۶۵

* بها ۸۰ ریال

فهرست مطالب

- اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره
برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۵
- گزارش هیات سیاسی به پلنوم وسیع
کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق
ایران (اکثریت) ۹
- درباره سیاست و برنامه سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) در سالهای
۶۱ - ۱۳۵۷ ۳۸
- درباره فعالیت سازمان در میان د و
پلنوم ۵۱
- طرح استراتژی و تاکتیک سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) برای
انقلاب ملی و دموکراتیک ایران ۵۹
- قطعنامه وسیع کمیته مرکزی سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) درباره
وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش
کمونستی و کابری ایران ۶۲

۶۳ قطعنا مه پلنوم وسیع کمیته مرکزی
درباره تدارک کنگره سازمان فدا ییان
خلق ایران (اکثریت)

۶۴ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به مردم ایران

۶۷ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به اعضاء و هواداران

۷۱ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان

۷۳ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به زندانیان سیاسی

۷۵ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
فدا ییان خلق ایران (اکثریت) به
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

۷۶ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
فدا ییان خلق ایران (اکثریت) به کمیته
مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی دربارۀ

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دربارۀ دین ماه سال ۱۳۶۵ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کارکنان دعوت شده از سوی هیأت سیاسی تشکیل گردید و در محیط همفکری و بررسی خلاق مسائل، وظایف و راهبردها دستور داشت بهروزمندانه به انجام رساند. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن نیروبخش فدائیان خلق و همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در بیکار و علیه رژیم پلید خمینی و امپریالیسم جهانخواه بود. پلنوم با استماع گزارش هیأت سیاسی که توسط رفیق فرخ نگهدار ایراد گردید و گزارش خود را آغاز کرد، وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از:

الف - بررسی گزارش هیأت سیاسی و تصویب قرار انتشار آن.

گزارش هیأت سیاسی مشتمل بود بر فصول زیر:

- ۱ - گزارش مختصر درباره اوضاع جهان و منطقه
 - ۲ - گزارش وضع کشور
 - ۳ - گزارش فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان در فاصله دو پلنوم
 - ۴ - گزارش درباره امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 - ۵ - گزارش کار کمیسیون های برنامه و اساسنامه پلنوم در این بخش از دستور کار خود
- وظایف سازمان در پیشبرد مبارزه انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه تحقق آماج های رهایی بخش طبقه کارگر ایران را در دقت بخشید و برای پیروزیهای تازه راه گشود.

ب: بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱.

پلنوم اسناد رایج شده در زمینه بررسی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۵۷ را

مورد بررسی قرار داد و پس از املاات لازم به تصویب رسانند. پلنوم با تصویب یک رشته تفرعات مهم در زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و خط مشی سازمان در هر مقطع، درباره یکی از مهمترین دوره های فعالیت و حیات انقلابی سازمان (سالهای ۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار انتشار آنها را صادر کرد.

پلنوم در این قضاوت خلایق خود، قدا بیان خلایق راه تسخیر آینده، به تجهیز هر چه بیشتر خود به مارکسیسم - لنینیسم و جستجوی راه های موثر تر تکمیل پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران قرا خواند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپس امر خطیر وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران را مورد بررسی قرار داد.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، بویژه در وضعیت فعلی جنبش دموکراتیک و قدا میربالیستی ایران اهمیت فوق العاده قایل شد و با صدور قطعنامه ای جا منع وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد.

نظریه اهمیت ترمیم مواضع سازمان در زمینه تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک سازمان در این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد بطور جداگانه قطعنامه ای صادر کرد.

پلنوم در این بخش، وظایف سازمان در مبارزه با طرملح و دموکراسی و برای سوسیالیسم را دقت بخشید و با وضوح تازه وظایف سازمان مادر و راهنمای اتحادیه نیروهای دموکراتیک و قدا میربالیستی را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد.

در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند و از این طریق در زمینه های مختلف پلنوم وسیع را در جهت انجام وظایف خود باری دادند. پلنوم در فضای ایدئولوژیک و سیاسی بسیار فعال و مشارکت

موثر همه شرکت کنندگان برگزار گردید.

در بیان پلنوم، انتخابات برای برگماری اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبالش آن انتخابات برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران و دبیران اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق فرخ نگهدار را به عنوان دبیران اول کمیته مرکزی برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۵۸ کمیته مرکزی سازمان قدا بیان خلایق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار شد که رژیم ترور و اختناق خمینی به سدا می کند. برگزاری این پلنوم وسیع مشت محکمی بود بر دهان یاوه گویان رژیم که مدعی غلبه بود بر جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما هستند. پلنوم

پیوند میان دستگاه رهبری و تشکیلات را مستحکم تر
کرد. پلنوم نیروی فداییان خلق را در مبارزه علیه
رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی گمان یسار
نقطه عطف در حیات انقلابی سازمان ماست. امروز
فداییان خلق ایران در هر کجا که باشند نیرومندتر
از پیش و با ایمانی والا تر نسبت به سازمان را هدف
و آرمان های انقلابی خویش، با همه هستی خود در
راه تحقق تمهیدات و آماج هایی که پلنوم فرا روی
سازمان قرار داده است، تا به آخر خواهند رزمید.

با ایمان به پیروزی راهمان

دبیرخانه

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

www.iran-archive.com

گزارش هیات سیاسی به بلنوم وسیع

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

تشکیل بلنوم وسیع کمیته مرکزی با شرکت همه اعضای کمیته مرکزی و کادرهای فعال تشکیلات سازمان در مناطق مختلف کشور و نیز خارج از کشور موفقیت تازه و بزرگی است که جنبش کمونیستی و کادرگری ایران در پیگاه ر علیه رژیم پلید حاکم بدست آورده است. تشکیل بلنوم در شرایط ضرور و اختناق حاکم بر کشور و موضوعاتی که در دستور کار آن قرار دارد، اهمیت تشکیلات این بلنوم وسیع و نقش و تاثیر مصوبات آن را بر سرنوشت مبارزه آتشی چندین برابر می کند. تشکیل بلنوم وسیع کنونی نتیجه فعالیت پیگیر دستگاه رهبری و کادرهای سازمان و نیز شما یستادگی و رزم دلیرانه فداییان خلق در سراسر کشور در زندانهای مخوف خمینی است. در سپاس و ستایش از این رزم و ایستادگی، به رزمندگان پاک باخته و شجاع فدایی خلق که در گریه بیکارنا برابر با رژیم خون آشام خمینی هستند و دلاورانه علیه آن می رزمند و رفقایی که در زندانهای خمینی و در زیر شکنجه و شکنجه های آن و در میادین اعدام با سرافراشته و قامت استوار از کمونیسم و استرالیسم و از شرف انسانی و از پیمان فداییان با خلق ایران دفاع می کنند، درودهای آتشین می فرستیم.

رفقا!

همانطور که اطلاع دارید در فاصله سه سال اخیر رژیم جنایت پیکه خمینی عده ای از رفقای قهرمان ما، از اعضای دربند کمیته مرکزی و کادرهای فعال فدایی خلق را زیر شکنجه و یا درهای جوخه اعدام و حبس نه به شهادت رسانده از آن جمله اند رفیق محمدرضا غیبرایی عضو مشا و رهبات سیاسی، رفیق رفیع الدین تابان عضو مشا و کمیته مرکزی و دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، رفیق قربانعلی مودنی پور عضو مشا و کمیته مرکزی و دبیر کمیته ایالتی اصفهان و شیراز و رفقای رزمنده و بیکار و جو کادرهای رزمنده و پیر سابق فدایی خلق، محمد امین شیرخانی، تقی قانع خشکبیاری مرتضی میمنی، جها تکییر بهتاجی سیا هگل محله، منصور پورجم، بیژن مجاهد ثوبی، ابراهیم لطف الله زاده این رفقاهمگی با مقاومت دلیرانه و حماسی در زیر شکنجه در برابر دژ خیمان با سرافراشته ایستادند و آنان را در برابر آهاده پولادین خویش زیوناته به زانو افکندند، اسرار خلق را در سینه محفوظ داشته و جان پاک خویش را بر سر عهد و آرمات شریف خویش نهادند. هم اکنون نیز زندگی رفیق انوشیروان لطفی عضو مشا و رهبات سیاسی کمیته مرکزی و عده ای از اعضای کمیته مرکزی و کادرهای سازمان که در زندان رژیم اسیر شده اند در خطر است. در همین دوره عده ای از رهبری و اعضای حزب توده ایران نیز با شکنجه با اعدام جان باخته اند که رفیق تقی کیمنش عضو هیات سیاسی حزب توده ایران که در برابر شکنجه های و شکنجه رژیم دلیرانه ایستاد و به شهادت رسید و رفق قزلجه و علوی اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران از آن جمله اند. در همین دوره رفیق مهرداد پاکزاد از گروه منشعب سازمان (پيروان بیانیه ۱۶ آذر) رفیق علیرضا شکیبی و عده ای از فعالین سازمان در رکن انقلابی ایران (راکا رگر) و دیگر گروهی از مسئولین و فعالین حزب دموکرات گردستان ایران و صدها مبارز انقلابی دیگر در راه رهایی خلق بدست دژ خیمان رژیم به شهادت رسیدند. ما از این تربیون همه سازمانها،

مخالف، شخصیت‌های آزادخواه ملی و بین‌المللی را به تلاش برای نجات زندگی همه‌زندانان آزاده و قیمن پرست ایران از خطر مرگ و محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی فرا می‌خوانیم. به‌نوعی وسیع همه‌فداپیمان خلق را به پرکردن جای خالی شهدای قذافی و سریشی قرار دادن زندگی و جانبازی آنان فرا می‌خواند.

بپا خیزیم و به ایستادگی حماسی و جانبازی رفقای شهید. وزندانی سرکشی فرودآوریم و به اجترام قهرمانی‌های شهیدان خلق یک دقیقه سکوت کنیم.

درباره اوضاع جهان و منطقه

رفقا!

نبرد سخت و سرنوشت‌ساز بین نیروهای امپریالیسم و ارتجاع که ستم و رنج روزافزون و بیم‌برانگیزی از جنگ جهانی را به بشریت تحمیل می‌کنند با نیروهای صلح و استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم که برای انسانها امید و نیکبختی را به ارمغان می‌آورند، جاری است. نبرد برای حفظ تمدن بشری در برابر خطر هولناک جنگ هسته‌ای و مسابقه تسلیحاتی لگام‌گسیخته و محو فقر و استعمار را ز زندگی انسانها.

امپریالیسم آمریکا در ارتجاع جهانی است و برای وارد آوردن "ضربه اول" به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به اقدامات دیوانه‌وار متوسل می‌شود. دولت ریگان بعد از استقرار موشکهای هسته‌ای میان برادر آمریکا علیه اتحاد شوروی در خاک اروپا اکنون برای تکمیل آن برنامه "جنگ ستارگان" یعنی گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا را در دستور قرار داده است. واشنگتن می‌خواهد با راه‌انداختن برنامه "جنگ ستارگان" توازن نظامی استراتژیک موجود در سطح جهان را بسودا امپریالیسم برهم زند و به برتری نظامی ناشل آید، تا بدین وسیله مواضعی را که جابرا نه کسب کرده است، حفظ نموده و مواضعی را که نظام پوسیده سرمایه‌داری درنده‌کوشی از دست داده است دوباره به جنگ آورد و سیاست امپریالیسم را بر جهان تا مبنی کند.

برنامه "جنگ ستارگان" محمول آتشکشی جنون‌میلیتاریستی و آزو طمع سوداگران مرگه نتیجه اتحاد دولتهای پنتاگون و مجتمع‌های نظامی-صنعتی است. این طرح که به تخمین مطبوعات آمریکا هزینه‌ای معادل هزار میلیون دلار خواهد داشت، سودهای نجومی نصیب انحصارات تسلیحاتی آمریکا می‌کند.

ریگان با گسترش مسابقه تسلیحاتی، اقتصاد آمریکا را هر چه بیشتر به سوی نظامی شدن سوق می‌دهد و سال به دو سال بودجه نظامی آن می‌افزاید: این بودجه از ۸۰۴ میلیارد دلار در فاصله سال ۸۳ - ۱۹۷۸ به ۲۰۵۱ میلیارد دلار در فاصله ۸۸ - ۱۹۸۳ یعنی به دو برابر و نیم افزایش خواهد یافت. نیروهای صلح دوست جهان در سال گذشته جشن‌های پر شکوه چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری را به عرصه مبارزه علیه جنگ افروزان تبدیل کردند. مردم در سراسر جهان در تظاهرات گسترده خشم و نفرت نسبتا رنج افروزان کردند و جهانی صلح‌میزو فارغ از جنگ را خواستار شدند. این خواست انسانیت در مراسم سازمان ملل متحد به نسبت چهلمین سالگرد آن بازتاب گسترده‌ای یافت. ۱۵۹ کشور سال ۱۹۸۶ را به عنوان "سال صلح" اعلام کردند. در میان مشترک این کشورها بر ضرورت جلوگیری از جنگ جهانی سوم تاکید شد و از کلیه کشورها درخواست گردید که تمام تلاش خود را برای حفظ صلح جهانی بکار گیرند. کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی تلاشهای گسترده‌ای برای مهار مسابقه تسلیحاتی و نجات بشریت از پلید جنگ هسته‌ای انجام دادند. اتحاد شوروی بطوریکه چنانچه همه آزمایش‌های سلاحهای هسته‌ای را به مدت شش ماه متوقف ساخت و از آمریکا خواست که به اقدام مشابه توسل جوید. این مدت برای بار دوم تا سالگرد میساران هیروشیما تمدید گردید. ولی واشنگتن پاسخ مثبتی به درخواست اتحاد شوروی نداد.

میخا بیل گا ربا چف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسافرت خود به فرانسه، پیشنهادهای جدیدی مبنی بر کاهش سلاحهای هستهای ارائه داد و بدنبال آن دردی ماه سال گذشته پیشنهادهای جامع تروجیدی شری را اعلام نمود که برطبق آن سلاحهای هستهای در سه مرحله و در طی ۱۵ سال آخر قرن جاری می بایست نابود گردد.

نخستین دیدار میان میخا بیل گا ربا چف و ریگان که در ژوئیه انجام شد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود. ریگان که در چند سال گذشته جنگ صلیبی علیه کمونیسم و اتحاد شوروی راه انداخته است را انجام زیرقشش نیرومند صلح به مذاکره تن داد. این ملاقات گرچه به توافق های مشخصی درباره خلع سلاح و بیوزنه سلاحهای هستهای و فضای منجر نشد و به کاهش میزان سلاحهای انباشته شده نیا انجامید، ولی بهر حال نتایج مثبتی به همراه داشت. سران دو کشور توافق و اعلام کردند که جنگ هستهای نیا بدرگیرد و این مذاکرات مطرح شد که در جنگ هستهای هیچ کس پیروز نخواهد شد. اتحاد شوروی و آمریکا می بایست بر پایه این حقیقت انکارنا پذیر و عدم تلاش برای کسب برتری نظامی، مناسبات خود را تنظیم کنند.

ولی رویدادهای چند ماه اخیر حاکی از آن است که دولت ریگان همچنان بر نامه های تسلیحاتی و بیوزنه نظامی کردن فضا و پهلو بردن ماه جنگ ستارگان را ادامه می دهد و به تمام تلاشهای مسئولان و پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی پاسخ منفی می دهد.

رفقا!

وضع انفجاری و مخاطره آمیز اوضاع جهانی را با پدر سرمایه جذب امپریالیسم جهانی معاصر جستجو کرد. سرمایه جدید امپریالیسم جهانی بیش از هر چیز در این واقعیت نهفته است که یونیسفیت عینی آن، آشکارتر از هر زمان دیگر تاریک ترین زوایای سرمایه داری انحصاری - دولتی را عریان ساخته و ماهیت فئودالی و تقابل آن را با منافع و نیازهای توده ها به اثبات رسانده است.

در طی سالهای قبل از جنگ جهانی دوم دو خط مشی در روند سرمایه داری مشاهده می شد. خط مشی نظامی فاشیستی در کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و خط مشی بورژوا - فرمیستی در کشور آمریکا در دوره ریاست جمهوری روزولت امروز نیز این دو خط مشی به مثابه دو گرایش استراتژی طبقاتی امپریالیستی در مبارزه علیه نیروهای دموکراسی و سوسیالیسم دیده می شود. یکی از آنها خط مشی میلیتاریستی افسار گسیخته و دیگری خط مشی است که با واقعیت های بحران عمومی سرمایه داری انطباق دارد.

در قلمرو سیاست می توان این امر را در مواقع نیروهای میلیتاریستی در دهه اخیر در وی کارآیندن نیروهای دست راستی و میلیتاریست در آمریکا، آلمان غربی بریتانیا و ژاپن ملاحظه کرد. در عرصه اقتصادی - نیز افزایش نقش مجتمع های نظامی - صنعتی و انحصارات فراملیتی در دهه اخیر این مساله را بخوبی نشان می دهد.

مجتمع های نظامی - صنعتی در اوایل دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ به تدریجی روی مسلط در کشورهای امپریالیستی تبدیل گشتند. بر نامه اقتصادی این نیرومدر نیز اسبون مداوم سلاحهای گسترده و برنامه سیاسی آن افزایش مستمر تنش بین المللی و جنگ صلیبی علیه کمونیسم است. هم اکنون در آمریکا انحصارات تولیدکننده اسلحه، ژنرالهای نظامی، مأمورین دولت و ارگانهای ایدئولوژیک در مجتمع های صنعتی - نظامی درهم آمیخته اند و به جدی ترین معرجه و سازمان دهندگان سیاستهای ماجراجویانه و تجاوزگرانه تبدیل شده اند. اتحادشوم صاحبان کارخانجات مرگ و ارگانهای نظامی و اداری دولت آمریکا، تکیه گاه افراطی ترین نیروهای ارتجاعی و متعصبی و فزاینده خطر جنگ است.

خطر دیگر، گرایش به بین المللی شدن مجتمع های صنعتی - نظامی است که در همین اوایل دهه رسیده است. این مساله در گرایش پیوستن انحصارات

"جنگ ستارگان" دیده می شود. فراموشی شدن مجتمع های صنعتی- نظامی خطر شدید هر چه بیشتر سابقه تبلیغاتی، کشاندن آن به فضای کیهان بی ثباتی تمامی اوضاع بین المللی و تشدید فاجعه هسته ای را بدنبال دارد. در حال حاضر تراکم تولید در کشورهای امپریالیستی به درجه کیفیتی جدیدی در سطح بین المللی رسیده است. سوددهی برخی از صنایع بدون همکاری چند انحصاری در چارچوب انحصار بین المللی امکان پذیر نیست. این روند در موردی انکهای بین المللی نیز پیش رفته است، گروه های فرامایستی سرمایه مالی و الیگارشی مالی سربرآورده و غولهای بین المللی صنعتی و بانکی در یکدیگر ادغام می شوند. می توان گفت که سرمایه داری انحصاری - دولتی در حال تحول به شکل فرامایستی خود است. انحصارات با رشد سریع میکروالکترونیک و کامپیوتر و ربات ها (آدم هاشینی) در تولید آلکوی تولید و مصرف انبوه به الگوی جدیدی که بر علم تکنیکی بوده و مشتمل بر فرجهایی در انرژی و مواد خام و نیروی کار است گام می نهند. روبات ها بخش از هم قدر رفته های که رگوساختاری دارند، یعنی فلزگذاری، صنایع اتومبیل سازی، نساجی و ماشین سازی بکار گرفته می شوند. به رگود افتادن منابعی که عموماً نیروهای عظیم کار را جذب می کنند منشا عمده بیکاری ساختاری در کشورهای سرمایه داری است. این رفته ها پایه سنتی جنبش سازمان یافته کارگری و سندیکا های نیرومند هستند. کاهش مطلق اشتغال در این رشته ها به جنبش کارگری راضی کننده و امکان تصمیم گیری شرایط نامناسب تر استفاده و دستمزدها زل تر را در مجموع برای طبقه کارگر فراهم می سازد.

در این باره در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است: "دینا لکتیک رشد آن چنان است که همان و سالی که سرمایه داری با هدف تحکیم مواضع بیکاری می گیرد، ناگزیر به تشدید تمامی تضادهای عمیق منجر می گردد". این آمار می تواند در تصمیم بحران عمومی سرمایه داری، افزایش بی ثباتی اقتصادی و نیز در سایر عرصه ها مشاهده کرد. آنگاه رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری به گندی می گراید. بیکاری وسیع و ماندگار شده است. شمار بیکاران در این کشورها در پایان سال ۱۹۸۵ به ۲۵ میلیون نفر رسید. میانگین بیکاری در آمریکا از ۲۴٪ در اواسط دهه شصت به ۷٪ در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. "رگود تورمی" یعنی تورم با اغافه تولید کمتر از ظرفیت، در این کشورها گسترش یافته و بحران دوره ای عمیق تر گشته است. این کشورها با کسری عظیم بودجه و بدهی کلان دولتی مواجه هستند. آنچه در این مرحله در کشورهای امپریالیستی بطور بارز چشم می خورد، در آمیختگی بحران دوره ای و ساختاری است.

این سیاست های غارتگرانه موجب می شود که تضاد آشکار گونیستی میان انحصارات و اکثریت عظیم مردم کشورهای سرمایه داری عمیق تر شود. در کنار رابطه کارگر و روشنفکران، کارمندان اداری و حرفه ای، دهقانان، نمایندگان خرده بورژوازی شهری، اقلیت های ملی، جوانان و دانش آموزان هر چه فعالانه تر در مبارزه علیه استثمار و زورگویی چون آمیز انحصارات و برود سیاست ارتجاعی طبقات حاکم شرکت می جویند. مردم می خواهند که به میلان ریزه کردن جامعه، سیاستهای تجا و زگرانه، تبعیض نژادی و ملی، پایمال کردن حقوق زنان، فساد، شیوه های غارتگرانه انحصارات در بهره گیری از منابع طبیعی و محیط زیست خاتمه داده شود. این جنبش خودمختار دموکراتیک بطور عینی متوجه سیاستهای ارتجاعی امپریالیسم بوده و در سالهای اخیر نیرومندتر شده است.

تفاد بین کشورهای امپریالیستی در اشکال و گرایش های جدید تجلی می یابد. رقابتی که تحت تاثیر انقلاب علمی و فنی حدت گرفته است، آن کشورها بی راکه از اغافه عقب افتاده اند، زیر ضرب می گیرد. پیچیدگی قابل ملاحظه شرایط تولید، سرمایه داری، گوناگونی روندهای بحرانی و شدت گرفتن رقابت بین المللی به رقابت امپریالیستی حدت و بی رحمی بخشیده است. در سالهای

اغیر خبردین سه مرکز اصلی امپریالیسم کنونی - آمریکا، اروپای عربی و ژاپن - در عرصه های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولیسی تشدید شده است.

رفقا!

در کنار نظام پوسیده سرما به داری که با تنگناهای بحرانهای ساختاری دوره ای و تضادهای خاد دست به گریبان است، نظام سوسیالیستی پیش از پیش شکوفا تر می شود و بر حقایق و حقایق بودن مارکسیسم - لنینیسم مهر تایید می گذارد. تحولات جدی که در کشورهای سوسیالیستی جاری است نشان از گشایش افق های باز هم گسترده تری را دارد. این امر را می توان بطور برجسته در پیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مشاهده کرد. بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رویداد برجسته و پر اهمیت برای مردم اتحاد شوروی و تمام نیروهای شرقی خواه جهان است. در این کنگره متن جدیدی بر نامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، تغییرات اساسنامه و برنامه اقتصادی سالهای ۹۰ - ۱۹۸۸ و تا سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید. در اسناد کنگره گفته شده که در جامعه شوروی سلطه کهنسال مالکیت خصوصی برای همیشه از بین رفته و استثمار از انسان را با ن پذیرفته و سوسیالیسم بصورت کامل و بطور قطعی در کشور شوراهای پیروز شده است. ظهور سیستم جهانی سوسیالیستی و شکل گیری و تحکیم جامعه سوسیالیستی، دیگر گنجی بشری در ترازین نیروها در عرصه جهانی به سود توده های که برای پیشرفت اجتماعی، دموکراسی، آزادی و صلح مبارزه می کنند، بوجود آورده است. جامعه سوسیالیستی هم اکنون به بالاترین مرحله تری نیروی جهان تبدیل شده است که هیچ مسائلی در سطح بین المللی بدون شرکت این کشورها حل نمی شود. در گزارش تاکید شده است که در طول ۲۵ سال گذشته، درآمد سرانه واقعی مردم اتحاد شوروی ۲/۶ برابر و بودجه معارف اجتماعی بیش از ۵ برابر افزایش یافته است. ولی در همین حال در سالهای ۷۰ دشواریهای اقتصادی افزایش یافته و آنگاه رشد اقتصادی به نحو خصوصی کاهش یافت.

برنامه مصوب کنگره حیات اساسی سیاست اقتصادی اتحاد شوروی را تعیین کرد. در برنامه بر افزایش راندمان کار از طریق شتاب بخشیدن به پیشرفت علمی و فنی، دیگر گنجی اساسی در تکنولوژی و تحرک بخشیدن به عوامل فنی سازمانی، اقتصادی و اجتماعی تاکید شده است. در برنامه پیش بینی شده است که راندمان کار در پانزده سال آینده ۱۰۰ - ۱۵۰ درصد افزایش یافته پتانسیل تولید صنعتی دوبرابر شده و درآمد ملی نیز تقریباً دوبرابر خواهد شد.

رفقا!

سیاستهای جهانوارانه امپریالیسم جهانی تنها به تشدید مسابقه تسلیماتی محدود نمی شود. امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکایی به گسترش درگیری های منطقه ای، ایجاد مناطق تشنج، تجاوزات فکری، کشورهای شرقی و انقلابی، کمک همه جانبه به دستجات فدا نقلابی و تروریسم دولتی دست می باز و از حکومت های استبدادی و فئودالی خارجا که بخواهند جامعه پیست می کنند، نمونه آشکار این سیاستها را می توان در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا مشاهده کرد.

در آمریکای لاتین دولت ریگان به روسیه ممکن متوسل می شود که دولت انقلابی نیکاراگوئه را سرنگون سازد. در این راستا، ریگان مایل به کلانی در اختیار باند های فدا نقلابی برای خرابکاری در داخل نیکاراگوئه قرار داده است. سازمان "سیا" در کاستاریکا و هندوئیس به وسیله هزاران نفوذگر از مشاوران نظامی آمریکا، فدا نقلابیون را آموزش می دهد. بطریق متصور کاخ سفید در هندوئیس ۲۷ پایگاه نظامی آمریکا ساخته شده است. دولت ریگان همچنان از رژیم های فئودالی در السالوادور، شیلی، پاراگوئه تشدید حمایت بعمل می آورد.

جنوبی از سازمان غذا، انقلابی اوست که علیه دولت انگولا عمل می کند، پشتیبانی کرده و به آن کمک های فراوانی می رساند. دولت آمریکا همچنین از دستجات غذا، انقلابی موزامبیک که همانند سازمان اوپتا در خاک کشور خود بذر مرگ می افشانند، پشتیبانی می کند.

در جنوب شرقی آسیا، رژیم مردمی کامبوج آماج حملات نیروهای ارتجاعی است. دولت ریگان از دستجات پول پوت که میلیون ها انسان را در کامبوج بطرز وحشیانه ای به قتل رسانده اند، پشتیبانی کرده و در اختیار آنها پول و سلاح قرار می دهد و دولت تایلند را که مقر استقرار این دستجات است تقویت می نماید.

دولت ریگان که به "تروریسم دولتی" آمریکا رسمیت بخشیده است، به بیانه مبارزه با "تروریسم بین المللی" به اقدامات خلافی چوبانه علیه دولت های مترقی و جنبش های آزادیبخش متوسل می شود. عملیات تروریستی و تنبیه کارانه آمریکا و اسرائیل علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و لیبی نمونه ای از این سیاست های آمریکاست. ریگان تعداد ردهمین سیاست را در مورد سوریه نیز بکارگرفته است.

دولت آمریکا با اتخاذ این سیاستها عملا برکان نونهای تشنج در مناطقی مختلف افزوده، درگیریهایی منطقه ای را گسترش داده و بر بیست و شش کشورها تشنج به مقابله با جنبش های رهایی بخش و ملل رهایی یافته می پردازد. هر آنجا که مردم بیکار چه برمی خیزند و بر عمر حکومت های دست نشانده نقطه پایان می گذارند و در راه استقلال و آزادی پای می فشارند، آمریکا با استفاده از میدان می شود تا با ردیگر گل و زنجیر را بر پای ملل رهایی یافته ببندد.

علیرغم این سیاستها مبارزات مردم برای رهایی از قید استعمار و استعمار پیش می رود. در آمریکا لائتین توده های مردم در مقابل دیکتاتورهای نظامی ایستاده و خواهان استقرار دموکراسی و بهبود وضع زندگی مادی خود هستند. غوثت های نظامی براشتر از مردم و بحرانهای اقتصادی قادر نیستند تهاجم و تحت خود را نگه دارند. در آرژانتین، وروگوئه و برزیل، نظامیان مجبور شدند حکومت را بدست غیر نظامیان بسپارند، در این کشورها دموکراسی پارلمانی جایگزین حکومت های نظامی شده است. در سودان و فیلیپین نیز بر اثر جنبش گسترده توده ای، دیکتاتورها مجبور به کناره گیری شده اند.

موج روبه گسترش جنبش توده ای امپریالیسم آمریکا را وادار کرده است آنجا که قادر نیست دیکتاتورهای دست نشانده خود را حفظ کند به سیاستهای دیگر توسل جوید. هرگاه کارها به "مشت آهنین" پیش نرود باید دستکش سفید پوشید و انتحاریات را انداخت (همانند اسلاو دور). بیم از آنکه گمان را دیکتاتورها شدن جنبش های ضد دیکتاتور و شکل گیری یک انقلاب واقعی امپریالیسم آمریکا را وادار در ترحیم دهد که دستهای پنهان بسازند. لذا به آلترناتیو دموکراسی پارلمانی توسل می جوید (فیلیپین و برخی از کشورهای آمریکای لاتین). در مواردی می توان بطور برنامه ریزی شده آلترناتیو معینی را شکل داد و هنگام گسترش جنبش توده ای آنرا به محله سیاسی سوق داد. کره جنوبی، پاکستان و برخی کشورهای دیگر از این نمونه اند.

این تغییرات را نباید به معنی دوره افول دیکتاتورهای تلقی کرد. مورد شبلی، پاراگوئه و دیگر موارد نشان می دهد آنجا که دولت آمریکا "مشت آهنین" را کارساز می داند، همچنان بکار می بندد، ولی متردمی مانند که فرصت را برای تمویش قدرت از دست ندهد. آمریکان نمی خواهند که توده های مردم مشت های گره کرده خود را بر دهان دیکتاتورها بکوبند و آنها را به زباله دان تاریخ بفرستند. به همین خاطر آمریکا در هر کشوری که چنین خطری را احساس می کند، به مانور دست می زند.

امپریالیسم با بهره گیری از وابستگی اقتصادی و تکنولوژیکی کشورهای رهایی یافته و برتری خود در اقتصاد جهانی، آنها را به بی رحمانه ترین صورت استثمار می کند. کشورهای امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا هم اکنون از طریق دادن وام، دسترنج زحمتکشان و منابع ملی کشورهای خارجی در حال رشد را غارت می کنند. در حال حاضر با زهداخت و بهره قرضهای خارجی

این کشورها نزدیک به ۱۰۰۰۰۰ میلیون دلار است و بدهی کل کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین به کشورهای امپریالیستی از ۲۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ رسیده است .

اما تمام این سیاستهای غارتگرانه و تجاوزکارانه نتوانسته است سدهای کارساز در مقابل سیل بنیان کن توده‌ها بوجود آورد . در آمریکای لاتین دولت سوسیالیستی کوبا ، با وجود توطئه‌های امپریالیسم ، همچنان به ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم ادامه می‌دهد . دولت انقلابی نیکاراگوئه در مقابل تجاوزات و دسیسه‌های واشنگتن ایستاده و نظم نوینی را درجا معمه پی ریزی می‌کند . نیروهای انقلابی در السالوادور همچنان مصممانه به پیکار انقلابی برای رهایی خلق ادامه می‌دهند . در شیلی آرکان رژیسم دیکتاتوری پینوشه است شده ، مبارزات مردم گسترش یافته و جنبش دموکراتیک (ا.ر.د.ام) از نفوذ بیشتری در بین مردم برخوردار می‌گردد . مخالفت با پرداخت دیون کلان و اسارتی کشورهای آمریکای لاتین به دولتهای امپریالیستی گسترش می‌یابد . احزاب کمونیست و کارگری کشورهای آمریکای لاتین پیکرانه علیه باز پرداخت این وام‌ها مبارزه می‌کنند . این مبارزه پیوندهای آنها با توده‌ها را تقویت کرده است .

در آفریقای جنوبی بحران سیاسی پایه‌های رژیم بوتا را به لرزه درآورده است . مردم نیکبارجه به‌غیا با آنها ریخته و شجاعانه سینه‌های خود را در مقابل گلوله‌های توپ و تانک قرار می‌دهند . رژیم نژادپرست قارنریت بر اوضاع تسلط یافته و به‌شبه سابق حکومت کند . مردم دیگر قارنریت‌نشدن به اسارت رژیم نژادپرست بدهند . کشتارهای وسیع چکمه‌پوشان رژیم خونخوار نتوانسته است آزاده‌ها را به سرخسختی از مردم بگارد . گنگره ملی آفریقا در هدایت جنبش توده‌ای برجسته‌ترین نقش را ایفا می‌کند . حزب کمونیست آفریقای جنوبی روز بروز اعتبار و نفوذ بیشتری در بین مردم پیدا می‌کند . بطوریکه اکنون یکی از پایه‌های اصلی جنبش است .

منطقه‌ها و رمان به عرصه‌های درگیری بین نیروهای مترقی و ارتجاعی است .

دولت ریگان و رژیم صهیونیستی که در لبنان متحمل شکست شده و خاک آن کشور را ترک کردند ، با تمام نیرو می‌کوشند تا شکل گیری دولت متمرکز و مقتدر جلوگیری کنند . برای اختلاف مذهبی و قومی دامنه زنده ، گرایشهای جدایی طلبانه را تقویت کنند و بر نفوذ قبایقه‌ها باشند . لبنان اکنون عرصه درگیریهای خونین نیروهای مختلف مسلح است . تلاشهای دولت سوریه و نیروهای مترقی لبنان برای ایجاد دولت اشتلاقی و متمرکز نتوانسته است به نتیجه معینی برسد . ترانژدی لبنان همچنان ادامه دارد و رژیم جمهوری اسلامی از دستجات "اسل اسلامی" و "حزب الله" در لبنان حمایت می‌کند . این دستجات برافراطی گری مذهبی نگه دارند و سوار بر گونه همگاری با دیگر نیروهای سیاسی سرباز می‌زنند و به اقدامات جنایتکارانه علیه کمونیست‌ها دست می‌یازنند . آنها با طرح شعار "جمهوری اسلامی" اختلافات مذهبی را تشدید کرده و با تسبیح ایجاد یک دولت مقتدر ملی می‌شوند . سیاست آنها عملاً همان با سیاست آمریکا و اسرائیل در لبنان است .

جنبش فلسطین با مشکلات جدی روبرو است . رژیم صهیونیستی اسرائیل ، دولت ریگان و دولت‌های ارتجاعی عرب برای تضعیف ساف و پیشبرد طرح کمپ دیوید بر تلاشهای خود افزوده‌اند . موافقت نامه امان که بین اسرائیل و عرفات و ملک حسین امضاء شده آلمان فلسطینی‌ها برای تشکیل دولت فلسطینی ضربه وارد آورد . این موافقت نامه ، با مبارزه پیگیر و زندگان فلسطینی عملاً به کناره‌گذاری شده شد . گرایشهای سازشکارانه در وهله ساف و دسته‌بندی‌های خصومت آمیز برخی نیروهای فلسطینی علیه یکدیگر موجب تضعیف جنبش فلسطین ساف گردیده است .

افغانستان همچنان در کانون توطئه‌های نیروهای ارتجاعی قرار دارد . دولت ریگان بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار پاندهای غرابکار جهشت

کمپ قدا انقلابیون افغانی قرار دارد، به سرپل تاجا وزلمیه جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده است. اشرا و تحت رهبری سازمان سیا "ارخستیک پاکستان به افغانستان می آورند و به کشتار و غارتگری می پردازند. رژیم جمهوری اسلامی دوشا دوش رژیم فیا، الحق و همسوبا نقشه ها و تلاشهای امپریالیسم آمریکا به دهنده منشا نه ترین شکل علیه انقلاب افغانستان توطئه می کنند.

دولت افغانستان علیرغم انواع دسیسه های نیروهای ارتجاعی، توانسته است گام های جدی در گسترش پایگاه انقلاب بردارد و ضربات تگاری بر ضد انقلابیان وارد آورد. دولت افغانستان فعلا نه در مذاکرات و شوکت جستجو یا راه به پیشنها دهای سازنده می کشد که مشکلات موجود با کشورهای همسایه حل گردد. تداوم جنگ ویرانگری بران و عراق به گسترش بی ثباتی و تشنج در منطقه کمک کرده و موجب حضور وسیع امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان گشته است. آمریکا با دستاویز قرار دادن امنیت گسترش یابی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر می سازد. هم اکنون جنگ بین دو کشور به بن بست رسیده است. ولی رژیم جنگ افروزمینی همچنان شعار "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می دهد و فوج جوانان کشور را راهی کشتار رگا می کند و اقتصاد کشور را به خدمت جنگ می گیرد. سران رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ عملا به مقاصد امپریالیسم یاری رسانده، کشورهای ارتجاعی منطقه را تقویت کرده و نیروهای مترقی را تضعیف می کنند. این جنگ به تقویت ارتجاع منطقه منجر شده است.

کشورهای ترکیه، پاکستان و عربستان به پایگاه ارتجاع جهانی در منطقه تبدیل شده اند. آمریکا مداوما به این کشورها اسلحه سرانجام می کند تا حکومت های دست نشانده این سه کشور بتوانند نقش ژاندارمی خود را بنحو احسن انجام دهند. در ترکیه نزدیک به ۶۰ پایگاه آمریکا وجود دارد که وسیع مورد استفاده نیروهای واکنش سریع قرار می گیرد. دولت ترکیه به "مشت آهنین" آمریکا علیه نیروهای مترقی و انقلابی تبدیل شده است. هم اکنون هزاران مبارز در اسارتگاه های این رژیم زندانی هستند. آمریکا اخیرا با کمک نظامی ۵ میلیار دلار به رژیم فیا، الحق موافقت کرده است "جنش احیا" دموکراسی در پاکستان در حال گسترش است. مردم علیه رژیم دیکتاتوری فیا، الحق برخاسته اند. واکنش تحولات پاکستان را بدقت زیر نظر گرفته و می خواهند قبل از اینکه طوفان بر خیزد به موقع دست بکار شده و آلترنا تيو بورژوا - رفرمیستی خود را سرکار بیاورد. دولت جمهوری اسلامی با تشکیل بازار منطقه به اسم "اکو" (ا.ر.سی.دی یا بی.سی.ق) و گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای ترکیه و پاکستان، عملا در خدمت مقاصد آمریکا و ارتجاع منطقه قرار گرفته است.

دولت عربستان در بین کشورهای عربی همچنان به تقویت دولتهای ارتجاعی و تضعیف مواضع دولتهای مترقی عربی می پردازد. عربستان با دلار نفتی سیاستهای آمریکا را در منطقه پیش می برد. دولت ریگان تلاش جدی میسوزد می دارد که عربستان به مدرنترین سلاحها مجهز گردانند تا بتوانند نقش ارتجاعی و بازدارنده خود را در منطقه بنحو خوبی ایفا کنند.

رفقا!

امپریالیسم جهانی هر قدر هم به تاجا و زگری جنگ افروزی خود بیا فزاید، قادر نخواهد بود چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند و مواضعی را که از دست داده است، دوباره به چنگ آورد تا بتواند سیاست خود را بر جهان تا مین کند. دژ سوسیالیسم جهانی و در رأس آن اتحاد شوروی، کشورهای رها یافته و نیروهای مترقی و انقلابی در مقابل تاجا و زگری امپریالیسم جهانی ایستاده اند و هر روز در پیگاه علیه نیروهای مترنده جهان به کایا بیهای جدید دست می یابند.

سیمای ضد خلقی، ضد موکراتیک و بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی

رفقا!

انقلاب بزرگ خلق های ایران که تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و عدالت اجتماعی به سود زحمتکشان را هدف پیکار مشترک خود قرار داده بود، در اثر خیانت سران جمهوری اسلامی به خلق ایران به اهداف عالی خود دست نیافت و دچار شکست شد. در نتیجه این شکست امکان خروج جامعه ایران از بحران زایل گردید. اکنون مبین باستانی ما روزگار فوق العاده دشواری را از سر می گذراند. هر روز که می گذرد، برداشته و زرفای بحرانی که در آن فرو رفته است، افزوده می گردد. عوامل متعددی بحران کنونی را پدید آورده اند و آن را حادثه ای می کنند. در این میان در وهله اول باید به نقش ارتجاعی روحانیون حاکم و بویژه شخص خمینی در مجموعه آن اشاره کرد. نظریه فاش و نفوذی که خمینی در روحانیت حاکم دارد، جرم او در شکست انقلاب و افزایش رنج و محنت زحمتکشان ایران از همه سنگین تر و بالاتر است.

در اساس سیاست های ضد ملی، ضد موکراتیک روحانیت حاکم سیاست آنان در ادامه دادن جنگ ارتجاعی ایران و عراق است. جنگ طی ۵/۵ سال، ویرانی ها و خسارات عظیمی به بار آورده است. بخش بزرگی از این آسیب ها جبران پذیر نیستند. تاکنون ۵۱ شهروند کشته شده اند. ۳۰۹۱ روستا نابود شده اند. اقتصاد استان مهم کشور چنان آسیب دیده است که بخش اعظم موسسات تولیدی آن از کار افتاده اند. تا پایان سال ۶۳ بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دلار خسارت جنگی به کشور وارد شده است. طی جنگ بیش از ۴۰۰ هزار نفر از مردم زحمتکش ایران و عراق کشته شده اند. صدها هزار نفر معلول گشته اند. حدود ۱۵۰ هزار نفر نابینا و ۱۷۰ هزار نفر نابینا شده اند. در نتیجه ویرانی های عظیمی و صدام ۲ میلیون نفر از هموطنان ما از زادگاه خود آواره شده اند. با شروع دور جدید جنگ که با عملیات اشغال جزیره فو آغاز شد و طی آن چند ده هزار هموطنان کشته شده اند. بر تلفات انسانی فوق بازم افزوده شده است. جنگ اکثریت عظیم قربانیان خود را از کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری برمی گرداند. اکنون جوانانی که حاضر نمی شوند روانه قتلگاه شوند، به سرعت افزایش می یابند. رژیم در مقابل با این جوانان قانونی رایج تصویب رسانده است که مطابق آن مسئولان غایب و کمانشی که به آنان کار میانه دهند، ۳ سال زندان محکوم می کنند.

ادامه لجاجت جنگ راهنمای اصلی سیاست گذاری حکومت در همه عرصه ها است. بودجه سالانه که ملا میلیتاریزه شده است، سهم هزینه جنگ در بودجه همواره افزایش می یابد. هزینه مستقیم و غیر مستقیم جنگ که در سال ۶۳ به حدود ۱۴۰ میلیارد تومان رسید، در سال گذشته به شدت افزایش یافت. بنا بر اظهارات نخست وزیر از جوع سهم هزینه جنگ در بودجه سال ۶۴ به مراتب بیش از ۲۴ درصد آن بود. بنا بر اعتراف او این هزینه در سال ۶۴ نیز ۱۲/۵ درصد افزایش یافت. بخش مهمی از این هزینه کلان صرف خرید سلاح از پاکستان می گردد. آخرین نمونه آن معامله ۲/۵ میلیارد دلاری اسلحه قاچاق با هند آمریکایی - اسرائیلی بود که بر ملا گردید. مرتجعین ۵۰۰ میلیون دلار نیز به افراد این باندها اختصاص دادند. سران مرتجع رژیم برای تامین سلاح قیمت نفت صادرات ایران را طی سال ۶۳ برای هر بشکه سه دلار از نرخ قیمت بازار فروختند و بدین ترتیب در ازای حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز سالانه مبلغ یک میلیارد دلار اضافی به جیب انحصارات نفتی سرازیر کردند.

زمانی که در سالهای ۶۳ و ۶۴ قیمت نفت سقوط کرد، از دریا نفتی به حداقل خود رسید و رژیم دچار بحران ارزی و مالی شد. اما با وجود این بحران آخوندهای جنگ طلب، جنگ رایج به قیمت تعطیل پروژه های عمرانی

و خارج کردن مردم از زیر غریب‌نهادی می‌آید و باید توجه داشت که در صورتی که آزادی آنها به جنگ ادامه دادند، در سالی که گذشت ۷۰ درصد اعتبارات عمرانی کشور و رومنی معادل آن از بودجه آموزش ابتدایی و عالی، بهداشت و امور درمانی و بیمه و خدمات اجتماعی به هزینه‌های جنگ اختصاص یافت. آزادی کشی و نگهدار کردن حقوق دموکراتیک مردم، اعمال شتم علیه اقلیت‌های ملی دشمنی آشتی ناپذیر با تشکل‌های کارگری و دهقانی، مشغله دیگر سیاست و خط مشی مستبدان ماکم است.

اکنون دهها هزار تن از فرزندان خلق در زندانهای عینی و مخفی رژیم استبدادیه به بند کشیده شده‌اند. جرم اکثر آنها داشتن عقایدی جز مطا لیب و بندرجا ت ر س ا ل ه و ا ب و ر ه ا ی خ ر ا ف ا ت ی است. فرزندان دلاور خلق به جرم اعتقاد به افکار مترقی و مبارزه در راه ملح و آزادی به زندان افکنده شده و بطرز وحشیانه شکنجه می‌شوند. اعدام‌های گروهی زندانیان، تا بودی جسمی آنان در زیر شکنجه‌های حیوانی، ناپدید شدن بسیاری از اسیران، ابتلا به انواع بیماری‌های جسمی و روانی، تجاوز به زنان و دختران و جوانان از گریه‌ترین پدیده‌های رایج زندانهای ولایت فقیه است. تاکنون بیش از ده هزار نفر از مردم مین مایست در ضیمان رژیم کشته شده‌اند. رژیم از وحشت و اکنش اعتراضی مردم ارقام واقعی کشتار را منتشر نمی‌کند. عزیزان بسیاری در سیاهالهای خمینی مخفیانه سر به نیست شده‌و می‌شوند. صدای اعتراض بشریت شرق و ه علیه ددمنشی‌های خمینی هر روز رساتر می‌شود و در جماع بین المللی اشکها س می‌یابد. اخیرا مجمع عمومی سازمان ملل نیز جمهوری اسلامی را بخاطر سرقش حقوق بشر محکوم نمود.

رفقا!

در مین ماکم ترغاب‌خواه‌ای است که از تیغ استبداد و ولایت فقیه در امان مانده باشد. خمینی طی دوران کوتاه حکومتش صدها هزار هم‌مینه ما را با جنگ با دروخه‌های اعدام و با در زیر شکنجه به شهادت رسانیده و عده‌باز هم بیشتری را آواره کرده و با به زندان و تبعید کشیده است.

امروز فعالیت و مبارزه خانواده شهدا و زندانیان سیاسی چه در داخل و چه در خارج کشور، نقش افشاگرانه و امیدبخش بزرگی را در جنبش ایفا می‌کند. وظیفه انقلابی ما ست که از یک سو با تمام نیرو و از این خانواده‌های زجر دیده هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی حمایت کنیم و از سوی دیگر با کار سازمانگوانه در مین آنها، بویژه تقویت ارتباط با خانواده‌های زندانیان سیاسی بتوان ایستادگی زندان در برابر دژ خیمان و اشکها س هر چه وسیع تر ا ب س ن ایستادگی که مظهر ایستادگی خلق در برابر ارتجاع است را هر چه بیشتر ارتقا دهیم.

رژیم جمهوری اسلامی در آزادی قلم آزادگان و در آزادی بیان آرا و عقاید به بشر و مطبوعات مترقی نوای مرگ خود را می‌شنود. در این رژیم بیان و تبلیغ آن با وزهایی مجاز نذک که روزی رمان ملانیا کینه‌اندیش است. رژیم جهل پس از نگشتن قلم آزاد اندیشان و به بند کشیدن مطبوعات آزاد، امروز روی نا مه‌های حکومتی را نیز با شدتی بیشتر از گذشته تحت کنترل خود در آورده است. روزی نامه‌های حکومتی نیز حق ندارند جز خواست حاکمان مستبد بر سبند. آخوندهای مرتجع حتی از عرض و طول تیغ مطبوعات حکومت مراقبت می‌کنند. "قانون مطبوعات" که جدیداً از تصویب مجلس ارتجاع گذشته حتی امکان انتقاد از شرکای روحانیون در حکومت را نیز سلب می‌کند. مطابق این قانون هر کس که از مسئولان انتقاد کند با مجازات خلاق و زندان و ربورومی شود. این قانون ارتجاعی آینه تمام‌نمای جهل پروری رژیم است.

نگهدار کردن حقوق اقلیت‌های ملی و جلوگیری از شرکت آنها در تعیین سرنوشت خود نمودار دیگری از خط فساد دموکراتیک جمهوری اسلامی است. کشور ما از دیرباز سرزمین ملیت‌های مختلف بوده است. جنبش ملی این خلقها با

کشتارده منشا نه سرکوب شده ومی شوند. هم از سرکوب خونین خلق عرب آگاه ه هستند. سرکوب خلق ترکمن طی دو جنگ و ترورنا جوانمردانه توماچ و همزمان رهبران این خلق ستم دیده هرگز از پا نخواستند و هدر رفت. سرکوب خواسته های مردم بلوچستان از جمله برانداختن پات سال ۶۲ نمونه دیگری است. کینه حیوانی سران رژیم نسبت به اقلیت های ملی بیشتر از هر جا در کردستان جلوه کنسره است.

اکنون مدت ۷ سال از تهاجم رژیم علیه خلق کرد می گذرد. در طی این مدت دهها هزار نفر از مردم کرد قتل عام شده اند. امروز خلق کرد بیش از ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای مسلح رژیم درگیر نبردی نابرابر و خونین است. اکنون کردستان بیشتر به یک سرزمین اشغال شده شبیه است تا بخشی از خاک میهن ما. کینه ورزی سران رژیم نسبت به اقلیت های ملی علاوه بر شوونیسم فارسی با شدیدترین نوع اعمال ستم مذهبی همراه است.

جنبش ملی خلقی تحت ستم کشور متحد طبقه کارگران انقلاب ملی - دموکراتیک بشمار می رود. طبقه کارگران جنبش های ملی در مبارزه علیه رژیم دارای منافع مشترکی هستند و برای پایه باید مبارزه انقلابی خود را در پیوند نزدیکتر با هم قرار دهند.

وظیفه مبرم سازمان ما ست که فعالیت سیاسی و سازمانی خود را در کردستان هر چه فعال تر گسترش دهد. جلب توجه های زحمتکش کرد به صفوف سازمان و گسترش نفوذ سیاست، شعارها و برنامه ما در میان خلق کرد را ی اهمیت فوق العاده است. کردستان همگامان مبارزه علیه ستم ملی وهم یک کانون تمرکز نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. با توجه به خط مشی، برنامه و سمبلیک نیروهای جنبش ملی کرد، حضور فعال سازمان در منطقه و تلاش سازمان به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگران ایران برای سرنوشت نهایی آن حایز اهمیت تعیین کننده است.

رفقا!

حکومت جمهوری اسلامی مدافع منافع سرمایه داران بزرگ و بویژه تجار و بزرگان مالکان است. خط مشی رژیم در دفاع از سرمایه داری و در ادا مسیله فاجعه بار جنگ همراه با احیای عقب مانده ترین اشکال استعمار و ستم طبقاتی از یک طرف کشور را به حدترین بحران اقتصادی دچار ساخته و از طرف دیگر سنگین ترین فشارهای اجتماعی و فقر و فلاکت را نصیب زحمتکشان کشور ساخته است.

اکنون صنایع کشور در حال رکود و بسیاری از واحدها در خطر تعطیل هستند. آن دسته از صنایع بزرگ که در حال تولیدند، با ظرفیت بسیار پایین تولیدی کار می کنند. در سال ۶۴ موسسات بزرگ تولیدی با ۵۱ درصد ظرفیت خود کار کرده اند. تولید صنایع همچنان در حال کاهش است. سطح تولید در بخش های معدن، برق، آب و گاز نیز منفرجه بوده است. در شرکت پودا رزوبرق مورد نیاز صنایع، رشد صنایع طی سالهای ۶۳ و ۶۴ صفر بوده است. افزایش هزینه های ارزی جنگ و کاهش مستقیم قیمت نفت عامل تشدید بحران در صنایع کشور است. زیرا درجه وابستگی صنایع به مواد اولیه، گالاهای نیم ساخته و تکنولوژی وارداتی بسیار بالاست. برای اظهارات مقامات رسمی فعالیت ۸۰٪ صنایع کشور وابسته به تامین نیازهای آنها از خارج است. این رقم در مورد صنایع بزرگ - به جز واحدهایی که به کمک کشورهای سوسیالیستی ساخته شده اند - به ۹۵٪ می رسد. در سال ۶۳ راه انداختن چرخ تولیدات صنایع به ۷ میلیارد ۸۰۰ میلیون دلار ارز نیاز داشته است. وابستگی عمیق صنایع ایران با کاهش شدید قیمت جهانی نفت، که منبع اصلی ارز است، بهامری فاجعه بار تبدیل شده است. اوضاع بحرانی سه ساله اخیر اقتصاد کشور، دروقین بودن "سیاست خودکفایی اقتصادی" رژیم را برملا کرده است. شعار "افزایش وابستگی در کوتاه مدت برای قطع آن در درازمدت" که راهنمای سیاست رژیم در راه اندازی صنایع بوده است، همانطور که پیش بینی می شد وابستگی

اقتصاد دستور را به نفع و واردات داد. از این بابت و به واسطه مسوولیت
کشور انجام داده است. رژیم در مقابل به با بحران ارزی و مالی سیاست تعطیل
تعداد زیادی از صنایع، قطع ارز بسیاری از واحدهای خصوصی، تا مبنی هزینه
جاری دولت با مالیات را در پیش گرفته است.

سیاست رژیم در دفاع از مالکیت بزرگ ارضی، هم در اشکال سرمایه داران
و هم ماقبل آن، عامل مهم و خاسته زندگی دهقانان و وورشکستگی کشاورزی
کشور است. اصلاحات ارضی دموکراتیک که می توانست علاقه توده دهقانان
را به افزایش تولید برانگیزد و راه شکوفایی اقتصاد روستا را بگشاید در اثر
خیانت سران رژیم متعطل نشد.

برابر اطلاعات منتشره مرکز آمار ایران در سال ۶۱، ۳۲/۵ درصد خانوارهای
روستایی فقط ۲/۲ درصد اراضی را در اختیار داشته اند و ۳۸ درصد از خانوار-
های زمیندار صاحب ۱۴/۹۴ درصد کل اراضی بودند. متوسط زمین روستاییان
۲۵ هکتار و زمینداران ۲۵۶/۸ هکتار بود. در طی ۷ سال پس از انقلاب
حکام مرتجع تنها مالکیت ۲۳۵ هزار هکتار را از اراضی بزرگ مالکان را که توسط
خود دهقانان مصادره شده بود به رسمیت شناخته اند. یعنی رژیم تنها ۷ درصد
زمین بزرگ مالکان را به حدود ۹۰ هزار خانوار واگذار کرده است. در همان حال
سران خبیانکار رژیم بر اساس قانون "ابطال اسناد واگذاری اراضی موقوفه"
مصادف ۶۲، ۲۵ هزار قطعه زمین مزرعین را مجدداً از روستاییان
پس می گیرند و به مالکیت اوقاف و روحانیت درمی آورند. مالکیت بخش
دیگری از اراضی مصادره شده توسط دهقانان از بزرگ مالکان که به حدود
۲۲۵ هزار هکتار بالغ می گردد همچنان "قانون" در ملک مالکین قبلی
آنها باقی مانده است. اگر رژیم اقبال دهقانان و حشمت نداشت تا اکنون
تمام این زمینها را به بزرگ مالکان بازگردانده بود.

رژیم تاکنون هر چه توانسته انجام داده است زمین را از دست دهقان
بگیرد و به ارباب سابق پس بدهد از سال ۶۱ به این سو، بزرگ مالکستان
با احکام حکام شرع و سرنیز به سبزه و گنبد ها، با سرکوب مقاومت دلیبران
دهقانان، بسیاری از زمینهای مصادره ای را پس می گیرند و دهقانان مبارزان
به زندان می افکنند. در اردیبهشت ۶۴ ارتجاع حاکم قانون "اعیان
و واگذاری اراضی مزرعین" را از تصویب مجلس گذراند. با تصویب این قانون
بزرگ مالکی بر اراضی، باغات، قلمستان ها، زمینهای مکانیزه و سماتیز
پذیرفته شد. این قانون ارتجاعی به دولت نیز اجازه داده است که به مثابه
یک بزرگ مالک، زمینهای دولتی و موقوفات را به دهقانان اجاره دهد و با
آن قرارداد مزارعه و غیره ببندد. این قانون به اعمال گذشته رژیم
بر ضد دهقانان رسمیت قانونی داده است. با تصویب این قانون اینست
مهاجرت روستاییان با زمین گسترش خواهد یافت.

بدین ترتیب ۷ سال پس از انقلاب، اطلاعات را در اشکال ارضی همچنان
خواست مبرم دهقانان باقی مانده است.

علاوه بر آن روستاییان از خدمات بهداشتی و درمانی، آموزشی و عمرانی
محروم مانده و بزرگ و کودماشین های کشاورزی مناسب و ارزان نمی توانستند
تهیه کنند. قیمت محصولات ناچیز آنان نیز تثبیت شده نیست. ۷۰ روستاهای
کشور فاقد آب آشامیدنی سالم هستند و این امر به گسترش بیماریها و مرگ و میر
اطفال روستایی انجام داده است. حدود ۲۰ هزار روستا در سال ۶۳ فاقد مدرسه
بوده اند. با این حال در فروردین امسال وزارت آموزش و پرورش دستور داده
است مدارس کمتر از ۲۵ نفر نیز تعطیل شوند. این دستور به تعداد بیست و
۶ روستاهای کشور خواهد افزود.

در جمهوری اسلامی، اقتصاد روستا در حال با شیدگی و تولید کالاهای
اساسی کشاورزی نظیر گندم، پنبه، پخته، پخته و نیش و نیشداری و مراتع
در حال سقوط است. واردات گوشت طی این ۷ سال چند برابر شده است. واردات
گندم که در سال ۵۷، ۱ میلیون و ۱۳۹ هزار تن بوده در پایان سال
۶۲ به ۴ برابر، واردات برنج از ۳۷۰ هزار تن در سال ۵۸ به ۷۵۰ هزار تن
در سال ۶۲ افزایش یافته است. رژیم آخوندی در سال ۶۲ حدود ۲ میلیون و
۳۰۰ هزار تن علوفه وارد کرده است. ارزش مواد غذایی وارداتی که در سال

۵۶ حدود ۱/۲ میلیارد دلار بود، اکنون به میزان ۲/۸ میلیارد دلار رسیده است. این واقعیات مدلل می‌سازند که: در اتریش استهای رژیم بکشور ما از لحاظ مواد غذایی و سایر نیازهای ضروری کشاورزی نیز بیشتر از گذشته بسته امپریالیست‌ها وابسته شد.

اکنون در آن مجموعه عوامل فوق سالانه یک میلیون تن از دهقانان را همی شهرها می‌شوند. در این میان سهم شهرنهران حدود ۵/۵ میلیون نفر است. در اثر این مهاجرت‌ها، برابراطلاعات جهادسازندگی، ۲۵ درصدها و مزارع کشاورزکنه خالی شده و جمعیت حدود ۶٪ از روستاها و مزارع کشور به کمتر از ۲۵ خانوار رسیده است. سیاست سران خائن رژیم نمی‌تواند به ورنشستگی بازم‌بیشتر اقتصا در کشاورزی منجر شود.

بحران زدگی اقتصاد ایران با عث شده است که تعادل بازرگانیهی خارجی کشور بشدت منفی شود و طی ۷ سال عمر رژیم ارزش صادرات غیر نفتی نسبت به واردات ۴ برابر گشته باشد. اکنون ارزش صادرات غیر نفتی فوق العاده کم و به رقمی نزدیک صفر رسیده است. سهم امپریالیسم دولتی و وابسته به آن از واردات کل کشور به بیش از ۹۰ درصد بالایی می‌گردد.

درباره سیاست مالیاتی رژیم باید گفت که رژیم با یک دست حقوق اندکی می‌دهد و با دست دیگر آن را می‌گیرد. رژیم بنای سیاست مالیاتی خود را بر این پایه استوار کرده است که تا آنجا که شیخ‌اش می‌بود مالیات بهیشتتری از مردم زحمتکش بگیرد و آن را آنقدر افزایش دهد که بتواند کشور جنگ را داغ تر و دستنگاه عریض و طویل بوروکراسی و نهادهای سرکوب و ولخرجی‌های بی حساب و کتاب هزاران آغوش حکومتی را از محل آن تامین کند. به همین دلیل هر ساله میزان مالیات‌ها افزایش یافته و اکنون به رقم نجومی رسیده است. در چند سال قبل رژیم تنها موفق شده ۵۵ میلیارد تومان مالیات از مردم اخذ کند، اما در سال ۶۴، رژیم تولید ۱۰۳ میلیارد تومان مالیات دریافت کرده که سهم سرمایه‌داران در آن فقط ۳ میلیارد بوده است. امسال رژیم می‌خواهد میزان مالیات را به ۱۲۸ میلیارد تومان افزایش دهد. این مبلغ اندکی کمتر از هزینه دولت پس از کسور و منکفات است، برای اصراف مسئولان عده‌ای از سرمایه‌داران که می‌بایست در سال ۶۳ مبلغ ۱ میلیارد تومان مالیات بپردازند، فقط ۱۹ میلیون داده‌اند. در جمهوری اسلامی بهیچ ترتیب از ملایان و مداخل آنان مالیات اخذ نمی‌شود و هیچ قزاقان و غاصبه‌ای برای کنترل ثروت و چپا و لگری آنها و اقوامشان وجود ندارد. سیاست مالیاتی رژیم توزیع ثروت را نا عادلانه تر و درآمدهای واقعی مسردم را کمتری کند.

اما این مالیات‌های کلان هم مخارج جاری این رژیم جنگ طلب، را تامین نمی‌کند و رژیم هر ساله با کسر بودجه کلان روبه‌رو می‌شود. کسر بودجه هر ساله افزایش یافته و طی سال ۶۳ به ۱۰۰ میلیارد تومان رسیده و در سال ۶۴ هم در همین حدود باقی مانده است. ادامه قاجعه با رنجن عامل اصلی این وضع است. رژیم در مقابل با آن راه چاپ بدون پشتوانه اسکناس را در پیش گرفته است. این عمل صاف و ساده به معنای آن است که رژیم هر ساله حدود معادل کسر بودجه از جیب مردم درمی‌آورد و در کشور جنگ سوزانده و با جیب میلیاردرهای بازاری می‌ریزد. نتیجه این راه حل بنا بر اصراف مسئولان بانک مرکزی این بوده است که اندوخته پولی سرمایه‌داران بزرگ از حدود ۲۵۰ میلیارد تومان در سال ۵۷ به حدود ۸۷ میلیارد تومان در همین ۶۴ افزایش یافته که به نسبت سال گذشته از رشدی معادل ۱۰ درصد برخوردار بوده است. برابراظهارات یکی از نمایندگان مجلس این مبلغ نجومی به تعداد محدودی سرمایه‌دار بزرگ یعنی به یک اقلیت ۳ درصدی تعلق دارد. اکنون ۴ درصدامعه ما هانه تا ۳۰۰ هزار تومان درآمد دارند در حالی که ۴ میلیون نفر در کشور وجود دارند که درآمد هانه آنها برابر ۱۸۰۰ تومان است و درآمد سرانه بسیاری از خانواده‌های ساکن مناطق مرزی غرب کشور در حدود ۳۰۰۰ تومان در سال است. دولت ارتجاع نه می‌تواند تورم را مهار کند و نه دستمزدها را افزایش دهد.

سالهای ۵۹ تا ۶۲ میزان قیمت‌ها تا ۸۳ درصد متورم شده است و ملی هم‌اکنون سالها رژیم تلافی‌گردد که به‌یاد مقابله با تورم، دست‌مزد را افزایش ندهد. این وضعیت افزایش دست‌مزد را به‌خواست مبرم همه مزدبگیران تبدیل کرده است. چنانکه از هم‌اکنون پیداست در سال ۶۵ به‌علت کاهش شدید درآمد نفت و ادامه و گسترش جنون آمیز جنگ، ارزش پول و دست‌مزد واقعی زحمتکشان تا چندین برابر بیش از سال گذشته کاهش خواهد یافت. خمینی‌زندگی را بر زحمتکشان اقبال بسیار دشوارتر خواهد کرد. واقعیت‌ها فاسق نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در خدمت اقلیت محدود و پراکنده فاسق مردم ایران است. رژیم آخوندها رژیمی عدالت‌سپیز و ظلم‌گستر است. در نتیجه سیاست‌های رژیم، فقراداشما فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند.

رفقا!

گسترش بی‌سابقه بیکاری راه حل رسمی و اعلان شده رژیم برای مقابله با بحران است. اکنون تعداد بیکاران به‌یاد سابقه‌ترین سطح خود رسیده است. از ۱۲ میلیون نفر نیروی کار کشور حدود ۱۹٪ یعنی ۲/۲ میلیون مطلقاً بیکارند و در فاصله‌های تولیدی نقشی ندارند. حدود ۲۰٪ دیگر نیز بیکاران پنهان هستند یعنی با شغل‌های کاذب نظیر دوره‌گردی، دستفروشی، دلالی، واسطه‌گری ارتزاقی می‌کنند. بدین ترتیب در جمهوری اسلامی ۴۰٪ نیروی کار (۴/۸ میلیون نفر) بیکار است و یا کارکاذب دارد. تازه هر ساله ۳۵۰ هزار نفر متقاضی جدید کار نیز وارد بازار می‌شوند. روستاییان مهاجر، کارگران ساختمانی و جوانان، قربانیان اصلی بیکاری هستند. چنین وضع دشتناکی قبل از هر چیز نتیجه حاکمیت ملایان و سیاست ارتجاعی آنان است. اخراج کارمندان، معلمان، کارگران و دانشجویان از کار و تبدیل عقاید کُسه داشتند، بر تعداد بیکاران افزود. سیاست رژیم در سه ساله اخیر در مقابله با بحران اقتصادی بر ارتجاع بیکاری باز هم افزوده است. هسته اصلی این سیاست که رژیم آنرا زیر شعار "کاهش نان خورها" پیش می‌راند، بطور خلاصه اخراج توده‌ای کارگران و کارمندان است. سیاست کاهش نان خورها باعث شده که در اکثر کارخانه‌ها کارگران را گروه گروه اخراج کنند. اکنون ۳ میلیون کارگر در خطر اخراج قرار گرفته‌اند. در جمهوری اسلامی حق کارکنان از حقوق ابتدایی هراسان است، لگدمال شده و امنیت شغلی مزد و حقوق بگیران به‌طور جدی به خطر افتاده است.

سیاست رژیم در زمینه آموزش و پرورش، بهداشت و امور درمانی، بیمه و خدمات اجتماعی، حذف مسئولیت‌های دولت در این امور و کاهش شدید بودجه آنان است. این سیاست اقبال هم‌دنبال می‌شود. راه سرمایه‌داران بزرگ برای دست‌اندازی در این عرصه نیز هر روز بازتر می‌شود. البته نتیجه روشن است. بیسوادان در میان زحمتکشان با زهم‌گسترش خواهد یافت و آمار مرگ و میر آنان افزون‌تر خواهد شد. کیسه‌زنان و زنان در مقابل انباشته ضرر خواهند شد... با پیدایش انتظار داشت که تعداد دانشجویانی که از تحصیل محروم می‌گردند با زهم افزایش یابد. بر ابرای اعلام مسئولان رژیم ۱۵ میلیون بیسواد در کشور، ۴/۵ میلیون در شهرویش از ۱۰ میلیون نفر در روستا وجود دارند. در حال حاضر ۵ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله از رفتن به مدرسه محرومند و ۵۰ درصد جوانان پس از اتمام دبستان به مدارس راهنمایی راه نمی‌یابند. اکنون کسب و کارگانی مسکن پیدا نمی‌کنند و شهرها هزینه مسکن بیش از ۵۰ درصد درآمدهای زحمتکشان را بخود اختصاص می‌دهد. در این شرایط سیاست دولت ارتجاع عدم حل این معضل اجتماعی است. دولت هر قدر زمین و سایر خدمات که سرمایه‌داران بزرگ طلب کنند، در اختیار آنها قرار می‌دهد. دولت ارتجاع در خرده‌دماه سال گذشته آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری را که نافی خودقان است، با هدف بهره‌برداری هر چه بیشتر سرمایه‌داران بزرگ از بحران مسکن به تصویب رساند. با تصویب این قانون دست‌تجارت بزرگ و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داران بزرگ را در غارت بی‌محابای خلش

از طریق سینتم "بازوبفروش" کاملاً بازگردد. همچنین این اواخر سران رژیم به این فکر افتاده اند که به سرمایه داران بزرگ اجازه دهند که شرکت های بزرگ تولید و اجاره تشکیل دهند. البته برای گمراه کردن مردم به این موسسات عنوان "بنگاه های خیریه استیجاری" داده اند.

فساد بی سابقه یکی دیگر از مظاهر فساد است. سیاست های رژیم است که جامعه به آن آلوده شده است. گسترش دزدی، ارتشاء، اختلاس، اعتیاد، فحشا، علیرغم عوامریبی های اسلام پنهان حاکم از مشغلات با رژیم جمهوری اسلامی و از امراض رایج جامعه ما است. بخش بزرگی از اردوی ۱۸۰ هزار نفری روحانیون در پست های وزارت و مدیریت و سرپرستی بنیادها و دانشگاه های شرع و غیره و نیز برخی از فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری و پلیس در زمره عناصرتشکیل دهنده بورژوازی طفیلی بوروکراتیک اند. بوروکراسی حیفا و میل اموال دولتی - رشوه، ارتشاء، جایگزینی کردن روابط بجای ضوابط، کماکان از صفات مشخصه عملکرد بورژوازی بوروکراتیک بشمار می آید. در این روند قدرت سیاسی به ایجاد قدرت اقتصادی کمک می کند.

در جمهوری اسلامی، مسئولان رژیم کشتی های عظیم را با بارش می دزدند و وقتی هم که دزدیهای کلان به سر رسد روزنامه های حکومتی در می کنند، دستگاه عدل اسلامی سرودن قضیه را به نحوی بهم می آورد. اما همین دستگاه ظلم وقتی پای محاکمه مردم عادی به میان می آید، واضح مجازات های عهد عتیق، دست و پا بریدن، چشم در آوردن، سنگسار کردن و غیره است. در این رژیم فساد دزدیهای دهها و صدها میلیونی توسط مسئولان، امرطبیعی و رایج است.

در زمینه اعتیاد و دوزخ بسیار وخیم و یکی از نگرانیهای فوق العاده خانواده ها است. مطابق گزارش که دایره بین المللی کنترل مواد مخدر وابسته به سازمان ملل در سال ۶۳ انتشار داد، جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن جمعیت کشور از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد در راس تمام کشورها قرار دارد. مطابق این گزارش حدود ۱/۵ میلیون نفر معتاد به تریاک در جمهوری اسلامی وجود دارد. تعداد واقعی معتادان بیش از این است و چند میلیون راشا مل می شود. برابر اعتراف مسئولان رژیم اما معتادین در جمهوری اسلامی چندین برابر شده است و طی این مدت ۷۰ هزار قاچاقچی که فقط بخشی از این سوداگران مرگ و عوامل فریب خورده آنان است، بازداشت شده اند. بیشتر اینها جوان هستند. این ارقام داغ ننگ ابدی بر چهره غلبه جماران است.

رفقا!

سیاست خارجی رژیم نیز مانند سیاست داخلی آن یک سیاست فداکاری و فدا مردمی است. جمهوری اسلامی مخالف صلح و همزیستی مساومت آمیز میان کشورهای است. جهات اصلی مواضع و سیاست خارجی رژیم در رابطه با نیازهای جنگ و ادامه و گسترش آن تعیین می شود. هدف دیگر سیاست خارجی رژیم صدور ولایت فقیه به سایر کشورهاست. سیاست رژیم در مقابل افغانستان انقلابی در هماهنگی عملی کامل با سیاست امپریالیسم آمریکا است. رژیم می گوید که در جنبش ترقیخواهان عراق تفرقه افکند و نیروهای پیرو "ولایت فقیه" را بر این جنبش تحمیل کند. رژیم تلاش می کند که کشتل جنبش ترقیخواهان مردم فلسطین و لبنان را از طریق مسلط کردن "حزبالله" بر آنها در دست گیرد. این اندیشه های عمیقاً ارتجاعی به تشنج اوضاع منطقه دامن زده و الهام بخش ارتجاع منطقه شده است. رژیم سیاست جلب دوستی شیوخ مرتجع عرب را در پیش گرفته و آماده همکاری با شورای امپریالیسم ساختم همکاری خلیج است. هدف این سیاست قطع حمایت شیوخ از هدام و کسب پیروزی در جنگ است. سیاست همدستی با ارتجاع ترکیه و پاکستان در چوب "آر - سی - سی" از مشغلات دیگر سیاست خارجی رژیم است که عملاً در خدمت احیای محور فساد و آنکارا - تهران - اسلام آباد قرار گرفته است. احیای این محور از اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه برای بازسازی

رژیم ولایت فقیه پس از تجدید و تحکیم روابط نواستعماری با انگلستان
آلمان، ژاپن و ایتالیا اکنون در پی جلب رضایت محافل امپریالیستی
فرانسه و سپس عادی کردن روابط با آمریکا است. محافل امپریالیستی
دفرانسه و آمریکا نیز نمی خواهند از رقبای انگلیسی، آلمانی و ژاپنی
خود عقب بمانند و روی خوش به رژیم نشان می دهند. خواست رژیم خمینی
از دولت دست راستی فرانسه این است که در ازای یک میلیار دلار بـا
و امتیازات دیگر، از حمایت یک جانبه از رژیم عراق و مخالفت یک جانبه
با رژیم خمینی دست بردارد و حداقل هر دو طرف را در ادامه جنگ و سرکوب
تبیروهای ملی و دموکراتیک یاری دهد. رژیم به موازات سیاست نزدیکی به
امپریالیسم جهانی، آزمای غشوروی و ضد کمونیستی در سیاست خارجی
پیروی می کند.
رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "تر" و "دوا بر قدرت" غرب گرایشی
و سیاست استیژی خود را به اجرا می گذارد.
سیاست خارجی رژیم برخلاف منافع و مصالح ملی مردم ایران و برضد مصالح
و امنیت منطقه است.

ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی و ضرورت سرنگونی آن

رفقا!

واقعیات فوق و رویدادهای پس از پلنوم مهرماه ۶۳، درستی ارزیابی
آن پلنوم را از ماهیت ضد خلقی و ضد دموکراتیک و بنیاد ارتجاعی سیاست
و برنامه رژیم اثبات کرده است. در مرحله کنونی، دشمن عمده مردم ایران
بلحاظ سیاسی رژیم ولایت فقیه و از نظر اجتماعی کلان سرمایه داران و بسزرگ
مالک اند.

مشخصه های اصلی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی تمرکز تمام اختیارات در
دست یک فرد بنام "ولی فقیه" و نقی حق مردم در تعیین سرنوشت خود، قبضه
انتحاری تمام مواضع قدرت در دستهای حساس در دست آغوشها با ساختار سیاسی
- دولتی قرون وسطایی، استبداد خونین مذهبی، جنگ طلبی جنون آمیز،
ضدیت با منافع ملی، فرهنگ استیژی و فساد دپووری، پاسداری سبانه از منافع

استثمارگران و دشمنی کینه توزانه با منافع کارگران و صنعتگران، اعمال
خشن ترین نوع ستم بر پیروان سایر مذاهب و بر زنان، همه و همه نشانگر
آن است که این رژیم، رژیمی است بنیاد ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک
که سودمانع عمده شکام جامعه ما است. هر نوع تحول بنیادین و انقلابی
جامعه قبل از همه در گرو آن است که جمهوری اسلامی سرنگون شود و از سر راه
برداشته شود.

براین پایه بود که کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
در بنیادیه مشترک با حزب توده ایران، تحت عنوان پیروان دمبارزه خلق
درواه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، همه نیروهای ملی و دموکراتیک
کشور را به مبارزه ای متحد در راه سرنگونی جمهوری اسلامی فرا خواند. امری
که از مدت ها پیش به نیازمیرم جنبش انقلابی میهن ما مبدل شده بود.

رفقا!

تحلیل واقعیات و تجربه نشان می دهد که جمهوری اسلامی از لحاظ ماهیت
طبقاتی، رژیم بورژوازی و از نظر شکل حکومتی، رژیم تشوکر اتیک است.
این رژیم هنوز یک دست نیست و علیرغم وحدت همه جناح های آن در دفاع از منافع

روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی، بلحاظ وابستگی طبقاتی مختلف روحانیون به لایه های مختلف اجتماعی همچنان گرایشات متفاوتی را حمل می کند. گرایشات وابسته به بورژوازی بزرگ، متوسط و کوچک و بزرگ مالکان در حکومت حضور دارند. در این میان بورژوازی بزرگ تجاری که مهمترین پایگاه طبقاتی روحانیت است، نقش و وزن عمده را دارد. در جمهوری اسلامی بیش از همه منافع روحانیت و بورژوازی تجاری تأمین می شود.

مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه با مجموعه هیأت حاکمه ای است که اکنون قدرت حکومتی را به رهبری خمینی در دست دارد. اما این امر به معنای عدم توجه به اختلافات و تضادهای جناح بندیهای درون حکومت نیست. توجه به این تضادها و استفاده از آنها برای گسترش مبارزه، امری لازم و ضرور است. به علاوه باید توجه داشت که رژیم ولایت فقیه، از نظر ساختار دولتی رژیمی است غیر منسجم، ناهمگون و سراپا تضاد. در این رژیم دوگانگی و چندگانگی نهادهای دولتی و تضاد آنها با یکدیگر توأم با اختلافات شخصی و دسته بندیهای متعددی که حول منافع گروهی شکل گرفته، مانع از عملکرد همگون دستگاه دولتی است. در عین حال تضادها و آشکارا رژیم ولایت فقیه با الزامات و نیازهای رشد و تکامل اقتصادی-اجتماعی جامعه ما و ضدیت آن با خواستها و منافع توده های خلق که به بحران اقتصادی-اجتماعی حادی منجر شده است روی تضادهای درون حکومت تأثیر می گذارد و به آن دامن می زند.

با این حال باید تاکید کرد، منشأ اصلی تضادهای جناحهای درون حکومت، وجود گرایشات متفاوت طبقاتی مختلف بورژوازی در آن است. زیرا تا شورا این گرایشات، بگونه ای با رژیم زمینه مسایل مربوط به سیاستهای اقتصادی دولت چگونگی تقسیم قدرت و برخی جهات دیگر، دو جناح در حکومت شکل گرفته است. وحدت این دو جناح در حفظ نظام بهره کشی وستم و موجودیت رژیم ولایت فقیه و تحکیم آن، در کمونیسیم ستیزی، شوروی ستیزی و توده ستیزی و جنگ طلبی است. در این عرصه آنها مواضع یکسان و بسیار نزدیک به هم دارند و تحت رهبری خمینی متحدان عمل می کنند. هر دو جناح می گویند: نهادهای و تشکلهای اجتماعی، مذهبی و دولتی را در اختیار خود بگیرند. در یک جناح، علیرغم تداوم حضور گرایش ناهمگون و تاکید بر منافع روحانیت، نظریات و تمایلات بورژوازی بزرگ تجاری بیشتر متشکک می شود. بورژوازی بزرگ تجاری ایران به مرحله ای از تمرکز سرمایه و ثروت رسیده است که فضای بازتری را برای گسترش سرمایه و کسب سودهای کلان خود می جوید. برای این پایه بورژوازی بزرگ تجاری می گویند هرگونه مانعی از سرمایه تمرکز و انباشت سرمایه و مالکیت بر زمین و وسایل تولید برداشته شود. لذا "مشروعیت" سرمایه انحصاری را نیز طلب می کنند. این بورژوازی، انحصار توزیع برخی از کالاهای مورد نیاز را در دست دارد و آن را از جمله "بهاوش" تعاونی کنترل می کند. این جریان هرگونه کنترل دولتی اقتصاد، قیمت گذاری، مالیات و سرمایه گذاری دولتی و از این قبیل را رد می کنند "غیر شرعی" می شناسد. این نیروها خواهان انتقال کامل به زرگانی خارجی و مالکیت واحدهای بزرگ تولیدی سودآور دولتی یا تحت مدیریت و کنترل دولت به بخش خصوصی است و از منافع بورژوازی بزرگ و بزرگ مالکان به طور کلی دفاع می کنند.

آیت الله خمینی در کشاکشهای میان دو جناح حکومتی همچون گذشته به تکیه روی موازین اسلام و شعار نه شرقی، نه غربی به مانور سیاسی میان آنها ادامه می دهد. نقش ویژه وی آن است که برای حفظ وحدت جناحهای حاکمیت و تأمین نیروی کافی برای دفاع از جمهوری اسلامی تلاش می کند. ما فوق تضادهای جناح بندیهای هیأت حاکمه قرار گیرد. ما نورهای خمینی در خدمت تحکیم مواضع روحانیت قرار دارد و مواضع بزرگ مالکان و وکلان سرمایه داران را تقویت می کند.

در طی سالهای ۶۳ و ۶۴ با فراهمین خمینی در انتقال بیشتر مالکیت موسسات تولیدی و خدماتی و شرکتها و زمینهای دولتی و با تحت نظارت دولت به سرمایه داران بزرگ و تجار، سیاست این جناح در این عرصه با سرعت بیشتری از گذشته پیش رفت. مطابق فرمان مرداد ۶۴ "بنیاد مستضعفان" موظف شد کارخانه ها، شرکتها و املاک خود را به بخش خصوصی منتقل کند. این بنیاد

سودت ساحتمانی و بازرگانی، ۹ شرکت هواپیمایی و ۷۵ میلیاردموسسان زمین در اختیار دارد. در پی دستور ۴ شهریور او، وزارت صنایع و اگذاذاری واحدهای مصادره شده را آغاز کرد. در ۷ دی ۶۴ طرح واگذاذاری شرکت واحدا اتوبوسرانی تهران به بخش خصوصی زیرپوشش خونی، در کمیسیون مجلس تصویب شد. در ۲۹ بهمن ۶۴ دولت دستور داد با ننگ صنعت ومعدن واحدهای تحت مسئولیت خود را منتقل نماید. اکنون واگذاذاری معادن کشور، موسسات آموزشی، اداره شهرداریها وغیره در دست بررسی است. این فاکتها بهشرفت بهشتریاستاتین چنانچ در عرصه مسائل مربوط به مالکیت زمین ومساکیل تولیدومساخت خدمات را مدلل می سازد.

در جناح دیگر حکومت نیروهای هستند که در نظرات و سیاستهای اقتصادی آنان علاوه بر تاکید بر منافع روحانیت، منافع بخشهای وسیع دیگری از بورژوازی، از جمله منافع اقلیاریه، ترابری و راهی که کاهش نقش دولت در کنترل اقتصاد کشور را به زیان منافع خود تشخیص میدهند. انعکاس می یابد، نیروهایی که در رأس این جناح قرار دارند بارشده و منافع سرمایه داری بزرگ خصوصی مخالف نیستند و از جناح بزرگ و همه سرمایه داران بزرگ دعوت می کنند که در تولید سرمایه گذاری در این عرصه فعالیت کنند. اما سرمایه انحصاری، با تمرکز و تراکم مالکیت زمین و وسایل عمده تولید و نیز گسترش آن در توزیع مخالفت می کنند. سیاستهای برخی سخنگویان از این جریان در طی سالهای پس از انقلاب کمک کرد که چندین هزار واحد تولیدی کوچک با سرمایه متوسط ۵ میلیون تومان و با حداکثر ۱۵ نفر ایجاد شود.

تضاد بین دو جناح از یکا نونهای تشدید بحران سیاسی در دهها تاجیکستان محسوب می گردد. هر زمان که این تضاد دایر شده و در سطح جامعه انعکاس یافته ، بر فعالیت انقلابی ، اعتراضی و مطالباتی توده ها ، بر افزایش امکانات برای فعالیت سازمانهای انقلابی و در جهت گسترش آنها اثر کرده است . گسترش جنبش انقلابی و توده ای مردم نیز در تشدید این تضاد ، نقش موثر داشته است و در آینده نیز در ورژن آن تاثیر خواهد کرد . قدر مسلم این است که گسترش این تضاد و وحدت آن ، در چگونگی وضعیت سیاسی کشور و در سطح فعالیت سیاسی مطالباتی نیروها نقش فعال ایفا می کند . عملکرد اردو بهانه تضاد با یزدان زهر جهت مورد توجه کمیونیستهای کشور را قرار گیرد . ممکن است که روند گسترش این تضاد با بحرانهای کم یاب پراکنده سیاسی همراه شود . سازمان می گویند که از آنها در جهت تقویت مواضع نیروهای انقلابی و تسریع سرنگونی رژیم بهره برداری کند .

وفقاً:

[illegible]

این تحلیل بهیچ وجه منافی اهمیت اشکال مسائل نیست. می توان و باید در مبارزه علیه همه شیوه های مسائل آمیز و غیر مسائل آمیز را بکار گرفت.

رفقا!

اکنون نیروهایی که در مقابل حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفتند و در صحنه سیاسی کشور فعالند، متعدد و متنوع و هستند. اثرات فعالیت این نیروها بر اوضاع سیاسی کشور یکسان نیست. برخی نیز تا شیرنا چیز بر سر رویدادها دارند. مجموعه نیروهای اپوزیسیون نظریه ما هیت طبقا تی و تحولاتی که هر یک در اوضاع کشور و حاکمیت سیاسی طلب می کنند به جریان های مختلف تقسیم می شوند:

یک گروه سلطنت طلبان هستند. این جریان حول مثلث پهلوی - بختیار - امینی متشکل شده و رهبری می شوند. هدف آنها بازگرداندن رژیم سابق بجای حکومت فعلی است. برنا مه آنها احیای سلطه سرمایه داران بسز و وابسته به امپریالیسم آمریکا، احیای کامل مواضع امپریالیسم جهانی و احیای دوباره شکل سلطنتی حکومت است. آنها برای استقرار مجدد آن رژیم مبارزه می کنند که انقلاب بزرگ بهمین به زیاده ان تاریخ افکند. بهمین دلیل برنا مه و خط مشی آنها ارتجاعی و همه تلاش های آنها نیز از موضع ارتجاعی است. این جریان از حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکایی و متحدین آن برخوردار است و توسط آنها تقویت می شود. سلطنت طلبان یک جریان وابسته به امپریالیسم هستند.

این جریان از امکانات درون رژیم خمینی تغذیه می کند و سود می جوید و تلاش می کند در درون نیروهای مسلح، افسران سلطنت طلب را متشکل کند. علاوه بر آن تلاش می کند که با تکیه بر نفوذ پارچای خانها و فئودالهای مناطق عشایری، از نیروهای عشایر بهره گیرد. جهات پیشا ر خمینی، به دستما به عوامفریبی های این جریان علیه انقلاب بهمین تبدیل شده است. این جریان دشمن مردم است و با بدبه موازات رژیم تبهکار خمینی در تمام جهات علیه این دشمنان شناخته شده خلق نیز پیگیرانه نبرد کرد.

جریان بورژوازی - لیبرال گروه دیگر اپوزیسیون است. در طیف آنان، هم گروههای مذهبی و هم گروههای غیر مذهبی وجود دارند. سازمان در قبال بورژوازی لیبرال از خط مشی افشا و انفرادان از جنبش انقلابی مردم ایران پیروی می کند.

در شرایط کنونی جریان "نهضت آزادی" به رهبری با زرگان در پیشا پیش نیروهای قرار گرفته است که تحول بورژوازی - لیبرالی در حکومت را دنبال می کنند. برنا مه "نهضت آزادی" حفظ نظام سرمایه داری ایران، هموارتر کردن راه رشد و نیز برقراری روابط "دوستانه" با امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکاست. "نهضت آزادی" برای جای این برنا مه انجام تغییراتی در حکومت و سیاست آن را با استفاده از روش های قانونی

در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ضروری می بیند. این جریان مخالف ادامه جنگ و خصما قدرت در دست آخوندهاست و برای تا مین برخی آزادی ها و تا مین فعالیت خود و دستجات مشا به تلاش می کند. این فعالیت اکثر با واکنش سرکوبگرانه دستجات چما قدار حزب الله مواجه بوده است. واکنشی که افشا گرما هیت عمیقاً فده موکراتیک رژیم ولایت فقیه است. این نیرو تلاش می کند که در راه مبارزات مردم قرار گیرد و نیروی توده ها را در جهت اهداف خود غرضانه و سازشکارانه منحرف سازد. امپریالیسم آمریکا و نیروهای سلطنت طلب از تقویت این جریان استقبال می کنند. مهدی با زرگان اخیراً با دعوت عده ای از رجال بازنشسته جبهه ملی سابق و برخی عناصر مشا به برای ایجاد یک جابجایی لیبرالی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی جریان تازه ای تحت عنوان "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" تشکیل داده است. هدف سفر سال گذشته با زرگان به آلمان و سفر کنونی ابراهیم بزدی به آمریکا جلب حمایت قدرتها ی امپریالیستی غرب و محافسل

این نیرو، افشای ما هیت برنامۀ و سازشکاری آن با ولایت فقیه و امپریالیسم
 وروابط آن با سلطنت طلبان و جهت جلوگیری از نفوذ آن در میان توده‌هاست.
 اکنون باید برای همه توضیح داد که علت اینکه در رژیم ولایت فقیه
 میهن پرستان و انقلابیون و عیناً مردم موکرات و مشرقی زیر شکنجه و پای جوخه
 اعدام به شهادت می‌رسند و سرکوب می‌شوند، ما با زرگانها تحمل می‌شوید و
 امکان می‌یابد برای شرکت در قدرت و تأمین اهداف سیاسی خود، دست‌درست
 کنند، آن است که آنها با این رژیم به لحاظ مواضع ایدئولوژیک و اهداف
 طبقاتی همخوانی و اشتراکات زیادی دارند.

درباره "شورای ملی مقارن ایران" قبل از هر چیزی باید گفت که او لا
 این قانون برخلاف برنامه خود، برای سازمان مجاهدین هیچ یک از دیگر نیروهای
 شناخته شده و موثر جنبش ملی مقارن ایران را در بر نمی‌گیرد، بنابراین این
 شورای نیروی اجیل و پیگیر مقارن و متعلق ایران یعنی جنبش کمونیستی
 ایران نه رابطه دارد و نه در رفتار خصمانه خود با آن تجدید نظر کرده است. پس
 یکسال و نیم اخیر تعدادی از نیروهای آن ترجیح دادند که فعالیت خود را در
 خارج از این قانون ادامه دهند. حزب دموکرات کردستان ایران، مهمترین
 آنها بود. در حال حاضر نیروی اصلی واراده واقعی این "شورا" سازمان
 مجاهدین خلق است.

بررسی برنامه و خط مشی سازمان مجاهدین نشان می‌دهد که رهبری این نیرو در
 برنامه و خط مشی و در عرصه فعالیت ایدئولوژیک و حیات درون سازمان به شکل
 بارزی از مواضع انقلابی و دموکراتیک سابق خود عقب نشسته است. محتوای
 طبقاتی برنامه و خط مشی سیاسی و سمبلیک کنونی دستگاه رهبری مجاهدین
 بورژوازی و راست گرایانه است. سیاست و سمبلیک کنونی این سازمان
 بطور کلی در چارچوب مواضع "دموکراسی ملی" است. اما در میان نیروهای
 اجتماعی هوادار مجاهدین تمایلات دموکراتیک و مردمی همچنان نیرومند
 است. علیرغم اینکه ما با مواضع و سمبلیک دستگاه رهبری مجاهدین
 نسبت به قدرت‌های امپریالیستی، نسبت به جنبش‌ها و کشورهای مترقی
 و نسبت به سایر نیروهای مشرقی ایران موافق نیستیم و برای سازمان
 مجاهدین و جنبش انقلابی ایران زیانبار می‌شناسیم، با اینحال تصریح
 می‌کنیم بنا بر خلعت مرحله کنونی مبارزه، سازمان مجاهدین خلق متحد
 نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. برای پایه‌سیاست سازمان ما
 نسبت به این نیرو، اتحاد و مبارزه است. هدف عاجل این سیاست تأمین
 اشتراک سیاسی و وحدت عمل موثر و اتحاد میان دو سازمان برای سرنگونی
 رژیم خمینی و تأمین خواستهای مردم خلق یعنی صلح و آزادی است. ما مکتب را از
 مجاهدین دعوت کرده‌ایم به راهی برگردند که آن را ترک کرده‌اند. امتناع
 از همکاری و وحدت عمل با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، که یگانه منشأ
 آن بیم از امپریالیسم و بورژوازی بزرگ است، فدیته با کمونیست‌ها که از
 سیاست جلب حمایت و دوستی با امپریالیسم و ارتجاع نیز سرچشمه می‌گیرند،
 قبل از همه هرگونه خلعت دموکراتیک و شرقیخواهانه حاملین آن را مایه
 خود قرار می‌دهد.

در حال حاضر سازمان مجاهدین، پذیرش رهبری خود را شرط اتحاد و همکاری
 با دیگران قرار داده است. واضح است که گذاشتن چنین شرطی از طرف هر
 نیرو که باشد عملاً به معنی نفی اتحاد و در غلطیدن به سکتاریسم است. به صلاح
 آنها و به سود مردم ستم دیده‌ماست که اینگونه شرط و شروطهای غیر واقع‌بینانه
 کنار گذاشته شود. ما در موضوع اتحاد و همکاری اینگونه شرایط را اساساً رد
 می‌کنیم و بجای آن بالاتریم مشترک را پیشنهاد می‌کنیم.

با این حال ما از مبارزه مجاهدین علیه رژیم حمایت می‌کنیم. سازمان
 ما بنا بر این رژیم علیه مجاهدین را افشاء و محکوم می‌کند. تأمین همکاری
 و دوام آن، با گسترش کار مشترک در پایین نیز مربوط می‌شود. علیرغم
 مواضعی که در بالا وجود دارد، زمینه همکاری در پایین کاملاً وجود دارد. فداییان
 خلق از کار مشترک در محیط کار روزندگی با مجاهدین استقبال می‌کنند و

آنان در برابر تهاجم رژیم حمایت می کنند. این فعالیت به گسترش مبارزه علیه رژیم کمک می کند.

در همین حال، سازمان ما وظیفه خود و همه فداییان خلق می داند که مردم را از خصلت بورژوازی برنامہ، خط مشی و مستگیری کنونی سازمان مجاهدین و پذیرش ایجاد دولت اسلامی از سوی آنان آگاه سازد و عوارض خطرناک سیاست جلب دوستی و حمایت امپریالیسم و ارتجاع عرب و انحصارطلبی سیاسی مجاهدین را خاطرنشان سازد و نیز اهداف ارتجاعی تبلیغات و سمپاشی های رهبری سازمان مجاهدین خلق علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی را تباه و آشفته کند. ما امیدواریم که توضیحات اخیر محافل ارتجاعی و راست فراسه علیه مجاهدین، رهبری آنان را به درک آثار مغرب سیاست جلب اعتماد امپریالیسم رهنمون شود و به تجدید نظر در مواضع کنونی سوق دهد. با سیاستی که مجاهدین دنبال می کنند آنچه که امروز در فرانسه علیه مجاهدین سن در حال تکوین است فردا ممکن است در جای دیگری تکرار شود. به علاوه ایمن مسلم است که اگر چشم انداز پایان جنگ روشن شود، دلایل کنونی برای مصادم جنتیکار رگایی نخواهند بود که به حمایت سیاسی و مادی خود از سازمان مجاهدین ادامه دهد.

سازمان مجاهدین باید به راه نزدیکی با کمونیست های ایران باز گردد و سیاست جلب اعتماد امپریالیسم و ارتجاع منطقه و دوری از کمونیست ها را رها سازد و در قریبگاه امپریالیسم و ارتجاع، در میان محافل و احزاب امپریالیستی و ارتجاعی برای تحقق آرزوهای که سازمان مجاهدین برای جامعه عظمی پوشیدن به آنها موجود آمد، متحد و مددکاری وجود ندارد. به علاوه تاسف بار است وقتی مشاهده می شود که ولع رهبری مجاهدین برای بهره برداری از تفادیر محافل امپریالیستی اروپا و ارتجاع عرب با رژیم ایران، این رهبری را به وسیله ای برای حل اختلافات با رژیم خمینی تبدیل می کند.

رفقا!

در میهن ما علاوه بر سازمان های سراسری نیروهای دیگری هم هستند که در میان خلق های تحت ستم مبارزه می کنند و آماج عمده آنان رفع ستم ملی است. اهمیت مسأله ملی و نقش این نیروها در جنبش دموکراتیک و مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم اجماع می کنند که سازمان پیگیرانه در راه اتحاد با این نیروها در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش ورزد. در این زمینه قبل از همه باید به حزب دموکرات کردستان ایران اشاره کرد. هدف اعلام شده خط مشی سیاسی و مبارزه این حزب تا مین خودمختاری در کردستان و دموکراسی در ایران است. حزب کردستان ایران آماج نهایی خود را از سویا لیسم به سویا لیسم دموکراتیک تغییر داده است. سویا لیسم دموکراتیک هموار کردن رشد دموکراتیک سرمایه داری در کردستان را پی می گیرد و در مرحله کنونی ناسیونالیسم شرق خواه خلق کرد را نمایندگان می کند. در شرایط کنونی حزب دموکرات کردستان ایران، نقش عمده ای در جنبش ملی و دموکراتیک مردم کردستان ایفا می کند. سازمان در روابط خود با حزب دموکرات کردستان از سیاست اتحاد و مبارزه پیروی می کند، بر این پایه سازمان حزب دموکرات را به اتحاد در جنبه واحد در راه اهداف مشترک و سرنگونی جمهوری اسلامی فرامی خواند. سازمان ما از مبارزه حزب دموکرات علیه حکومت پشیمانی و تهاجم رژیم علیه آن را افتخار و محکوم می کند. در همین حال سازمان پس رفت حزب دموکرات کردستان به مواضع «سویا لیسم دموکراتیک» و نیز آثار و نبخش آن در تقویت گرایش بورژوازی در آن حزب و نیز تمایلات انحصارطلبانه و سلطه جویانه آنرا مورد انتقاد قرار می دهد و برای تقویت تمایلات دموکراتیک در قبال تمایلات راستگرایانه، سلطه جویانه و تنگ نظرانه درون جنبش ملی کرد مبارزه خواهد کرد.

جنبش ملی خلق کرد اکنون از خرابکاری دار و دسته شبه پل پوتیسسم و ارتجاعی حزب کذایی «کمونیست» که کومله نیروی اصلی آن است آسیب

در جنبش کمونیستی و کارگری ایران است و می‌بایست تنها ما افشا و منفرد بشود. سیاست، برنامه و مواضع ایدئولوژیک رهبری کومله همان مواضع حزب کدایی است. اما در میان اعضاء و پیشمهرگه‌های کومله عناصر زیادی وجود دارند که مادقانه برای رفع ستم ملی و سعادت مردم زحمتکش گردستان مبارزه می‌کنند. وظیفه ماست که با برخورد مثبت بکشیم این عناصر را حزب کدایی جدا شوند و راه صحیح مبارزه را انتخاب کنند.

رفقا!

جنبش کمونیستی ایران پیگیرترین نیروی انقلابی در میان نیروهای اپوزیسیون کشیخواه کشور است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران و دیگر سازمانهای مارکسیست - لنینیست، نیروهای این جنبش را تشکیل می‌دهند. سازمان ما برای وحدت جنبش کمونیستی در وحدت بخشیدن به طبقه کارگر و جنبش خلق اهمیت و نقش درجه اول قایل است. اتحاد طبقه کارگر و مبارزان راه و آرمان آن، در فراهم آوردن شرایط ذهنی ضرور برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران شرطی اساسی است. بدون مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر در یک سازمان واحد، صحبت کردن از مبارزه در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک ملی ایران بی‌معناست. کمونیست ما خوب درک می‌کنند که چگونه رودرویی نیروهای پیشاهنگ طبقه کارگر و تشدید تضادها و اختلافات میان آنها به تضعیف مواضع طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک می‌انجامد و چگونه حرکت کمونیست ما به سوی وحدت در حزب واحد طبقه کارگر مواضع آن را در جنبش و جامعه تقویت می‌کند. هم‌اکنون این روش که سازمان ما در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامه و اساسنامه واحد، پیگیرانه مبارزه می‌کند. سازمان در این مبارزه و در روابط خود با سایر نیروهای جنبش کمونیستی ایران از اصول برای حقوقی پیروی می‌کند. در سراز این وحدت هر چند مواضع متعددی وجود دارد، ولی سازمان مهم است که بر مواضع غلبه کند و خواهد کرد.

در این شرایط دشمنان طبقه کارگر، تمام نیروی خود را برای پراکندن تخم عدم اعتماد، بدبینی و خصومت میان نیروهای فعال در جنبش کمونیستی و کارگری ایران بکار گرفته‌اند. ترویج هر چه فعالیت و موثرتر ایدیه وحدت و مبارزه در راه آن از اهمیت والویت خاص برخوردار است. بعلاوه با پیداکردن کینه مبارزه در راه وحدت یک مفهوم کلی و عاری از وظایف مشخص نیست. این مبارزه وظایف مشخصی را فراوری ما قرار می‌دهد که باید پیگیرانه در راه انجام آن گام برداریم. در شرایط فعلی اهمیت وظایف عبارتند از:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی و نیز همکاری و اتحاد عمل و مشاوره و همفکری سازمان و حزب با هدف ارتقا و وحدت کنونی به سطح وحدتی همه جانبه

- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی و نیز اتحاد عمل و همکاری و همکاری مناسب سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران. کار بست اشکال و شبهه‌های موثر و متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در حفظ پاکیزگی آن.

سازمان به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، برای نیرومندی و تقویت پایگاه توده‌ای خود، یعنی برای تبلیغ مواضع سازمان و بسیج خلق تحت رهبری خود مبارزه می‌کند. هر چه سازمان نیرومندتر گردد، جنبش کمونیستی، و کارگری میهن ما قوی تر خواهد شد. در مبارزه با ظوئین وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، باید لزوماً اهمیت تأمین وحدت فکری و سیاسی با سازمانهای معتقد به مارکسیسم - لنینیسم، از جمله گروه منشعب

از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیروپیانیه ۱۶ آذر - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و برخی گروههای مشابه نیز مورد توجه قرار گیرد. دهانه ناچیز تا شير مستقيم حرکت و فعاليت اين جريانها در کشور نمی تواند و نباید مانع توجه ما به اهمیت موضوع گردد. واقعيت اين است که با تبديل رودر روی و خصومت اين گروهها به سوی همکاري در مبارزه با خطر سرنگونی رژیم، در عمل نیروی به مراتب بیشتری از جمع جبری نیروهای ما به سوی دفاع از مواضع طبقه کارگر و مواضع پیشاهنگ آن جلب خواهد شد. مساله مقدم که این گروهها باید در رابطه با اتحاد عمل با سایر نیروهای دموکراتیک کشور حل کنند، آن است که آنها در عمل همکاري با سایر جريانهای مارکسیستی، دموکرات و مترقی را به علت وجود اختلاف نظر در زمینه مسائل ایدئولوژیک، یکلی نفی و اتحاد عمل علیه ارتجاع حاکم برای ایران و امپریالیسم جهانی را موکول به حل اختلافات مذکور می کنند. بعلاوه آنها با اساساً خواهان اتحاد نیروهای دموکراتیک نشده اند و باید بر رهبری خود را شرط تشکیل جبهه با اتحاد با سایر نیروهای ترقیخواه کشور قرار می دهند. ما با چنین سیاستی موافق نیستیم. تا شير عینی این نحوه برخورد فقط و فقط تضعیف مواضع طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در دروندرویدادهای کشور است. بعلاوه واقعيت اين است که سمت اساسی مبارزه سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) علیه رژیم خمینی و برای سرنگونی آن و کشودن راه نامی اساسی ترین خواستهای مردم، با وظایف مبرمی که راه کارگر و پیروان بیاشیه ۱۶ آذر قرار روی خود قرار می دهند، نه تنها نافی یکدیگر نیست، بلکه مشخصاً در یک راستاست. اما متأسفانه این دو سازمان و محافل مشابه بجای تکیه بر این نقاط وحدت و کوشش متوالانه برای گسترش دامنه آن، مبارزه علیه سازمان و خصومت با آن را به سود خود می بندارند. اما ما هرگز نه این سیاست آنان را به سود آرمانهاشان تلقی کرده ایم و نه مقابله به مثل را به سود مردم ایران تلقی خواهیم کرد. باشد که استواری ما در فائقه مواضع مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و بیکارسی امان علیه هرگونه انحراف از آن، و پیشبرد فعالانه و فداکارانه مبارزه علیه رژیم خمینی و انتقاصی که عملاً در جنبش کارگری و توده ای ایران بر عهده داریم، سرانجام راه همکاري، اتحاد عمل، وحدت فکری، سیاسی و سازمانی با دست کم اکثریت این نیروها را بگشاید.

در اینجا بجای است **جریان "اقلیت"** که نزدیک به ۶ سال پیش از سازمان انشعب کرد نیز مورد اشاره قرار گیرد. این جریان که تحت عنوان "سازمان جریکهای فدایی خلق" فعالیت خود را آغاز کرد، راه غم انگیزی را طی این مدت پیموده است. این جریان نه تنها برضعفها و انحرافات خود غلبه نکرد، بلکه همراه با تحمل انشعابات مکرر مشخصاً و مصراد همان راه کج تا امروز پیش رفته است. جای تاسف بسیار است که رهبری فعلی این جریان امروز تنها عرصه فعالیت خود را در خارج از کشور و در درگیری فیزیکی خویش با همه جریانهای مترقی و انقلابی ایران یافت، اقلیت طی این مدت روز به روز به فقر ارفته است. سکتاریسم مفرط، کار این گروه را متأسفانه به آنجا کشیده است که چندی پیش نزدیکترین رفیقان همراه نیز در این گروه بر روی یکدیگر اسلحه کشیدند و بدست خود شهید بر جای گذاشتند و انشعاب خویشی را سازمان دادند. اکنون ۶ سال است که روند انشعاب و تجزیه پیاپی و تشدید خصومت این جریان با سایر نیروهای ترقیخواه ایران پیوسته تشدید شده است. با این حال سیاست ما نسبت به این جریان همچنان کوشش در جهت ترک مقابله آن با سایر نیروهای دموکراتیک و پذیرش همکاري علیه رژیم خمینی از طریق تقویت مواضع نیروهای سالم آن است. بعلاوه ما در همه جا وظیفه خود می دانیم که علیه رقومت حاد این جریان با سازمان، از فعالین آن در برابر یورش سرکوبگرانه رژیم تا هر جا که ممکن است حمایت کنیم.

رفقا!

بدین ترتیب سازمان ما به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، در راه اتحاد نیروهای فدا مپریالیستی، دموکراتیک و انقلابی

نیستند، بلکه مشخصاً در خدمت یکدیگر قرار می گیرند. همانطور که مشاهده می کنید، تشکیل هر چه سریعتر جبهه‌ای که همه نیروهای انقلابی و مترقی کشور را دربر گیرد، ضرورت تام و تمام دارد. آرایش نیروهای سیاسی کشور حاکی از آن است که در حال حاضر نیروهای بی که می توانند در جبهه متحد خلق شرکت کنند عبارتند از: سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، گروه مشعب سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیروان بیسابقه ۱۶ آذر، سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و سایر گروه‌های مشابه سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران و سایر جریانهایی ملی در سایر مناطق کشور. باید کوشید معاضد و شغف‌های ملی و مترقی و دموکرات که با جنگ و "ولایت فقیه" مخالف اند به اتحادیانی جبهه جلب گردند. تشکیل چنین جبهه‌ای از مسایل جادویمبرم جنبش ماست. در این میان وظیفه سازمان ما بسیار سنگین و خطیر است. فداییان خلق باید هم‌اکنون با زیرساخت فعالیت کنونی خود بسیار فزاینده هم‌در راه متحد و متشکل کردن طبقه کارگر و جنبش توده‌ای و هدایت آن و هم در راه متحد و متشکل کردن نیروهای انقلابی و مترقی و پیوند این دو وظیفه با یکدیگر در وضع کنونی آرایش سیاسی نیروها، این کردها بی تاریخی، همه نیروهای ضد امپریالیستی دموکراتیک و انقلابی ایران را به درک مسئولیت تاریخی خود در این خوانند و آنان را به پاسخگویی مثبت به فراخوان‌های سازمان دعوت می کند.

جنبش توده‌ای و وظایف ما

سیاست ضدملی و ضددموکراتیک رژیم بویژه ادامه جنون آمیز جنگ ارتجاعی توده‌های خلق را به سوی تشدید مبارزه برای تحقق خواسته‌های برحق خود سوق داده است. در این مبارزه، توده‌ها هر چه بیشتر درک می کنند که تا رژیم خمینی هست هیچگاه از مطالبات و آرزوهای دیرین آنان تحقق نخواهد یافت. در این میان قبل از همه باید از جنبش فراگیر ملّح نام برد. این جنبش وسیع ترین اقشار و طبقات جامعه را در بر می گیرد. خیل عظیم قریبانیان این جنگ گشای کارگران و دهقانان و بویژه جوانان زحمتکش اند. زحمتکشان آزادانه جنگ بیشترین زیان را متحمل می شوند. و خاتمه روز افزون وضع زندگی مردم، بیکاری و گران و هشتناک که گلوئی مردم را می فشارد، قبیل از همه ناشی از ادامه جنگ است. این جنگ حتی منافع سرمایه‌داری را هم که به آرزو حمایت مالی دولت نیازمندند به خطر انداخته است. آنها نیز خواهان قطع جنگ اند. مبارزه در راه بسیج همگانی برای صلح و ارتقاء آن تا سطح مبارزه قاطع توده‌ای علیه رژیم از مدرو وظایف سازمان است. فداییان خلق در انجام این وظیفه دلیرانه پیکار می کنند. در بسیاری از اعتراضات و تظاهرات توده‌ای علیه جنگ بویژه در تظاهرات توده‌ای محله ۱۲ آبان نیروهای ما نقش برجسته‌ای داشته‌اند. در اعتراضات مردم علیه جنگ، نقش و تاثیر فداییان خلق در حال افزایش است.

قطع فوری جنگ و برقراری صلح مهمترین خواست پرستشست و صلح دوست نیروهای مسلح ایران نیز هست. تبلیغ صلح و هدایت مبارزه سربازان و درجه‌داران و افسران علیه جنگ، در جبهه‌ها و پادگان‌ها و تشویق آنان به امتناع از شرکت در ادامه جنگ باید به عرصه مهم پیکار ما در راه صلح تبدیل گردد.

اکنون جریانهایی بورژوازی تلاش می کنند در چرخ مبارزه در راه صلح را در دست گیرند. باید مانع تحقق این امر شود و این رابطه نیز لازم است که سازمان همه اعضاء و هواداران آن، در شهرها و روستاها، در میان همه اقشار و طبقات مردمی، در پادگان‌ها و در جبهه‌ها فعالیت خود را علیه جنگ و برای صلح بیشتر از گذشته گسترش دهند.

جنبش توده‌ای کارگری همچنان فعال است. قطع اخراج‌ها، قانون کار

مترقی و پیروزه حق تشکیل ، افزایش دستمزدها برای طرح طبقه بندی مشاغل
تا مبنی ممکن مناسب و آسان ، تکمیل خدمات بهداشتی و درمانی ، تکمیل
خدمات اجتماعی ، تقویت ساختار و خدمات دولتی به سرمایه داران ، تطبیق
اعزام به جبهه ها و خانه کاری و کمربند روز حقوق اجباری برای جبهه ها ، محلات
انجمن های اسلامی و قطع معافیت کمینته ها و سیاه و وزارت اطلاعات در محاسبات
میان کارگران و کارما ، با هم خواستهای کارگران و موضوع مبارزه و مطالبه

آنهاست . اکنون اختناق پلیسی حاکم بر کارخانجات یکی از محاسباتی است
کارگران مبارزمین ماست . هرگز کارگران را با فتنه پلیسی سیاسی
مرواحدهای استراتژیک نظیر صنایع نفت ، قوب آهن ، نیروگاهها که طبق
قانون ارتجاعی شورا های اسلامی کار و شروع تشکیل در آنها ممنوع است ، از
عمده ترین تشکلات رژیم طبقه کارگران پیشروان و احداث است .
تدوین لایحه قانون کار اسلامی ، تصویب قانون شورا های اسلامی و اجرای
آیین نامه انتخابات آن ، تبلیغ طرح عوامی بهانه فروش سهام کارخانه های
دولتی به کارگران ، تعیین سهمیه های معادل ۲۰٪ کارگران واحدها برای
اعزام به جبهه ها ، سازمان دادن ارتجاعی انجمن های اسلامی و عوامی برای
کارخانه ها و بخش صنعت کارگری سیاه و کمینته ها با وزارت اطلاعات جهت سرکوب
مهاجرت اعتصاب ها ، استفاده از خوابگاه ها و مراکز دولتی جهت سرکوب اعتصاب
مهمترین اقدامات دولتی و پلیسی برای مقابله با جنبش کارگری و مبارزه و سرکوب
آن طی ۱۸ ماهه اخیر است .

در این دوره تا شرفعالیت آگاهان و افشاگران سازمان درجهت
ارتقا جنبش کارگری مثبت بود . این افشاگرها و آگاهان کارگران ، طرح
عوامی بهانه فروش سهام کارخانه ها را با واکنش منفی و پیرو کرد . اجرای
بخشنامه ۲۰ درصدی اعزام کارگران به جبهه نیز با مشکلات و واکنش روبرو
شد . تماما در این از طرح های پلیسی رژیم در کارخانه ها و مراکز فعالیت
و بیداری کارگران خفنی گردید .

علیرغم فشارهای رژیم ، بیش از ۲۰۰۰ اعتصاب کارگری در فاصله مهر ۶۲ تا
فروردین ۶۳ رخ داد . بیشترین اعتصاب ها در صنایع بزرگ بود . دو سوم این
اعتصاب ها موفق بودند . اما در این دوره کمکاری همچنان شکل اصلی
و رایج ترین شکل مبارزه کارگران باقی ماند . در این مبارزات کارگری در
این دوره ۱۲٪ مرخصان دستور داده شده شد . گروهی از افزایش بسیار چیز
و حتی کمتر از میزان تورم است اما یک پیروزی در مبارزه جاری کارگری
مصوب می شود .

سازمان ما برای رهبری و ارتقاء مبارزات کارگری و ایجاد مشکل برای
صنای مستقل ، تلاش می کند که هسته های منفی کارگری تشکیل شده
و تحکیم یابند . در این تلاشی ها موفقیت وجود داشته اما غیر کافی بوده است .
تجربه نشان داده است که هر جا که محفل کارگری وجود داشته ، این هسته ها سریعتر
شکل گرفته اند . سیاست ما در زمینه مشکل های منفی عبارت است از مشتعل
کردن کارگران در سدیها ، فعالین کارگری ما برای حفظ و تحکیم سدیها
مبارزه می کنند . در همین حال سازمان تلاش می کند که رهبری شورا های
اسلامی کار را دست عوام حکومت خارج شود و به نمایندگان کارگران منتقل
شود . در این زمینه هدف ما تسخیر رهبری مشکل های زرد و تبدیل آن به
مشکل های مستقل منفی است .

گسترش کار تبلیغی ، ترویجی و سازمان نگرانه در میان کارگران و زمینکنان
و طبقه معوری ماست . سازمان ما تلاش می کند که رهبری مبارزه کارگران
در کارخانه ها و واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی را بدست گیرد .
اعضا و هواداران سازمان باید بیشتر از گذشته انرژی خود را به کار
سازمان نگرانه ، تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دموکراتیک در میان کارگران
اختصاصی دهند . قبل از همه صنعت نفت و سایر واحدهای بزرگ استراتژیک
تولیدی و خدماتی نظیر ذوب آهن ، نیروگاهها ، مخابرات و راه آهن باید
مورد توجه قرار گیرند . کار بر اساس نقشه و کنترل پیشرفت کار ، تلاش در جهت
احیای آشنایی ها و روابط قطع شده در محیط های کارگری ، از نخستین کارها

آفرینش جنبش توده‌ای دهقانی است. این جنبش علیرغم حمایت رژیم و ارگانهای مرکب آن از بزرگ مالکان، برای دستیابی به خواسته‌های خود همچنان در تلاش و مبارزه است. اکنون مبارزه حادی میان دهقانان زحمتکش و بزرگ مالکانی که به روستا برمی گردند و نیز دانه‌های شرع و ارگانهای قهرامی آنان در روستاها در جریان است. توده دهقانان علیه تعرض بزرگ مالکان می‌ایستند و حتی علیه آنان به اعمال قهر نیز متوسل می‌شوند. رژیم علیرغم مرکب شدن قادر به غلبه بر این جنبش و خاموشی آن نشده است. علاوه بر آن ایستادگی دهقانان در برابر رژیم افزایش می‌یابد. زیرا آگاهی آنان به ضرورت استقرار صلح که خود را در فرارمشمولین و در پناه دادن به سربازان فراری می‌نمایاند، در حال گسترش است. زمین و صلح از مهمترین خواسته‌های توده دهقانان است.

مادر سالهای پس از انقلاب در مقیاس تمام کشور در میان دهقانان فعالیت و مبارزه مطالباتی آنان را سازماندهی می‌گیریم. در این زمینه نقش سازمان واقعاً موثر بود. در طی یکی دو سال اخیر متأسفانه باید گفت سطح فعالیت مبارز روستاها در اثر تغییر عوامل ذهنی و ذهنی به حد اقل رسیده و در بسیاری موارد اصلاً فعالیت وجود ندارد. توجه به تجدید فعالیت سازمان در روستاها، نظریه نقش اجتماعی دهقانان که از گروههای بزرگ جامعه ما هستند، از اهمیت است فوق العاده برخوردار است.

سیاست سازمان ما در زمینه متشکل کردن توده دهقانان این است که زمینه‌های تشکیل اتحادیه‌های دهقانی در روستا - بویژه در روستاهای بزرگ - با گرد آوردن دهقانان آگاه و عناصر آشنا به محیط روستا - بی‌ریزی شود. تجربه اتحادیه‌های شوراهای ترکمن صحرا که فداییان خلق اقتصاد را سازماندهی آنرا دارند، نمونه‌ای از آمادگی توده دهقانان برای متشکل شدن است. در همین حال ما می‌کوشیم که دهقانان آگاه رهبری شوراهای اسلامی روستایی را بدست گیرند. امروز تعداد این شوراهای سه هزار سهصد است. اکثریت قریب به اتفاق آنان در دست عوامل حکومت است. فداییان خلق تلاش می‌کنند که عوامل حکومت از شوراهای تمقیه شوند.

امروز ما می‌توانیم از یک جنبش اعتراضی و عدالت‌خواهانه‌ای نام ببریم که در حاشیه شهرها در جریان است. روستاییان مهاجر از نیروهای فعال این جنبش هستند. اما شرکت کنندگان آن به مهاجران روستایی محدود نمی‌شود. در این جنبش کارگران، زحمتکشان و بویژه زنان نقش فعالی دارند. مبارزات زحمتکشان حاشیه شهرها برای مسکن، آب، برق و نان و از این قبیل، در اکثر موارد به درگیری خونین با کمیته‌وسپاه و شهرداری منتهی می‌شود. حلبی آب‌دها و حومه شهرهای بزرگ بیشتر مواقع شاهد چنین درگیری‌هایی هستند. درگیری‌های خونین حاشیه‌نشینان با رژیم جلوه‌نمای آرزوهای عمیق آنان برای سرنگونی رژیم و نشانه بارز فلاکت زندگی آنان است.

رفقا!

با استقرار رژیم ولایت فقیه مساله زنان به یکی از مسایل حاد کشور ما تبدیل شد. رژیم با قوانین بسیار ارتجاعی و ظالمانه‌ای که به جامعه تحمیل کرده است، اساس زندگی خانواده‌ها را با خطر تلاشی مواجه ساخته است. رژیم می‌کوشد جنبش عمده‌ای از نیروی مولد جامعه را از فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج سازد. برخورد بی‌غایت ظالمانه و نفرت‌انگیز رژیم با زنان امروز اعتراض جامعه بشری علیه آن را برانگیخته است.

مبارزه توده‌ای و همه‌گیر علیه قوانین بی‌غایت ارتجاعی رژیم در زمینه حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی زن، مبارزه علیه تحمیل اجباری چادر و چاقچور به زنان، مبارزه علیه هرگونه رفتار توهین‌آمیز و غیرانسانی - دستجات حزب الله با زنان، افشای پیگیر احکام و وحشیانه دادگاه‌های مدنی و معاکم شرع علیه زنان و سازماندهی هر نوع اعتراض علیه این احکام

مبارزه برای تأمین حق کار و امنیت شغلی در جهت تأمین برابری کاملاً حقوق زن و مرد، از موثرترین و مبهم ترین عرصه های کارزار دموکراتیک علیه رژیم ولایت فقیه است.

رژیم برای تحمیل زنان، محافل متعدد مذهبی ایجاد کرده است. افشای ماهیت اهداف و گردانندگان این محافل از وظایف مبهم مردم آگاه ایران است.

در شرایط فعلی ایجاد گسترش محافل و تشکلهای محلی زنان آگاه و دموکرات با مضمون کارروشنگرانه در میان توده زنان و افشای کلیه جنایات رژیم در حق زن و سازماندهی حرکات اعتراضی آنان، دارای اهمیت جدی است. خانواده شهدا و زندانیان سیاسی می توانند نقش موثری در این عرصه بر عهده گیرند.

افشای کلیه پیرامون سیاست و رفتار خشن و جنایتکارانه رژیم علیه زنان در سطح بین المللی نیز یکی از مهمترین و موثرترین عرصه های افشا ماهیت رژیم است. ما می گوئیم در این عرصه فعالیت ترا گذشته به وظایف خود عمل کنیم.

دانشگاهها و مدارس عرصه دیگری از مبارزه علیه رژیم اند. در ۱/۵ سال اخیر، مبارزات نیروهای انقلابی و دانشگاهیان آزادخواه بیش از همه متوجه افشای ماهیت ضدانقلابی "ستاد انقلاب فرهنگی" و جریانات وابسته به آن، انجمنهای اسلامی دانشگاه، برای توده دانشگاهیان بوده است. برنامهای این جریانات برای اسلامی کردن دانشگاه سرنوشتی با نیت اسفناک برای دانشگاهها رقم زد. از همان ابتدا دانشجویان مبارزان آماج اصلی تهاجم رژیم بردانشگاهها بودند. آنها هزاران اخراج، زندانی و شهید دادند. امروز علیرغم سرکوب و حشایش جنبش دانشجویی جوانهای آحادی این جنبش و روند بازپایی نقش آن در مبارزه عمومی علیه ارتجاع در حال رشد است. یکی از راههای آحادی این جنبش مبارزه قاطع علیه ارگانهای ارتجاع در دانشگاه و برای تحقق مطالبات منفی و عمومی دانشجویان است. این جنبش هرچه بیشتر احیا شود نقش مهمتری در مبارزه افشاگرانه علیه رژیم ایفا خواهد کرد.

در طی ۱۵ سال اخیر علاوه بر آخوندها و حزب الله، عمال وزارت اطلاعات نیز بردانشگاه دست انداخته و می گویند که با کنترل کنکور و جنبش دانشجویی و با ادامه دستگیری و زندانی و مجازات مبارزان، مانع اعتلای مبارزه دانشجویی شوند. انتصابات جدید دانشگاهها نیز در این راستا انجام گرفته است. منصوبین مربوطه همچنین وظیفه دارند که سطح علمی و کارکرد آموزشی دانشگاه را کنترل دهند که بسط "فیضیه" نزدیک شود.

سطح کنونی مبارزه دانشجویان در مقایسه با کشتاری که رژیم علیه این نیروی راه انداخته عمق نفوذ کرده دانشجویان و دانشگاهیان را از رژیم خمینی نشان می دهد. اکنون قطع تسلط و یکه تازی آخوندها در دانشگاه، انحلال انجمن اسلامی و "ستاد انقلاب فرهنگی" و دیگر ارگانهای جاسوسی رژیم، کسب حق شکل منفی و آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی، لغو ضوابط ارتجاعی کنکور و پذیرش دانشجو، لغو سهمیه شهدای ارتجاع، منع هرگونه مداخله نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی در دانشگاه از عمده ترین خواسته های توده دانشجویان است. دانشجویان پیشگام در راه آوردن فعالیت دانشجویان مترقی در هسته های مخفی برای هدایت مبارزه دانشجویی تلاش می کنند.

در مدارس نیز ارگانهای ارتجاع نظیر دوا و پاورتی و انجمن های اسلامی با خرافاتی کردن دانش آموزان برای گسیل آنان به جبهه، با سرکوب و تحقیر دانش آموزان و معلمان مترقی، جنایات خود در دانشگاه را در مدارس تکرار می کنند. در سال ۶۴ وزارت آموزش و پرورش بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز و ۳۰ هزار آموزگار و کارمندان این وزارتخانه را بزور راهی جبهه های سیل بازگشت کرد.

علیرغم تلاش های ارتجاع، مبارزات جوانان گسترش می یابد. حسودات مهر و آذره. ۶۳ در آملیه تهران و تظاهرات بزرگ دانش آموزان تهران

برای آنکه نقش بیشتری در مبارزه جوانان بعهده گیرد، اهمیت کلیدی برای مبارزه انقلابی جوانان دارد.

برای اینکه بانگ آزادیخواهی، مخالفت با جنگ برهانی از اسلحت و ولایت فقیه و سرکوبگری رژیم در صفوف نیروهای مسلح هر چه رسوختر می باشد پرمسل آگاه و مبارز موفق شوند که با حداکثر ملاحظات امنیتی دسته های مخفی تشکیل دهند. ارتجاع برای کنترل همین پرستان اوتش هر روز بیشتر از گذشته دوا بر سیاسی - ایدئولوژیک و انجمن های حامی سیاسی و ارگانه های اطلاعاتی درون ارتش را تقویت می کند. دوا بر سیاسی - ایدئولوژیک مورد نفوذ توده نیروهای مسلح، فرارتنش و سپاه است و حامی و مقابله با مبارزات پرمسل طبق طلب و فرار آنها مرتکب جنایت می شوند. علیرغم جنایات پنهانی رژیم، جنبش طبق راه خود را در جبهه ها و پادگانها می گشاید.

رفقا!

طرح شعارهای تاکتیکی صحیح در بسیج توده ها و گشودن راه ارتقا جنبش های توده ای موجود و نیز در هموار کردن راه تفاهم و نزدیکی نیروهای دموکراتیک اهمیت ویژه ای دارد. برخی از این شعارها از آنجا که خواستهای حداقلی را بازتاب می دهند و برای توده های وسیع خلق قابل درک و مطالبه هستند، قدرت اثر را دارند که در شرایط کنونی توده های وسیع خلق را حول خود بسیج کنند و راه مطالبه خواستهای بالادستی و تری را بگشایند. به علاوه ویژگی برخی از این شعارها آن است که قادرند طبق وسیع تری را اقشار و طبقات جامعه را علیه سیاست های رژیم متحد کنند. در شرایط فعلی شعارهای "زنده باد علم"، "زنده باد آزادی" وسیع ترین اقشار و طبقات جامعه ما را در مبارزه علیه رژیم حاکم بسیج می کنند. علاوه بر آن شعارهای برنامه ما از جمله: کار برای همه، زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند، در مرحله کنونی بسیج کنند. این شعارها می باید وسیعاً به میان توده ها برده شوند.

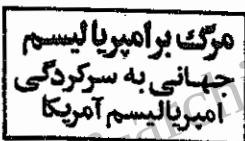
رفقا!

اعتراض و مبارزه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک کشور علیه هیات حاکمه برای خواستها و مطالباتشان در حال رشد است. توده های خلق در هر گام اعتراضات مبارزه شان، تجربیات تازه ای بدست می آورند و آگاه تر می شوند. در مبارزات و اعتراضات جاری کشور، میلیون ها نفر شرکت دارند، اما نقش و وزن این مبارزات در تعیین سیراوضاع عمومی کشور هنوز قابل ملاحظه نیست. علت این وضع آن است که این مبارزات و جنبش ها از ضعف هایی که دارند به شدت رنج می برند و از ایفای نقش شایسته باز می مانند.

امروز جنبش ها و مبارزات توده ای بیشتر خود بخودی عمل می کنند و سازمان نیافته. طی سالهای اخیر بسیاری از مبارزات و اعتراضات توده ای علیه جنگ، علیه نهادهای سرکوب رژیم و غیره جدا از یکدیگر و رنج داده است. رژیم با استفاده از این پراکندگی بسیاری از آنان را سرکوب کرد. خصلت خود بخودی جنبش توده ای قبل از همه با خلا رهبری سیاسی جنبش توده ای ارتباط می یابد. جنبش توده ای از پایین بودن سطح آگاهی

و تشکل طبقاتی هم رنج می برد. این نقیص وظیفه سنگینی را در جهت ارتقا سطح آگاهی و تشکل طبقاتی آن در برابر ما قرار می دهد. در اثر این ضعف، وزن شعارها و خواسته های سیاسی در مجموعه مطالبات جنبش توده های هنوز قابل ملاحظه نیست. البته باید گفت که اعتراضات و مبارزات توده های بوسنوج در آمیخته با آگاهی سیاسی آنان ارتقا می یابد و شعارهای سیاسی زمینه طرح و نفوذ بیشتری می یابند.

طی سه سال اخیر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) کوشیده است که با افزایش شدید فعالیت سیاسی و تبلیغاتی خود در سراسر کشور و گسترش کار در میان توده های خلق از یک طرف، و دعوت هر چه فعالتر و وسیع تر نیروهای ملی و دموکراتیک کشور به اتحاد در یک جبهه گسترده که بمنایه آلترنا تیو رژیم عمل می کند، از طرف دیگر گامی های جنبش توده های را از میان بردارد و آنرا تا سطح یک جنبش فراگیر انقلابی که نابودی رژیم را آماج مبارزه خود قرار می دهد، ارتقا دهد.



درباره سیاست و بورژوازی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درس‌های ۶۱-۱۳۵۷

آرایش نیروهای سیاسی درس‌های پیش از انقلاب

۸۰ طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ کشورما ایران با گام‌های شتابان درجه‌باده سرمایه‌داری پیش رفت. نو سازی بورژوازی جا معه با فشارها و زبیه‌بازا لا صورت می گرفت و با تخریب ساختارهای سنتی اقتصاد شوام بود و اقتصاد کشور را در راستای منافع بورژوازی بزرگ وابسته و نیازهای انحصارات انبریا - لیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا سازمان می داد. در اثر این تحولات، علیرغم حفظ بقایای فئودالیسم در روستا، شیوه تولید سرمایه‌داری به شیوه تولیدی غالب درجا معه تبدیل شد. این تحولات در مواضع و موقعیت سیاسی نیروها تا شیرمعین برجای گذاشت. سران جنبه ملی که با سیاست سازشکارانه خود موجبات شکست نهضت استقلال طلبانه مردم و غلبه کودتای ۲۸ مرداد را پدید آوردند، پیش از پیش در میان مردم به انزوا کشانده شدند. آنها نشان دادند که قبل از هر چیز آماده سازش با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا هستند و ناتوانی خود را در پاسخگویی به مطالبات جنبش ملی - دموکراتیک مردم ایران پیش از پیش آشکار می ساختند.

در میان احزاب وابسته به اقشار متوسط بورژوازی ایران، "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان که در میان لایه‌هایی از اقشار متوسط شهری نیز تا حدی نفوذ داشت، با سیمای با رزمدهی و مشروطه طلبی "خانه نشینی" و "تسلیم و رضا" در مقابل رژیم شاه را توصیه می کرد. رهبری "نهضت آزادی" منافع لایه‌هایی از بورژوازی ملی ایران را منعکس می کرد که در هراس از مبارزه کارگران، دهقانان و زحمتکشان، هر لحظه آماده بود با رژیم شاه و امپریالیسم به زده‌بندن بنشینند.

تشدید سیستم سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و رشد تضادهای طبقاتی در اوایل دهه ۴۰، شکاف میان رهبران "نهضت آزادی" و فعالین جوان آن را که به خرده بورژوازی شهری تعلق داشتند، عمیق تر کرد. در پیروسی شکل گیری و تعمیق همین شکاف بود که "تازمان مجاهدین خلق ایران" با ایدئولوژی اسلامی و با سیمای یک نیروی دمکرات انقلابی سر برافراشت.

در آستانه عید ۱۵ خرداد ۴۲، آیت الله خمینی نیز در راس جناحی از روحانیون، از موضع مخالفت با روند نو سازی بورژوازی کشور، مخالفت با اصلاحات ارضی و برابری بورژوازی حقوق زنان با مردان، و در مخالفت با مداخلات امپریالیسم آمریکا، به مبارزه با اقدامات شاه روی آورد. خمینی نو سازی بورژوازی جا معه و نفی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی سنتی را عامل مستقیم نابودی اسلام و روحانیت می دانست.

در جریان اصلاحات بورژوازی شاه به بسیاری از منافع روحانیت فریب داده و از آن جمله مالکیت بزرگ و قبیله نیز از آماج تعرض شاه قرار گرفت. بدین ترتیب به یکی از مهمترین ارکان قدرت و ثروت مراجع بزرگ شیعه غربت جدی وارد آمد. نفوذ سرما به داری در اقصای نقاط کشور، گسترش فرهنگ سرما به داری و غرب گرا، پایه های معتقدات سنتی مذهبی مردم را سست می کرد و اعتبار مذهبی و اجتماعی روحانیون را کاهش می داد. این امر بیش بزرگی از روحانیت شیعه را به مخالفت با شاه برمی انگیزت. خمینی قبل از هر چه به رسم اعتراض این نیرو را به کف گرفت.

خمینی به مثابه یک "مرجع تقلید" و یک رهبر سیاسی، قبل از هر چه به منظور براندازی سلسله منافع روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی بود. خمینی اندیشه براندازی حکومت اسلامی و "ولایت فقیه" بود و قبل از هر چه برای اجرای احکام اسلام و برقراری حکومت تشوکرانیک روحانیت شیعه مبارزه می کرد. حکومت تشوکرانیک وسیله ای برای اسلامی کردن حیات اجتماعی و تأمین منافع خاص روحانیت بود.

در شهر، بازاری و در راس آن تجار و ریزه سهمترین پشتیبان و پابگاه و مرمعاش روحانیت بودند، در مقابل با شرایط جدید که به منافع و مواضع آنها ضربه می زد، به مبارزه علیه شاه برخاستند.

بورژوازی تجاری با بازار، هم با بخش دولتی در اقامت دوام داخله و ابزاری نقش آن خموم را بر تجارت مخالف بود. و هم با گروه بندی های انحصاری در بخش خصوصی. او برای تأمین شرایطی مبارزه می کرد که تمام بازار داخلی را به انحصار خود درآورد و خود را دگننده اصلی کالاهای مبریا لیستی باشد.

خود بورژوازی سنتی که یکی از پر شمارترین پابگاه های اجتماعی روحانیت و پشتیبان و مرمعاش آن بودند در شرایط جدید آماج یک نوازی بورژوازی وابسته و کارگزاران رژیم شاه بود و مبارزه خود علیه رژیم شاه را گسترش می داد.

مالکین پابگاه اجتماعی دیگر روحانیت پیرو خمینی بودند.

بر این پایه روحانیت به رهبری خمینی در مبارزه علیه شاه با این نیروها که محکمترین پیوندها را با آنها داشت هم پیوند می یافت و تمام پلانات آن را منعکس می کرد. خمینی برای طبقات قرار داشت اما به ما نورهایی برای قرارداد دادن خود در ورای طبقات و معرفی خویش به عنوان "رهبر امت" دست می زد. همچنین خمینی به مثابه یک "مرجع تقلید" و پابگاه استوار موقعیت مذهبی خود و با تکیه بر مذهب نفوذ سیاسی خویش را در میان اقلشار و طبقات مختلف جا معه گسترش می داد.

روحانیت به رهبری خمینی در جریان رشد و گسترش جنبش، موفق شد که علاوه بر بورژوازی تجاری و خود بورژوازی سنتی طیف وسیعی از نیروها را به سوی خود جلب کند و در راس مبارزات مردم علیه رژیم وابسته شاه قرار گیرد.

روحانیت به رهبری خمینی این مبارزه را با آرمانخواهی ارتجاعی و برای استقرار یک رژیم سیاسی ارتجاعی هدایت می کرد. لیکن علیرغم این آرمانها به نوبه خود زیر تأثیر مبارزات توده ها قرار گرفته، با مبارزات توده سلطنتی و فدا می برپا لیستی مردم همسوی گشت و در پیرویه مبارزه برای سرنگونی رژیم وابسته شاه تلاش های ارتجاعی آن به وجه غیر عمده مبدل می شد.

در میان پیروان خمینی نیروهای زیر عنوان "عدالت اسلامی" خواهان برخی اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در چارچوب سرمایه داری بودند. عملکرد برنامهای اقتصادی تجاری را به پیرو خمینی قبل از انقلاب خلعت محافظه کارانه و بعد از انقلاب خلعت ارتجاعی داشت. آیدئولوژی روحانیت به رهبری خمینی و حکومت مطلوب این، دروجه اقتصادی در خدمت برنامهای بورژوازی قرار می گرفت. این آیدئولوژی و کلا "ولایت فقیه" هرگز نمی توانست در خدمت تحقق یک برنامه اقتصادی مرفقی قرار گیرد.

در همین سالها که حزب توده ایران، حزب طبقه کارگران ایران، زیرا آماج سهمگین ترین توطئه ها و فشارهای رژیم دیکتاتوری شاه و عوامل امپریالیسم

قوا و داشت و از بحران شدیدی رنج می برد، می کشید برای پاسکوی بیسی به وظایف انقلابی خود سازماندهی حزبی اش را که پس از کودتای ۲۸ مرداد و در نتیجه اقدامات خونین رژیم اغلب متلاشی شده بودند، بازسازی کند. جریان مارکسیستی - لنینیستی فداییان خلق ایران طی همین سالها، در شرایطی که جنبش کمونیستی ایران از تداوم بحران همه جا نیه ای رنج می برد، تشکیل ثنویا هدف تحقق آرمان طبقه کارگر، مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم وابسته شاه را آغاز کرد. رژیم شاه درهراس از اعتلای روحیه انقلابی مردم، سیاست سرکوب خونین و قلع و قمع کمونیست ها و نیروهای انقلابی و دموکرات را پی می گرفت، درحالی که سیاست رژیم درقبال روحانیت طرفدار خمینی و محافل بورژوا - لیبرال بهیچوجه متوجه سرکوب و نابودی آنها نبود.

دیکتاتوری شاه مانع سیاسی عمده پیشرفت و تکامل جنبش واز میسا ن برداشتن رژیم سلطنتی وابسته شرط مقدم حرکت جامع در راه استقلال دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم بود. جنبش توده ای نیرومند ضد دیکتاتوری که از سال ۵۴ روبه اعتلا گذارد، به سرعت شکل گرفت و به نیروی شگرفی گسترش یافت و اثبات نمود که در آن مرحله از انقلاب، دشمن عمده به لحاظ سیاسی رژیم دیکتاتوری شاه، و از نقطه نظر اجتماعی بزرگ مالکان وابسته و بورژوازی بزرگ وابسته ایران، که انحصارات متعلق به خاندان پهلوی و چندده خانوار سرمایه دار بزرگ ایران هستند، اصلی آثار تشکیل می داد و سرمایه های امپریالیستی شریک آنان بود. در چنین شرایطی خمینی برای گردآوری قوا خیز برداشت. در جریان گسترش و اوج گیری جنبش انقلابی و روند سرنگونی رژیم شاه، روحانیت به رهبری خمینی با بسیج همه امکانات عینی و ذهنی خود و با استفاده از تفرقه وضع نیروهای چپ، در رهبری انقلاب قرار گرفت و به دین ترتیب آلترنا تیسو رژیم شاه عملا شکل گرفت.

سیاست کمونیست ها نسبت به روحانیت به رهبری خمینی

* سیاست کمونیست ها نسبت به روحانیت به رهبری خمینی لزوما می بایست با توجه به تناقضات شدیدی که در جریان گسترش جنبش در مواقع این نیرو خود نمایی می کرد، تنظیم می گشت. روحانیت به رهبری خمینی از یک سو برای انحصار رهبری جنبش و اسلامی کردن آن و از سوی دیگر علیه رژیم شاه و سلطه امپریالیسم در کشور مبارزه می کرد. مبارزه روحانیت آنجا که به مثابه یک قشر برای منافع خاص خود عمل کرد، فاقد خصلت مترقی و دموکراتیک بود، اما آنجا که همسو با جنبش حرکت می نمود و در مقام رهبری سیاسی مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم شاه و برانداختن سلطه امپریالیسم عمل می کرد، مبارزه اش مترقی بود و بر این پایه متحد موقت ما محسوب می شد.

در این دوره سازمان ما ضمن حمایت از مبارزات جریان به رهبری خمینی علیه شاه و سلطه امپریالیسم و مبارزه در راه جلب آن به اتحاد با نیروهای چپ و دموکراتیک، اقدامات این جریان علیه دموکراتیسم و نیروهای چپ و دموکراتیک و نقشه ها و اندیشه های ارتجاعی آن را به منظور جذب پایگاه توده ای آن و تقویت نفوذ خود در جنبش پیگیریانه افشا می کرد. در استانها انقلاب بهمن، هنگامی که روحانیت به رهبری خمینی، عملا به آلترنا تیز رژیم شاه مبدل شد، شعار تاکتیکی ما می بایست تشکیل دولت موقت انقلابی با شرکت همه نیروهای سرنگون کننده رژیم شاه می بود. این دولت می بایست شرایط دموکراتیک را برای همه نیروهای انقلابی جهت شرکت در انتخابات مجلس موسسان فراهم می کرد و ما اجرای برنامه ها قتل خود را از آن مطالبه می کردیم.

از پیروزی قیام تا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی

« انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی و ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین اقشار خلق، اشکال مبارزه و خواست های مبتنی بر تائید عدالت اجتماعی، یک انقلاب فلسفی بود. با پیروزی قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی، قدرت سیاسی به روحانیت به رهبری خمینی انتقال یافت. خمینی با شرکت دادن "نهضت آزادی" و گروه های دیگری از لیبرال ها، دولت موقت را تشکیل داد. بدین ترتیب روحانیت حاکم همه سال زمان های انقلابی کشور را که در گسترش و پیروزی انقلاب نقش جدی داشتند و تنها مشوق خلق به قیام مسلحانه بودند، از شرکت در قدرت محروم کرد.

در حکومت جدید روحانیت حاکم به رهبری خمینی قبل از همه برای تأمین منافع روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی مبارزه می کرد. این روحانیت در عین حال منافع طبقاتی بورژوازی تجاری بازاری، خرده بورژوازی سنتی و مالکان ارضی را منعکس می کرد و حاصل گرایش های متفاوت این نیروها بود و بیشترین پیوند را نیز با آنان داشت. در عین حال در حکومت جدید نیروهای بسی نیز وجود داشتند که منافع لایه های اربورژوازی متوسط و کوچک صنعتی را نمایندگی و منعکس می کردند. ماهیت و سمت گیری حکومت جدید بورژوازی بود. این حکومت در عین تأمین منافع نیروهای طبقاتی حاکم، بیش از همه در خدمت سرمایه داران بازاری قرار می گرفت و در پی استقرار ولایت فقیه بود. لذا انقلاب را با شکست روبرو می ساخت.

« خمینی و روحانیت پیروان و از برای تصرف انقلاب از برای اندازی سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم و اقدامات ضد انحصاری هراسان بودند. آنها از همان فردای پیروزی انقلاب با دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی به مخالفت برخاستند و جهت انفرادی نیروهای انقلابی، بویژه فداییان خلق هیچ فرصتی را از دست ندادند و برای قبضه همه قدرت بدست خود و استقرار رژیم تشوکرانیک و "جامعه اسلامی" علیرغم آنکه تعادل قوا در جامعه از آن استقرار فوری آترانسی داد، دست بکار شدند. بورژوازی لیبرال خواهان قطع تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده و طرفدار سازش با امپریالیسم آمریکا بود. این جریان برای بازگشت انقلاب و تیراژ گرفتن دستاوردهای آن تلاش می کرد. در عین حال با قبضه همه قدرت توسط روحانیت به رهبری خمینی مخالفت می کرد.

« با پیروزی انقلاب بهمن هدف استراتژیک ما در مرحله انقلاب ملی - دموکراتیک مردم ایران تحقق نیافت و به قوت خود باقی ماند. سیاست درست در این راستا نیز همچنان مبارزه در راه بسیج شده های خلق تحت رهبری خود و مبارزه در راه اتحاد نیروهای چپ و دموکراتیک و گسترش آن به اتحاد همه نیروهای خلق و تأمین هژمونی طبقه کارگر در آن و انتقال قدرت به این آلترنا تیب بود.

سازمان ما بر پایه برنامه حداقل خود، خواستار تشکیل "شورای انقلاب ایران از درون" کمیته ها و کارگروه های اعتصاب مردم و انجمن های که خود برای کنترل امور موجود آورده اند" و متشکل از "نامیندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، کارمندان، بازاریان، دانشگاہیان و فرهنگیان روحانیون و روشنفکران" بود. این شور بود که صلاحیت داشت "دولت موقت را تشعبد کند. سازمان طلب می کرد که عاجلاً سلطه امپریالیسم و پاپیسم داخلی آن در همه عرصه ها نابود شود. همه مستشاران نظامی امپریالیسم اخراج و پیمان های اسارتبار لغو گردد، اموال دربار و کارگران وابسته

به آنها سرمایه‌های امپریالیستی و شرکای آنها در همه عرصه‌ها مصداق شود، با نگاه ملی گردید و اصلاحات ارضی دموکراتیک انجام گیرد. با زمان خواستار دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی کشور بود و در این راه پیگیری کرد.

« با پیروزی انقلاب و انتقال قدرت سیاسی به حکومت جدید، نظریه نقش توده‌های قیام‌کننده، حضور فعال سازمان‌های ضد امپریالیست و مردمی که در گسترش جوانقلابی درجا معه و اعمال فشار از پایین نقش جدی داشتند و وجود بخشی از نیروهای پیرو خمینی در حکومت که خواهان برخی اصلاحات اقتصادی، اجتماعی در چارچوب سرمایه داری بودند، تعرض انقلاب به مواضع امپریالیسم و ارتجاع سرنگین شده ادامه یافت.

« سازمان از آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می‌توانست خواسته‌های اساسی توده‌های قیام‌کننده را برآورده سازد، پشتیبان حکومت خمینی نبود. این سیاست درست بود. اما سازمان نمی‌توانست در پشتیبانی از اقدامات حکومت جدید در خلغ پیدا سرمایه‌داران بزرگ وابسته و براندازی مواضع سیاسی نظامی امپریالیسم تردید نشان می‌داد. در این دوره سازمان مادر برابراقدامات ضد دموکراتیک رژیم می‌ایستاد عملکردهای ارتجاعی و سرکوبگرانه خمینی و روحانیت پیرو او را قاطعانه افشا و با آنها مقابله می‌کرد. در این دوره فعالیت سازمان اساساً بر دموکراتیسم پیگیری، بر اقدام مستقل توده‌های متکی بود و از شوراهای مستقل توده‌ها پیگیرانه دفاع می‌کرد. ما تنها سازمان سیاسی سراسر کشور بودیم که چنین تاکتیکی را بکار می‌بستیم. سازماندهی اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن، معرانه‌نویسه درخشان و افتخار آفرین این جنبه از فعالیت سازمان است. سازمان مادر مقابله با پرورش رژیم به کردستان با سیاست جلوگیری از جنگ سرکوب شوونیستی جمهوری اسلامی را بدستی محکوم می‌کرد و از مطالبه عادلانه خلق کردمینی برخوردار می‌خواست. دفاع می‌نمود.

« در فروردین سال ۵۸ «جمهوری اسلامی» به فرماندهی گذاشته شد خمینی از مردم می‌خواست که بگویند «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کسم و نه یک کلمه بیش». پیدای بود که منظور او برداشتن گام مستقیم در راه استقرار ولایت فقیه و اسلامی کردن همه عرصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی کشور است. سازمان مابعدستی به «جمهوری اسلامی» رای نداد. در تیرماه ۵۸ خمینی وعده تشکیل مجلس موسسان را که قبلاً داده بود پس گرفت و مجلس خبرگان را که اختراع کرده بود بجای آن نشان داد. علی‌رغم اعتراض شدید نیروهای انقلابی به این جایگزینی ارتجاعی، در مردادماه ۵۸ انتخابات مجلس خبرگان برای تدوین و تصویب قانون اساسی برگزار گردید. ما تاکتیک شرکت در انتخابات «مجلس خبرگان» را برگزیدیم. این تاکتیک درست به سازمان امکان می‌داد تا بطور موثر اصل «ولایت فقیه» و نیات ارتجاعی حیات حاکمه در جایگزینی «مجلس خبرگان» بجای مجلس موسسان را افشا کند.

« با اشغال سفارت آمریکا احساسات ضد آمریکایی مردم که قبلاً در حال گسترش بود تشدید شد و بر این زمینه شعار مرگ بر آمریکا به شعار روز مردم تبدیل گردید. اما خمینی و روحانیت پیرو او آشکاراً می‌کوشیدند که با طرح شعارهای ضد آمریکایی در راه مبارزه ضد امپریالیستی مردم قرار گیرند و این مبارزه را در چارچوب تفاهد حکومت و دولت آمریکا محدود کنند و از راه جهت تمویق قانون اساسی جمهوری اسلامی منحرف سازند. در این شرایط سازمان ما می‌کوشید با افشای اهداف روحانیت در تصویب اصل «ولایت فقیه»، ضمن پشتیبانی از اقدامات افشاگرانه دانشجویان «مبارزه علیه امپریالیسم

آمریکا را با بسیج هر چه بیشتر خلق حول شعار مرگ بر آمریکا گسترش دهد.
روحانیت حاکم با استفاده از برگانه و حساب شده از ما برای گروگانگیری
و فراندوم قانون اساسی را برگزار کرد. سازمان ما از شرکت در فراندوم
امتناع کرد و طبیی بیانیهای اعلام نمود:

"در قانون اساسی حق حاکمیت توده ها آشکارا به مال شده است... قانون
اساسی با تصویب "ولایت فقیه" حق حاکمیت را به انحصار فقها در آورده است.
بیانیه سازمان در دعوت مردم به امتناع از شرکت در فراندوم قانون
اساسی امولی بود. بدین ترتیب سازمان قانون اساسی جمهوری اسلامی
را مورد تائید قرار نداد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی
تشوکرانیک پایه قانونی یافت و استبداد مذهبی رسمی گردید.

« در آغاز اجرای گروگان گیری و مقابله روحانیت حاکم با توطئه های
امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب شکست خورده به منظور حفظ و تحکیم حکومت خود
و استقرار رژیم تشوکرانیک، این تر در سازمان مطرح شد که گویا "دگم ها" ی
روحانیت حاکم (یعنی اعتقاد روحانیت به "ولایت فقیه") به سود "منافع
واقعی خرده بورژوازی" می شکند، این تز با واقعیت که بیانگر روند استقرار
رژیم تشوکرانیک بود، بشدت تفا داشت و نیز فاقد پایه علمی و امولی بود.

« در این دوره سازمان در گزینش اشکال مبارزه و تاکتیکها، نفوذ
ایدئولوژیک و سیاسی خمینی بر توده های مسلمان و توجع آنان نسبت به
مواعید او را که فرو ریختن آن به گذشت زمان و تجربه شخصی آنان بستگی
می یافت، به عبارت دیگر تناسپ قوای موجود را کمتر مورد توجه قرار می داد
و در این رابطه به چپ روی دچار می شد. این امر از وجود گرایشهای سکتاریستی
در سازمان ناشی می شد. معویات نخستین پلنوم وسیع سازمان در مهرماه
۵۸ پیروزی تازه ای علیه سکتاریسم بود. پیروزی پلنوم در تضعیف سکتاریسم
برچم مارکسیسم - لنینیسم و بر فراز سازمان ما با زهم افراشته تجربه احتراز
در آورد. و راه انعطاف سازمان در مسایل تاکتیکی و اشکال مبارزه را در مراحل
بعدی مبارزه گشود.

« در این دوره سازمان لیبرالها را افشا و منفرد می گرد و به منظور گشودن
راه پیشروی انقلاب بهمین می بایست شعارهای مجلس موسسان، حفظ آزادی
و حقوق دموکراتیک مردم را بتدریج برجسته می گرد و سمت اصلی مبارزه خود
را متوجه حفظ دموکراسی در برابر سرکوب رژیم، مقابله با حرکت روحانیت
برای استقرار رژیم تشوکرانیک و افشای تماندگان تجار در حکومت و دفاع
خمینی از آنان می نمود.

در این راستا سازمان می بایست در راه شکل دادن اتحاد های ضرور
مبارزه می گرد و قانونی بودن فعالیت خود را به رژیم تحمیل می نمود و بسا
بطریق مناسب می گشود توده های خلق را از زیر نفوذ رهبری خمینی خارج
کرده تحت رهبری خود قرار دهد.

از تصویب قانون اساسی تا استقرار کامل رژیم تشوکرانیک

« زمستان سال ۵۸، کشور صحنه کارزار گسترده ای برای انتخاب نخستین
رئیس جمهوری اسلامی بود. سازمان ما می گشود تا اتحاد نیروهای چپ و
ترقیخواه کشور را در یک ائتلاف انتخابی شکل بخشد. این موقع گیری
امولی از اهمیت استراتژیک برخوردار بود، زیرا برای نخستین بار مفسوم
تشکیل آلترناتیو چپ و دموکراتیک از جانب سازمان مورد تائید قرار گرفت.

دراستند ۵۸ انتخابت تحتسختين دوره سما پيدايي مجلس مسجس سورى
ملى برگزارگريد. ما بدرستى تاكتيك شركت درا انتخابت را بمنظور سد ارگ
جبهه واحدينروهاى خدا مهربا ليست و مشرقى " برگزيديم .

« جمهورى اسلامى پس از فراغت از انتخابات رياست جمهورى و مجلس ،
درا رديبهشت ۵۹ يورش به دانشگاهها و مراکز آموزش عالى كشور را سازمان
داد . اين يورش زير پرچم " انقلاب فرهنگى " توسط حزب جمهورى اسلامى
رهبرى مي شد . و هدف آن مقابله با گسترش نفوذ نيروهاى چپ و دموكراتيك
كشور و تعطيل دانشگاهها با هدف اجراى نقشه اسلامى كردن همه دانشگاهها
و مدارس عالى بود . همزمان با يورش به دانشگاهها و تعطيل آنها جنگ در
كرديستان ابعادى جمعبارى يافت . خمينى كه بدستال تشهير سافارت طيسى
ما نوزى در آبان ماه ۵۸ ، به خلق كرد و عده داده بود كه به مطالبات وي
پاسخ مثبت خواهد داد ، در بهار سال ۵۹ فرمان " قلع و قمع اشراكردستان "
را صادر كرد .

« هنگامى كه تهاجم جديد رژيم خمينى عليه مردم كردستان آغاز
گشت ، سازمان ما با تمام امكانات خود در نبرد مداولانه خلق كرد شركت كرد .
پس از نبردهاى بهار سال ۵۹ از سوى سازمان و حزب دموكرات كردستان
دوپيام مشترك در خردا دومردا دا تشا ر يافت . اين پيام ها بپا نگر تلاش سازمان
ما در راه قطع جنگ در كردستان بود . سازمان در نيمه دوم سال ۵۹ به حضور
مسلمانان خود در جنبش خلق كرد پايان داد . و در همان حال موضع نادرستى
نسبت به اين جنبش اتخاذ كرد . اين امر به موجب اصولى ما در مبارزه براى
خود مختارى خلق كرد اسبب وارد آورد .

« در ۳۱ شهريور ۵۹ با تهاجم بمب افكن هاى رژيم صدام به تهران
و چند شهر بزرگ ديگر ، آتش جنگ خانما نوزا ايران و عراق شعله ور شد و بيش
زبايى از جنوب ايران به اشغال ارتش تاج و گرو عراق درآمد . امپرياليسم
آمريكا مشوق اصلى اين جنگ تاج و گارانه و بپهره بردار اصلى آن بسبود .
تحرىكات مداوم جويانه رژيم جمهورى اسلامى عليه عراق به توبه خود ر
خدمت شعله ور شدن اين جنگ قرار گرفت . سازمان ما در نتيجه تحليلى غلط از
ما هيت و مستكبرى جمهورى اسلامى ايران سياست نادرستى نسبت به جنگ
اتخاذ كرد و به راه حل نظامى براى دفع تاج و ر تاكيد كرد . ما ضمن محكوم كردن
اشغال حاك هر يك از كشور توسط رژيم كشور ديگر ، از همان آغاز جنگ مي بايست
سياست دفاع از قطع بى درنگ جنگ و استقرار صلح و حل اختلافات دو كشور از راه
مذاكره را بيش مي برديم . در راستاى اجراى اين سياست ، در آغاز جنگ و شا
خنى شدن نقشه ايجاد " خوزستان آزاد " كه با طرح پيشنها د آتش بس از سوى
رژيم عراق (چندانى بعد از شروع جنگ) آشكار شد ، تاكيد بر پيچ مردم
به مقاومت در برابر تاج و گرو شركت در جنگ درست بود . ولى از آن پس
مي بايست همه تلاش ما متوجه تحقق صلح عادلانه از طريق مذاكره مي شد .

« به پيانه تاج و صدام در آذرماه ۵۹ خمينى دستور داد اجراى بندهاى
ج " و " طرح واگذايى اراضى مزروعى متوقف شود . ما دستور خمينى
را " غربه گرايى براى برپيكر انقلاب " اوزبايى كرديم . فرمان خمينى
مقابلۀ آشكار با خواست ميلينونها دهقان و اجراى سياست بزرگ مالكان
بود . اين فرمان نشانه با زراين حقيقت بود كه روحانيت حاكم عليه رغم
اختلاف نظرهاى درون آن در مورد اصلاحات ارضى ، آنجا كه براندازى بزرگ
مالكي و كلان سرمايه دارى مطرح مي شد ، پاسدار كلان سرمايه دارى و بزرگ
مالكي بود .

سازمان ما براى مقابلۀ با تعرض بزرگ مالكان و خنى كردن حماييست
حكومت از آنان به سازمانگري اعتراض توده اى دهقانان زير شعار " بشد و د
اجرا يابد كرد " دست زد . ما همچنان دهقانان را به معادله مستقل اراضى

بزرگ مالکان دعوت می کردیم و در همین حال مشوق هیات های هفت نفره
در اعتراض به دستوردهدقانی خمینی بودیم .

« چنانچه که بنی صدر رهبری آنرا بعهده داشت ، با حاکمیت انحصاری
روحانیت مخالفت می ورزید و خواستار آن بود که سهم نمایندگان لیبرال
و غیر آخوند بورژوازی در حاکمیت افزایش یابد . جناح دیگر که بهشتی رهبر
آن بود و طیفی از بورژوازی تجاری تا خرده بورژوازی سنتی را نمایندگی می
کرد به گسترش نفوذ جناح بنی صدر در حاکمیت مخالفت می ورزید و در پی
احتقال تمام مواقع قدرت به روحانیت بود . روحانیت حاکم به رهبری خمینی
هر مجموع جانبدار بهشتی بود و خمینی به شخص بهشتی اعتماد کامل داشت .
مخالفی از روحانیت نیز از بنی صدر حمایت می کردند .

هرچیز که این درگیریها رهبری مجاهدین و رئیس جمهور بنی صدر به
اختلاف آشکار با یکدیگر علیه حزب جمهوری اسلامی روا آورده بودند . نهفت
آزادی و جنبه ملی نیز سیاست تقویت بنی صدر را دنبال می کردند .
سازمان ما در اروپا و روسی این جناح های هیات حاکمه جانبدار بنی صدر
نبود ، ما در همین حال فردی از حکومت را نیز طرح نمی کرد . سازمان ما
سیاست نزدیکی با امپریالیسم لیبرالها سازش آنها با سیاستهای سرکوب
گرا نه ، ایستادگی آنها در مقابل خواستهای مطالبات توده ها و تلاش آنها
 علیه سازمانهای انقلابی را اقتضای کرد . در این دوره سمت اصلی مبارزه
 « مجاهدین » اتحاد با بورژوازی لیبرال علیه حزب جمهوری اسلامی و شخص
 بهشتی بود . اروپا و روسیه مجاهدین این بودند که اختلاف مجاهدین و لیبرالها
 می خواستند و اکثریت مردم را به سوی آنان جلب کردند و پیروان خمینی و شخص
 بهشتی را متفرق و از حاکمیت طرد نمایند .

سازمان ما با هدف ایجاد یک جبهه " واحدیگال و انقلابی " و جلوگیری
 از دست گیری رهبری مجاهدین برای قوی از نیروهای چپ و اتحاد با جریانهای
 بورژوا - لیبرال به تلاش گسترده و مسئولانه ای دست زد . ما دورنمای
 فاجعه بار این سیاست خطری را که از کنار گذاشتن تدریجی مبارزه ضد امپری-
 یالیستی متوجه سازمان مجاهدین می شد مگوژدمی نمودیم . در همین حال
 ما اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه مجاهدین خلق را محکوم می کردیم .

تا شمر تصمیمات و اعمال و شکل گیری آشکار و تر محبذبندیهای جدید ، روی سازمان
 ما افزایش امپریالیسم رهبری خمینی بود . این امر در مرحله پایانی این دوره به
 جانبداری از دولت روسی و روحانیت پیرو خمینی حکومت آنها مید و سرانجام
 سیاست ایجاد یک قطب انقلابی رهبر امپریالیسم تروک شد . حمایت آشکار بنی صدر
 از سرمایه داری و نزدیکی به غرب و استقبال امپریالیسم از تقویت مواضع
 بنی صدر از یک سو و تشدید توطئه های آمریکا علیه حکومت خمینی که با مقابله
 خمینی با قدرت گیری بنی صرب و توطئه های امپریالیسم همراه بود از سوی
 دیگر ، این گمان را پدید آورد که گویا خمینی و روحانیون نزدیک او در مبارزه
 با امپریالیسم پیروز نخواهند بود . تحولات بنیادین اقتصادی - اجتماعی
 بسوز و محتملشان هستند . این گمان ما را به جانبداری از خمینی و بهشتی در
 درگیریهای آنها با بنی صدر سوق داد .

« در دوره ای که از تصویب قانون اساسی بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی
 تا آغاز زوروش سرکوبگرانه و خونین رژیم برای نابودی کامل آزادی های
 سیاسی در تابستان ۶۰ بطول انجام مید ، سیاست ما می بایست همچنان عدم
 پشتیبانی از حکومت ، مبارزه علیه آن و نبرد برای ایجاد آلترناتیو
 انقلابی بمنظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترناتیو بود (سازمان ما در راه
 تشکیل آلترناتیو تحت عنوان " قطب انقلابی " مبارزه می کرد) . برپا مید-
 چنین سیاستی می بایست مبارزه توده ها را در همه عرصه ها شعله ورمی بخشیم .
 آنها را برای دستیابی به خواستهای بیشتری در جهت تحقق آماجهای برنامد
 خودمان ترغیب می کردیم . باید توده ها را با تکیه بر خواستهای مشخص آنها

اعمال فشار از پائین و مقابله فزاینده با کُل رژیم بسیج می نمودیم. هر یک از تاکتیکهای ما می بایست چنان انتخاب می شد که در تضعیف قدرت و نفوذ روحانیت حاکم و شخص خمینی، جلوگیری از انحصار و تقبض قدرت سیاسی توسط این نیرو و استقرار و تحکیم رژیم بغایت ارتجاعی ولایت فقیه باشد. حداکثر ممکن مؤثر واقع می شد. ما می بایست مردم را علیه رژیم "ولایت فقیه" که در حال استقرار همه جانبه بودیم، به رژیم استبدادی و خادم گیلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بسیج می کردیم. برای این پایه سازمان می بایست شعار تائید آزادی سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را که کسل رژیم را در بر می گرفت به شعار اصلی تبدیل می کرد.

■ در این دوره و بطور مشخص تا آغاز جنگ، حکومت خمینی وعده های بسیاری برای انجام اصلاحات اقتصادی اجتماعی می دهد و به برخی اقدامات در این زمینه نیز دست می زند.

رژیم خمینی، علیرغم ترکیب هیات حاکمه رژیمی با ماهیت و خط مشی بورژوازی بود. هم ماهیت این رژیم، هم ترکیب نیروهای آن و هم ساختار و سنگبیری آن شخص می کرد که اصلاحات مطرح شده از سوی هیات حاکمه فاقد یک هدف گیری مردمی، فاقد تدابیر و پیگیری و قبل از هر چیز در خدمت خلع سلاح نیروهای کمونیست و انقلابی و تحکیم حکومت روحانیت است. بنا بر این نمی بایست با واسطه چنین مواضع و اقداماتی در ذهن توده ها نسبت به حکومت امید و یا توهمی پدیدار می گشت. اما در عین حال اهمیت اصلاحاتی که منطبق با خواسته های شخص توده ها بود می بایست بدرستی درک می شد، یعنی می بایست مردم را ترغیب و بسیج می شدند تا برای انجام این اصلاحات و برای گستردن دامنه آنها مطابق با برنامه ما رژیم را زیر فشار قرار دهند. می بایست با دفاع پیگیر از خواسته های مردم جهت انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی می گویندیم پرچم خودمان را پیشاپیش آنها برافرازیم. باینکم دامنه بودن اصلاحات، تا پیگیری رژیم، بی سرانجامی اقدامات آن و هدفهای ارتجاعی حکومت خمینی در طرح این اصلاحات را افشا می کردیم و مردم را به بسزوم اعمال فشار از پائین و اهمیت تکیه بر اقدام و تشکیل مستقل خودشان متقاعد می کردیم. سازمان ما تا آن زمانه جنگ در غالب این جهات مبارزه گسترده و مؤثری را پیش بود.

■ سازمان ما طی دوره مورد بحث در زدودن اندیشه های سکتاریستی در سازمان و تجهیز هر چه بیشتر افراد پیاپی خلق به مارکسیسم - لنینیسم خلاق و دستاوردهای گرانقدر شورویک و تجربی جنبش جهانی کمونیستی پیروزانده پیشرفت - بارزترین نمودار حرکت فرا زمان سازمان ما در این روند پذیرش و آموزش مفاد اسناد برنامهای مصوب جلسات مشاوره - احزاب کمونیست و گامی و گامی بود.

■ در بررسی خط مشی سازمان در این دوران می توان تنها براتی را بین دوران قبل از جنگ و بعد از جنگ تشخیص داد. خط مشی سازمان تا آن زمانه جنگ ایران و عراق در مجموع درست و اصولی بود. اما در عین حال در همین دوران نقطه هایی از تفکرات انحرافی شکل می گیرد. این تفکرات تا قبل از جنگ از چنان رشد و توان و انسجامی برخوردار نبودند که مشی انقلابی و اصولی سازمان را منحرف کنند. اما با آغاز جنگ ایران و عراق و در نتیجه سه و شدت تفکرات فوق و تاثير سیاست حمایت از رژیم در جنگ و یک رشته عوامل دیگر مشی سازمان به خطاهایی جدی آلوده شد و در پايان این دوره انحراف بر است در خط مشی سیاسی سازمان پدیدار شد.

جمهوری اسلامی پس از استقرار کامل رژیم تشوکرانیک

روحانیت به رهبری خمینی که پس از عزل بنی مدر حاکمیت انحصاری خود را تحکیم کرد در نیمه نخست سال ۱۳۶۰، همانگونه که "قانون اساسی جمهوری اسلامی" مشخص می کرد، استقرار رژیم تشوکرانیک (ولایت فقیه) را به انجام رساند، طرد مخالفان حاکمیت انحصاری روحانیت از قدرت و گسترش شدیدتهاجمات نوین حکومت علیه سازمانهای ترقیخواه و انقلابی نتیجه شاگرد حرکت روحانیت برای استقرار رژیم مطلوب خود بود. با قبضه کامل قدرت سیاسی توسط روحانیون و مستقر شدن رژیم ارتجاعی علیرغم تصور روحانیت حاکم، تضادهای درونی هیات حاکمه پایان نیاقت. همه جناحهای هیات حاکمه در اینکه قدرت به انحصار روحانیت در آینده و استبدادی "ولایت فقیه" مستقر گردد و نیروهای انقلابی و ترقیخواه مخصوصاً پیروان سوسیالیسم علمی سرکوب گردند، وحدت نظر داشتند و همه آنها از استبداد دفری خمینی دفاع و زیر رهبری وی عمل می کردند.

در ترکیب هیات حاکمه، جناحی که گماکان دست بالا داشت و به تشوکرانیک و سر سخت ترین مدافع رژیم ارتجاعی - تشوکرانیک بود، "مخالفت اسلامی" یک رشته املاجات اقتضای درجا رجوع سرمایه داری را مطرح می کرد. این جریان به سود جمهوری اسلامی می دانست که مواضع بزرگ مالکان تحمید شود و به سود لایه های عقب مانده اروپا بین تر بورژوازی و خرده بورژوازی صنعتی و سرمایه داری دولتی املاجاتی انجام گیرد. این جریان خصوصاً برای حفظ پایگاه خود، توده های روحانیت حاکم و برای گرفتن شاره های نیروهای انقلابی و منفرد نمودن آنان در میان توده ها و در نهایت "حفظ کانون اسلام" بر لزوم این املاجات که با تبلیغات پرهیاهو و مغرورانه همراه بود، مواضع داشت. جناح دیگر روحانیت حاکم بی بهره از تاج و تزویر و بزرگ مالکان حاکمیت می گردید و به سود جمهوری اسلامی می دانست که بطور درستی فرصت مناسبی برای آنان قرار گیرد. این جناح با هرگونه املاجاتی به زیان نیروهای فوق مغالط بود.

آیت الله خمینی در کشاکش فوق نیز همچون دوره های پیشین به تکیه روی موازین اسلام و شعار "نه شرقی نه غربی" و مانور سیاسی میان جناح های روی آورد، نقش ویژه خمینی آن بود که برای حفظ وحدت نیروهای حاکمیت نیروی کالی برای دفاع از حاکمیت روحانیت تشوکرانیک می گردید و فوق حاکمان و تنافضات فاحش درون هیات حاکمه قرار گیر و از طریق مانور و مواضع مشخص هر یک از جناح های حکومت و تکیه بر منافع مشترک روحانیت، جمهوری اسلامی را رهبری کند. مانورهای خمینی فرصت تشوکرانیک و مواضع بود و راه تقویت مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و افرایش قدرت می گشود. مواضع های خمینی درباره "کوخ نشینی" و "پایبندگی به مواضع جلب اعتماد توده ها به روحانیت، و بطور اخص منفرد کردن کمونیستها و نیروهای انقلابی بود.

در شرایطی که رژیم ولایت فقیه استقرار یافته بود، و با وجود به اینگونه هر دو جناح هیات حاکمه در مستقر ساختن این رژیم و حفظ آن شافع مشترک داشتند، کشاکش میان جناح های حکومت نه می توانست، مستگیری رژیم را تغییر دهد و نه تا شیری در سرنوشت انقلاب بگذارد. آنچه تعیین کننده بود این بود که رژیم ارتجاعی مستقر گردید، ماهیت جناح اصلاح طلب هیات حاکمه را نیز نه املاجاتی که مطرح می کرد، بلکه رژیم که مستقر کرده بود نشان می داد. هر دو جناح هیات حاکمه ارتجاعی بودند و متحداً زیر رهبری خمینی بودند و خلق عمل می کردند.

بود که نابودی یگانه و تنگ تن نیروهای ترقیخواه و انقلابی، خصوصاً کمونیستها در آن پیش بینی شده بود. اما در عین حال مقابله نظامی سازمان مجاهدین خلق دستاویز رژیم برای تسریع و تشدید توطئه های آن علیه نیروهای ترقیخواه و کشتار رده منشا نه مجاهدین و مبارزین شد.

«پشتیبانی سازمان از حکومت و رهبری آن خمینی با مبارزه سازمان در راه طرد "جناح راستگرا" همراه بود. تحلیل ما این بود که جناح غالب در حکومت و شخص خمینی ترقیخواه و خواهان پیشرفت انقلاب و بهبود زندگی توده ها هستند، اما جناح "راستگرا" که شورای نگهبان در رأس آن قرار داشت ترمنز انقلاب و مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است. از این رو سیاست سازمان این بود که با طرد "جناح راستگرا" راه پیشروی انقلاب را بگشاید.

مبارزه سازمان علیه "جناح راستگرا" عمدتاً با تکیه بر لزوم انجام اصلاحات اقتصادی و اقصاء مخالفت این جناح با آن صورت می گرفت و با تکیه وسیع سازمان برای بسیج توده ها در جهت تشدید مبارزه علیه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان همراه بود. طی سالهای ۶۰ و ۶۱ سازمان ما پیگیرانه شعارهای مبنی بر لزوم انجام اصلاحات ارضی و دولتی شدن تجارت خارجی، تصویب قانون کارمندی و بهبود زندگی کارگران و صنعتگران را به میان توده ها برد. فعالیت گسترده و پیگیرانه سازمان در راستای تأمین مطالبات اقتصادی - اجتماعی رنجبران به افزایش اعتبار سازمان نزد توده های معروم و گسترش پیوند و پایداری توده های آن منجر شد. با این حال در سیاست سندیکا بی سازمان سیاست آن در رابطه با جنبش دهقانی و نهفت تعاونی انحرافات از سیاست مستقل طبقه کارگران آشکار بود. اساسی این انحراف آنجا بود که سازمان نیروی پرتوان توده ای را علیه یک جناح "جناح راستگرا" و سرشناس ترین چهره های آن سازمان می دادند. طبع روحانیت حاکم به رهبری خمینی. این کار به هوشیاری و آگاهی توده ها نظمه وار نمی کرد. در سیاست سندیکا بی سازمان همچنان شعار نادوست و غیر اصولی "افزایش تولید" شعار پرولتاریا معرفی می گشت.

طی دوره مورد بحث برپایه این تحلیل که جمهوری اسلامی یک جمهوری فدا مبره نیست است، گرایش های رژیم برای نزدیکی و دوستی با غرب غالباً به یک جناح "جناح راستگرا" نسبت داده می شود. ضمنی رژیم با اردوگاه کشورهای سوسیالیستی به اندازه لازم عوارزی می مواضع رژیم در قبال امپریالیسم دخالت داده نمی شد. این واقعیت بود که معاسیه دقیق خائبر عوامل اساسی چون وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، سلطه رژیم متشکراتیک و تأثیر عطفی عامل روحانیت و مذهب، باعث آرایش یک آرایش خوش بینانه از مواضع جمهوری اسلامی در سبیل جهانی و در قبال امپریالیسم می شد.

«تا مین آزادی های سیاسی که حلقه اصلی برای فراهم شدن شرایط جهت بسیج و سازماندهی انقلابی توده ها بود، طی سالهای ۶۰ و ۶۱ در سیاست سازمان به یک مسأله فرعی تبدیل شد. این امر تا آنجا پیش رفت که به طرح نظریات و دستاویزهایی در جهت بی بها کردن آزادیهای سیاسی با تکیه بر روی اصلاحات اقتصادی انجام مید.

مناسبات با دیگر سازمانهای انقلابی و ترقیخواه

«طی سالهای ۶۰ و ۶۱ مناسبات سازمان با سازمانهای انقلابی و ترقیخواه مخالف رژیم بطور عمده زیر تأثیر پشتیبانی ما از حکومت و سکتاریسم این نیروها تیره گردید.

سازمان مجاهدین خلق به حمایت کامل از بنی مدرپرداخت، طی چندماه آخریاست جمهوری بنی مدر، عملاً طرفداران بنی مدر و مجاهدین خلق بطور مشترک به مقابله با جناح بهشتی برخاستند، در راستای تکیه مل همین روند بود که به هنگام طرد بنی مدر از حکومت، سازمان مجاهدین خلق به تقابل مسلحانه و خونین با رژیم کشیده شد. تحلیل رهبری سازمان مجاهدین خلق این بود که امکان بپا کردن یک قیام مسلحانه علیه رژیم خمینی و برانداختن حکومت از این طریق ممکن است، چنین تحلیلی از اوضاع، در شرایطی که رژیم مدام به تحریکات سرکوبگرانه مشغول بود و به آشکال مختلف شرایط را برای تهاجم همه جانبه و خونین علیه نیروهای شرقیخواه هموار می کرد، مجاهدین خلق را به یک درگیری مسلحانه زودرس و فاجعه بار سوق داد.

تفا د شدیدیست ما و سازمان مجاهدین خلق و رشدگرایش بورژوازی سیاست و برنام ما و سازمان مجاهدین، منجر به تخریب مناسبات دوطرف توسط ما و آنها شد. ما عملاً سیاست اتحاد و انتقاد را در قبال سازمان مجاهدین خلق کنار گذاشتیم.

در مناسبات ما با سازمانهای چپ و حزب دموکرات کردستان ایران نیز تیرگی های جدی پدید آمد، انتقاد دیرسیاست و مشی این سازمانها به شکل یک جانبه و غیر سازنده صورت می گرفت و تا کید بر وجود اختلاف و تضاد ما با این سازمانها و مرز بندی با آنها ن به وجه برجسته در مناسبات ما با این سازمانها تبدیل شد.

مناسبات با حزب توده ایران

« بزرگترین و ارجمندترین دستاورد ادشولویک سازمان ماطی سالهای ۵۸، ۵۹ و ۶۰ درک تعمیق یافته ترانترنا سیونالیسم پرولتری و تجلی آن یعنی همبستگی عمیق احزاب کمونیست و کارگری جهان و تعمیق و تحکیم آن در سازمان بوده است. پذیرش و تبلیغ و ترویج اسناد برنام های سیاست مشا و ره های احزاب کمونیست و کارگری جهان که شمره تحول فکری و فووق بود، برای سازمان این امکان را فراهم کرد که به مبانی علمی راهگشایی برای تشخیص و تحلیل شرایط ایران و مسایل انقلاب کشور را مجهز گردد. این تحول فکری حاصل روند تکامل مستقل سازمان بود و در اد ما روند عمومی تکامل فکری سازمان حاصل گردید، اما در این دوره روند تجهیز و تشویر بسک سازمان با انطباق خلاق این تشویر ها بر شرایط مشخص جامعه ایران و بهره مندی درست از آنها برای درک زرفای مسایل انقلاب همراه نبود.

در این دوره مبارزه در راه وحدت با حزب توده ایران پذیرفته شد و این دستا و در بزرگی برای جنبش کارگری ایران بود، این امر در معوبات پلش و هلی اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ تجلی یافت ولی هیات سیاسی به مضامین مصوبات پایبند نماند و به اهمیت و نقش برنام و اساسنامه در امر وحدت به سیاسی لازم را نداد.

کمیته مرکزی سازمان تحت تاثیر این درک از وحدت، بدون بر غرور و انتقادی لازم با برنام و مشی حزب توده ایران به منطبق کردن برنام مسه و مشی سازمان با آن پرداخت.

روند فوق از عرصه برنام و مشی سیاسی نیز فرا تر رفت و به آنجا منجر شد که اصل حقوق برابر میان دوسازمان برادر نیی گردید سیاست و راه درست آن بود که برای وحدت سازمانها میان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مارکسیست - لنینیست، در حزب واحد طبقه کارگر بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و ترانترنا سیونالیسم پرولتری و برنام و اساسنامه واحد و رعایت اصل برابر حقوقی میان آنان مبارزه می شد.

ارزیابی سیاست و برنامه سازمان در سالهای ۶۰ و ۶۱

در شرایطی که هیأت حاکمه استقرار استبداد مذهبی را به اتمام می‌رساند پشتیبانی قاطعانه از حکومت بمشابه مبنای سیاست سازمان در رابطه با آن قرار گرفت. سیاست پشتیبانی از حکومت به برنامه سازمان راه برد. درخرداد ۶۱ طرح برنامه سازمان برای پیشبرد همه‌جانبه انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در هیأت سیاسی کمیته مرکزی تصویب شد و در سطح جامعه انتشار یافت. در برنامه استقرار سوسیالیسم و تکامل شکوفان آن آماج نهایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اعلام شد.

طرح برنامه سازمان مبارزه در راه اتحاد نیروهای غذا میربالیستی و مردمی در جبهه متحد خلق و زیر رهبری خمینی را مبرم ترین وظیفه سازمان و دیگر نیروهای انقلابی قرار می‌داد. در برنامه سازمان ضرورت رهبری طبقه کارگر برای پیشرفت پیگیر انقلاب و به فرجام رساندن آن مسکوت گذاشته شد و این به معنای نفی آن در عمل بود.

رویدادهای چند ساله اخیر، تجارب مشخصی که طی این دوره بدست آمده است، تحلیل‌های گشونی و خط مشی امروز ما هم‌روشن می‌سازند که خط مشی و برنامه ما در سالهای ۶۰ و ۶۱ در جهت خلاف روند عینی رویدادها بوده است.

در شرایطی که رژیم تشوکر اتیک تحکیم می‌شد و استبداد مذهبی استقرار می‌یافت و تشااجم همه‌جانبه برای نابودی انقلابیون و محدود ستاوردهای مردمی انقلاب آغاز می‌گشت، ضرورتاً سرنگونی رژیم تشوکر اتیک به هدف عاجل خط مشی ما تبدیل می‌گشت.

مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی الزام‌آبدین معنی نبود که سازمان بلافاصله به تقابل مسلحانه با رژیم کشیده شود. باید از همه امکانات و فرصت‌ها برای بسیج قوا و تدارک سرنگونی استفاده می‌شد. در این راه خصوصاً می‌بایست بر شعارهای صلح و آزادی و عدالت اجتماعی تکیه می‌شد. شعارهای فوق آن حلقه‌هایی بودند که توده‌ها را حول مسایل مشخص و قابل درک خودشان علیه رژیم استبدادی بسیج می‌کردند.

مبارزه در راه بسیج متحدان نه‌توده‌های مردم علیه رژیم، و مبارزه در راه متحد کردن همه سازمان‌های ترقیبخواه و انقلابی بمنظور پابین کشیدن حکومت دوجاهه اساسی تدارک سرنگونی رژیم بود. هیچ جناحی از هیأت حاکمه نمی‌توانست در جبهه‌ای قرار گیرد که می‌بایست به منظور سرنگونی رژیم تشکیل شود. هیچ نیروی ترقیبخواه مخالف رژیم نیز نمی‌توانست ممنوعاً از اتحاد ضرور کنار گذاشته شود.

خط مشی سیاست سازمان طی سالهای ۶۰ و ۶۱ برخلاف ضرورت‌های فئوق بود. این خط مشی و سیاست اشخراف به راست از سیاست مستقل طبقه کارگر بوده است.

خط مشی و سیاست سازمان در دوره فوق تجسم برنامه مصوب خرداد ۶۱ بود. این برنامه اشخراف به راست از مواضع مستقل طبقه کارگر بوده است.

درباره فعالیت سازمان در میان دوپلنوم

رفقای ارجمند!

هیات سیاسی منتخب پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی، از نخستین روز همه تلاشهایش را متوجه آن کرده که محبوبیت پلنوم اجراگر دوبرپا به تصمیمات پلنوم مهرماه به نفع زهای فزاینده جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان پاسخ داده شود. این تلاشها همانگونه که در همین گزارش منعکس است در پاره‌ای جهات به موفقیت رسید ولی در برخی عرصه‌ها به نتایج مطلوب دست نیافت. در مواردی نیز تصمیمات متخذه در پلنوم مهرماه ۶۲ اجرا در دنیا مد.

درواقع، در مسیر پیشرفت کار و ادامه تلاشها، هرچه بیشتر آشکار گردید که اصولاً تا مین مساعترین و بهترین وضعیت برای فعالیت سازمان بیش و قلیل از همه در گرو پاسخ به یک رشته مسایل گریه سازمان و جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان است. مسایلی که پاسخ گویی به آنها امکان می‌دهد تا سازمان نقش واقعی و شایسته خود را در جنبش کمونیستی و انقلابی کشور ایفا نماید. از همین روستی دوره مذکور بخش بزرگی از نیرو و توان سازمان بدرستی مصروف نقد و بررسی سیاست و برنام‌ها سازمان در سالهای ۶۱ - ۱۳۵۷، شناخت خطاها به منظور غلبه بر هرگونه انحراف از سیاست مستقل پرولتاریا و طراحی استراتژی و تاکتیک سازمان برای مرحله کنونی نبرد انقلابی در میهنمان گردید. تلاش‌های بزرگ و سخت کوشانه در این زمینه، گرچه موجب اختلالاتی در فعالیت روزمره سازمان شد، معذرت در درک ژرف اصول و موازین مارکسیستی - لنینیستی و کاربست آن در هدایت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی سازمان، ما را توان مندتر کرده است.

اکنون بر عهده پلنوم وسیع است که این دستاوردهای ارزشمند را تثبیت و راه آینده پیروزمنده ما فدا بیان خلق را بگشاید.

اینک فعالیت یک سال و نیمه سازمان در عرصه‌های مختلف را به اجمال مرور می‌کنیم:

الف: فعالیت سیاسی

در عرصه سیاسی ضرورت تأمین حضور فعال سیاسی سازمان پیشا روی هیئات سیاسی قرارداد است. حدت اوضاع سیاسی کشور ايجاب می‌نمود که در راه پاسخگویی به این ضرورت عاجل، همه امکانات سازمان بکار گرفته شود.

در دوره مورد گزارش نشریه‌ها ربطور منظم انتشار یافت و کوشید تا تحلیل و ارزیابی روند تحول اوضاع سیاسی کشور را به روشمدهای مشخص، در هدایت جنبش انقلابی مردم ایران نقش موثری ایفا نماید. در این دوره دستگاه رهبری سازمان با نارسایی‌هایی در امر هدایت سیاسی و ایدئولوژیک سازمان و مجموعه جنبش روبرو بود و مانع از آن شده که نشریه‌ها را وظایف ترویجی برخوردار فعال داشته باشد. نشریه‌ها را نیز از بیست هزار کماکان موقعیت خود را به تنها نشریه انقلابی که منظم در سراسر کشور توزیع می‌گردد، حفظ کرده است.

در دوره مورد گزارش هیات سیاسی از طریق انتشار پیام‌ها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و تراکت‌ها، در جهت هدایت جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران و زحمتکشان کوشید نقش موثری ایفا نماید.

رادیو زحمتکشان ایران رادیوی مشترک سازمان فداییان خلق ایسرا (اکثریت) و حزب توده ایران که در فروردین ۶۲ تأسیس شد بطور مستمر به کار خود ادامه داد. ضرورت تقویت همه‌جانبه رادیو زحمتکشان بویژه هدای آن کماکان به بقوت خود باقی است. هیات سیاسی همچنان پاسخ به این ضرورت را نیاز مبرم جنبش و آزادی‌خواهان و وظایف خود را می‌بیند.

در اردیبهشت ماه ۶۲ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در پاریس به مشترک با کمیته مرکزی حزب توده ایران تحت عنوان "پیروزی سواد

مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
دموکراتیک کشور به مبارزه ای متحد در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
فراوانند. طرح ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دعوت از همه طبقات
و اقشار ملی و دموکراتیک به مبارزه در این راه پاسخگویی به ضرورتی بود که
از مدت ها پیش به نیا زو افقی جنبش دموکراتیک خلق ایران تبدیل شده بود.
طرح این شعار از سوی سازمان در جهت تقویت مواضع طبقه کارگر و پیشاهنگ
آن در جامعه تائید شده است.

در این دوره فعالیت تبلیغی و افشاگرانه واحدهای سازمانی در سطح کشور
حول شعارهای کمیته مرکزی پکونه ای چشمگیر گسترش یافت و بسیاری از واحدها
های سازمانی در زمینه تبلیغات به اقدامات مبتکرانه دست زدند. گسترش
جانبازانه گادرها، اعضا و هواداران سازمان در سطح کشور که در شرایط
سنگین تروریستی پیگیرانه به تبلیغ و معرفی مواضع سازمان و افشای همه
جانبه رژیم جنگ طلب خمینی همت گماشتند، ستایش انگیز است. سازمان ما
طی دوره میان دو پلنوم از نظر سطح شعار نویسی، انتشار تراکت ها، اعلامیه ها
نشریات و اوراق تبلیغی در میان توده ها، پیشاپیش همه تیروهای سیاسی
کشور حرکت کرده است.

در دوره مورد گزارش، فعالیت سازمان در خارج کشور به میزان قابل
توجهی گسترش یافت. نشریه هفتگی "اکثریت" که بنحویں نشریه هواداران
منتشر می شد، بمثابة نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج
کشور تجدید سازمان یافت و توانست به ارتقا سطح کیفی خود ادامه دهد. اخبار
مبارزات مردم ایران و مبارزات ایرانیاں مقیم خارج کشور علیه رژیم ترور
و اختناق خمینی نقش مؤثری در معرفی مواضع سازمان در خارج کشور به عهده
گرفت.

انتشار "بولتن بین المللی" به زبان انگلیسی کام دیگری در جهت گسترش
فعالیت بین المللی سازمان بود. این بولتن بطور منظم انتشار می یابد
و در انتکاس رویدادهای کشور و گزارش مواضع و فعالیت سازمان در جهان نقش
مؤثر ایفا می کند.

در این دوره روابط سازمان با احزاب کمونیستی و کارگری جهان و سیما
گسترش یافت. ملاقات های متعدد در سطح رهبری انجام گرفت و پیرامون
مسایل مورد علاقه طرفین تبادل نظر بعمل آمد. روابط انترناسیونالیستی
سازمان بیش از دوره های مشابه قبلی گسترش یافت. هیات نمایندگی
سازمان در کمونیست اتحاد شوروی و نیز در کنفرانس نوبتی برخی
احزاب برادر شرکت نمود. در اسفند سال ۶۴ سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت)، حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست ترکیه
مستترگانه انتشار اعلامیه ای مبادرت ورزیدند که طی آن مواضع یگانه آنها
کنندگان پیرامون جنگ ایران و عراق، مساله کردستان و رژیم های ضد مردمی
به کشور و مسایل حاد منطقه اعلام گردید.

شرکت مؤثر هیات نمایندگی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)
برای اولین بار در دستیار اول جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو از اهمیت
ویژه ای برای گسترش مناسبات بین المللی و کسب تجربه در این زمینه
برخوردار بوده است.

هیات نمایندگی سازمان با شرکت فعال در اجلاسها و کنفرانس های سازمانهای
دموکرات و مترقی در سطح بین المللی نقش مؤثری در افشای جنایات رژیم
ایفا نمودند.

رفقا!

در دوره مورد گزارش در زمینه نشریات ترویجی کمیته های جدی وجود
داشته است. در این دوره تنها دو شماره از نشریه "موزشهای آزادی و
موسیالیم" منتشر شد. تدارکات هیات سیاسی برای گسترش فعالیت ترویجی
در قالب یک نشریه کشوریک به نتیجه نیا نجا میدو سازمان موفق به انتشار
آن نگردید.

از عوامل اصلی ضعف کار ترویجی رهبری سازمان آن بود که هیات
سیاسی در جریان سازمان تگری میاحت گسترده کشوریک - سیاسی حول بررسی

سیاست و برنامه‌ها زمان در سالهای ۶۱ - ۵۷ درباره این ضرورت قرار گرفت که درک عمیق تری از چگونگی گسترش روندهای انقلابی درجا معه ما بدست دهد. امری که مستلزم کار نسبتاً گسترده و مسئولانه‌ای بود. اسنادی که اکنون به‌پلنوم ارائه شده است دستاورد تلاشهای ما است. در این اسناد درجه‌های اساسی به‌مسائل مطروحه پاسخ‌های اصولی ارائه شده است. تحقیق و تصویب این اسناد توسط پلنوم وسیع برای گسترش فعالیت ترویجی سازمان راه می‌گشاید و به رهبری سازمان امکان می‌دهد که در عرصه فعالیت‌های دولتی و در مبارزه با اشعافات "چپ" و راست از سیاست مستقل طبقه کارگر سهم شایسته خود را ایفا نماید.

رفقا!

در فاصله دو پلنوم، سازمان در اجرای تصمیمات پلنوم مهر ۶۲ تلاش کرد مشاوه و همکاری میان سازمان و حزب توده ایران در سطوح مختلف حفظ شده و گسترش یابد. کمیته‌های همکاری که در آستانه پلنوم مهر ماه ۶۲ بمنظور تبادل نظر و مشاوه در جهت حفظ و گسترش وحدت فکری و سیاسی و هدایت امور همکاری و اتحاد عمل میان سازمان و حزب تشکیل شده بود، در دوره مورد گزارش با دشواریها و نارسایی‌هایی روبرو بوده است. در این دوره حجم قابل توجهی از فعالیت‌های سیاسی به بررسی مسایل مربوط به تنظیم مناسبات سازمان و حزب و همکاری‌های متقابل اختصاص یافت. هیات سیاسی کوشید که مسایل مزبور را برپایه تحکیم روابط متقابل حل کند.

هیات سیاسی در جهت بهبود روابط با سازمانهای چپ کشور به تلاشهای مسئولانهای دست‌زده تا زمینه‌های همکاری متقابل علیه رژیم در راه اهداف مشترک فراهم نماید. اگرچه در مواردی این تلاشها در رابطه با بعضی از سازمانهای چپ بی‌نتیجه نبوده است، اما متأسفانه علیرغم نیازهای مبهم جنبش و علیرغم وجود بسیاری از شعارها و اهداف مشترک این سازمانها در حفظ مواضع خصمانه نسبت به سازمان همچنان اصرار می‌ورزد.

هیات سیاسی در جهت برقراری مناسبات و همکاری و اتحاد عمل با حزب دموکرات کردستان ایران نیز کوششهای لازم بعمل آورد. با آنکه رهبری حزب دموکرات کردستان ایران بر لزوم تشکیل جبهه دموکراتیک فدا مهربانیستی متشکل از همه نیروهای فدا مهربانیستی و دموکراتیک کشور تاکید دارد، فسران خوان اتحاد جویانه ما از سوی آن هنوز بی‌پاسخ مانده است. از سوی سازمان بمنظور برقراری روابط سازنده با برخی نیروهای متعلق به خلقهای تحت ستم ایران نیز اقداماتی صورت گرفت که با نتایج شریفش همراه بود.

هیات سیاسی همچنین سازمان مجاهدین خلق ایران را به مبارزه متحدانه در راه سرنگونی رژیم خمینی و سایر اهداف مشترک فراخوانده است. فسران خوان‌های ما تاکنون با ستیزه‌جویی‌های مبتذل مواجّه بوده و رهبری مجاهدین همچنان بر مواضع خصمانه نسبت به سازمان اصرار می‌ورزد.

هیات سیاسی عمیقاً اعتقاد دارد که علیرغم دشواریهای موجود بدلیل اهمیت اساسی مسائل اتحاد نیروها برای سرنگونی رژیم و انجام تحول انقلابی دموکراتیک در کشور، تلاش‌های اتحاد جویانه و سیاست و روش برخورد مسئولان نسبت به همه نیروهای مشرقی کشور که بر اساس اتحاد و انتقاد استوار است بایستی همچنان پیگیرانه دنبال شود.

هیات سیاسی در دوره مورد گزارش همه محافل دموکرات و ترقی خواه جهان را به گسترش مبارزه بمنظور توقف جنگ مآراجویانه و ارتجاعی ایران و عراق و نجات جان زندانیان سیاسی ایران فراخواند. در پاسخ به این فسران خوان‌ها دهها حرکت اعتراضی و تظاهرات از سوی محافل دموکرات و انقلابی جهان در اعتراض به سیاست ادامه جنگ رژیم خمینی و شکنجه و اعدام انقلابیان ایران در بسیاری از کشورهای جهان برگزار گردید. شخصیت‌های دموکرات و انقلابی مشهوری خواهان قطع بلادرنگ جنگ و آزادی آن دسته از رفقای رهبری سازمان که در معرض خطر اعدامند، شدند.

در دوره مورد گزارش، هیات سیاسی برای گرامی‌داشت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان اهمیت ویژه‌ای قابل‌شده، فراخوان‌های هیات سیاسی بمناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در جهت گسترش فعالیت و افزایش اعتبار و نفوذ سازمان تاشیو کرد. فعالین سازمان را جانبا زانسه

تاریخچه ای دادند. چنانچه همپا با نزدیکی اتحادیه آزادی سازان ۱۸۰۰ تصور
چهار پرگزاردید و بیش از ۱۵۰ حزب و سازمان کمونیست، انقلابی و دموکرات
در سطح کمیته مرکزی پیام های شادباش ارسال دادند.

رفقا!

تدارک پلنوم وسیع کنونی سنگین ترین وظیفه ای بوده است که در تمام
دوره مورد بحث برعهده هیأت سیاسی قرار داشته است. هیأت سیاسی علاوه بر
تنظیم اسناد و راهبیت مربوط به بررسی خط مشی گذشته، طرح استراتژی و
تاکتیک سند مربوط به تشکیل نخستین کنگره سازمان رانیز، که پلنوم مهر
ماه ۶۳ برعهده وی نهاده بود، به پلنوم ارایه داده است.

قطعنامه درباره وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دستور کار پلنوم
قرار دارد. گزارش مربوط به کار کمیسیون برنامها و اسانامه بر ضرورت ادامه
کار این کمیسیونها تاکید می کند. هیأت سیاسی جهت تدقیق سیاست سازمان در
قبال گروه های سیاسی کشور، بررسی همه جانبه مواضع این گروهها را در دستور
کار خود قرار داد. نتایج حاصله در این زمینه که به پلنوم وسیع گزارش
می شود به سازمان امکان می دهد که سیاست درست و از نقطه نظر اصولی بسا
استحکامی را در قبال نیروهای سیاسی کشور اتخاذ کند.

نظریه اهمیت موضوعات در دستور پلنوم، هیأت سیاسی تصمیم گرفت پلنوم
کنونی را به وسیله برگزاری شود، به این منظور گروهی از کارهای سازمان به پلنوم
کمیته مرکزی دعوت شدند. اکنون این رفقا در پلنوم حضور دارند. حضور این
تعداد از کارهای سازمان در پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان و شرکت غیر مستقیم بخش
و سبخی از کارهای سازمان در این مباحثات که توسط هیأت سیاسی سازمان
یافت، در جهت ارتقاء سطح کیفی آگاهی و تجربه کارهای و تحکیم پیوندها
دستگاه رهبری سازمان تا شایسته است.

فعالیت سازمان در زمینه سازمان گیری جنبش توده ای

پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ بر تمرکز قوای سازمان در مراکز کارگری تاکید کرد و
بود. تحکیم پیوندهای توده ای سازمان در مدروابط با قرا داشت. انجام
پیگیری این وظیفه در شرایطی که بر اثر سرکوب سبانه رژیم خون آشام
خمینی به ارتباطات توده ای سازمان لطافت جدی وارد آمده بود از یک سو
دشوار و از سوی دیگر بسیار حیاتی بود. در پاسخ به این وظیفه حیاتی و دشوار
ضرورت تشکیل هسته های مخفی کارگری در دستور کار سازمان تکران فعالین ما
قرار گرفت. اعتماد بزرگ ذوب آهن و چندین واحد بزرگ صنعتی کشور اهمیت
سرشت سازمان را در جنبش توده ای کارگری را به نحو برجسته تری
آشکار ساخت. در همین رابطه بود که کلیه فعالین سازمان به شرکت فعالانه
و گسترده در جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگری و توده ای فرا خوانده شدند.
مبارزه در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حضور فعال در تشکلهای موجود
مقابله با اخراج کارگران و مبارزه علیه قانون کار ارتجاعی و شورای اسلامی
کیار، مبارزه برای افزایش دستمزدها و بسوی مبارزه
تلاش وسیع برای سازمان گیری مبارزات کارگران علیه جنت، عرصه های اصلی
فعالیت ما در جنبش کارگری و افشای ماهیت کارگرسنیز رژیم و طرح و پیگیری
خواسته های کارگران نقش فعال ایفا نمودند.

ایجاد و گسترش هسته های مخفی کارگری همچنان در مرکز سیاست سندیکا یی
سازمان قرار دارد. دستگاه رهبری و فعالین سازمان می بایست به کلیه
سازمان تکران توده ای در میان کارگران توجه جدی تری نمایند. رهبری
سازمان می باید با اختصاص به تنها کارهای بیشتر بلکه بهترین کارها به
این عرصه حیاتی، موقعیت سازمان را در جنبش کارگری بیش از پیش تقویت
نماید. ما امیدواریم که اسناد شوربک و سیاسی و فرهنگی پلنوم وسیع در
این عرصه مهم از فعالیت سازمان راه غلبه بردشوار و رها را بگشاید.
مبارزه دهقانان برای حفظ زمین های تقسیم شده و جلوگیری از بازگشت
ملکین به روستاها، در سال گذشته نیز ادامه یافت. تسلط ارتجاع، سرکوب
مقاومت دهقانان و فشار رژاندار موسسه بردشوار و رها کار در زمینه متشکل

کردن دهقانان افزوده است. عدم توجه کافی سازمان به این عرصه فعالیت موجب تنزل سطح ارتباطات ما با روستاها گردید. ما باید راههای سازمانگری جنبش دهقانی در شرایط جدید را با ابتکار و خلاقیت کشف و راه غلبه بر مشکلات را، بیابیم. فعالین سازمان باید اهمیت کار در میان دهقانان را بیش از پیش درک کنند.

در زمینه فعالیت در جنبش دموکراتیک زنان، افشای قساوتها و رژیم خمینی علیه زنان در مرکز و شهرستان انقلابی ما قرار داشت. در جهت جلب پشتیبانی زنان دموکرات جهان از مبارزات زنان ایران کوششهایی صورت گرفت. اما کوشش ما بدلیل مشکلاتی که در رابطه با تشکیلات دموکراتیک زنان پدید آمد نتوانست از بارزده مناسب برخوردار شود. پدیده منفی و نگران کننده آن است که پس از سال ۶۱ سهم و نقش زنان در تشکیلات سازمان تنزل یافته است. کارشناسان فعالیت و مسئولیت زنان در تشکیلات به نقش و تاثیر سازمان در مبارزه زنان و کار توده ای لطمه زده است. اکنون بویژه ضروری است مواضعی که بر سر راه شرکت فعال زنان فدایی برای شرکت موثر در جنبش زنان کشور وجود دارند بر داشته شود و رهبری سازمان امکانات و تمهیدات لازم را به منظور شرکت فعال زنان فدایی در این جنبش دموکراتیک فراهم آورد.

از فعالیتها و مثبتات این دوره انتشار مجدد نشریه پیشگام ارگان سازمان جوانان فدایی ایران (اکثریت) و بخش و توزیع آن در داخل کشور بوده است. با انتشار ماهنامه نشریه پیشگام فعالیت سازمان در میان جوانان کشور و گسترش یافت. توده وسیع جوانان با توجه به جوان بودن ترکیب جمعیت کشور از سوی فعال بودن جوانان کشور در مبارزه علیه افساد و استکباری های رژیم، تلاش وسیعی را برای تجدید سازمان جوانان فدایی از ما طلب می کنند. توجه به این مهم در این دوره در دستور کار هیات سیاسی قرار گرفت. کاری که آغاز شده است در مقایسه با آنچه که باید انجام پذیرد ناچیز است. هدف ما آن است تا سازمان جوانان به یک سازمان سراسری که همه وظایف خود را تحت هدایت عمومی رهبری سازمان برعهده گیرد، تبدیل شود. هیات سیاسی برای این اعتقاد است که علیرغم انبوه مشکلات و پیچیدگی ها، این کار ممکن و بسیار ضروری است. جوانان فدایی نیروی ذخیره سازمان اند. این حقیقت گویای اهمیت گسترش فعالیت سازمان در میان جوانان کشور است.

در عرصه کار در میان ملیت های ساکن کشور طرح هایی به تصویب هیات سیاسی رسیده و تلاشهای سیاسی برای گسترش فعالیت سازمان در کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا صورت گرفته است. ضرورت گسترش فعالیت سازمان در میان اقلیت های ملی و مذهبی کشور کاملاً احساس می شود. سازمان باید در دوره آتی گام های بلندی در این زمینه به پیش بردارد.

در سایر زمینه های فعالیت توده ای، کار فعال در میان دانشجویان، نیروهای مسلح، پزشکان، کارمندان و بویژه دانشجویان و معلمان کشور که قبلاً از پایگاههای عمده نیروهای چپ کشور بوده اند، با دشواریهای گوناگون مواجه بوده است. بخش عمده ای از این دشواریها البته معلول سیاست ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه حاکمیت بوده است. اما نمی توان برده پوشی کرد که ضعف سازمان ما در تلفیق مبتکرانه و اصولی کار علنی و مخفی و عدم بهره گیری ضرور از امکانات عملاً موجود در جهت گسترش فعالیتها و توده ای نقش مهمی در این ناکامی بازی کرده و می کند. هیات سیاسی معتقد است علیرغم مشکلات و دشواریهای موجود، در دوره آتی می بایست با کشف اشکال و روش های مناسب مبارزه، با ارایه روشها و طرح شعارهای مناسب در جهت سازمانگری این بخش وسیع نیروهای شرکت کننده در جنبش دموکراتیک میهن مان مجدداً کوشش کنیم. واحدهای سازمان در سطح کشور باید توجه ویژه ای به این زمینه فعالیت مبذول دارند.

رفقا!

در دوره مورد گزارش فعالیت سازمان با فداکاری ستایش انگیز در جنبش توده ای فدینگ شرکت ورزیدند. تراکت ها و اعلامیه های سازمان در سراسر کشور بطور مستمر انتشار یافت که همه مردم را علیه جنگ و برای صلح به مبارزه پیگیر

در آرزو نگرانی جنبش توده‌ای ضد جنگ و فعالیت‌های شرکت‌ها شدند، نشان دادند که مصالح جنگ، افزایش ماهیت فئودالی و فساد مردمی سیاست‌ها، جنگ‌های روسنگری انقلابی پیرامون این حقیقت که چگونه جنگ در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه و تحکیم مواضع طبقات و نیروهای ارتجاعی جامعه است، در آنرا در هر دو رژیم و گسترش و زوال مبارزات مردم در راه سرنگونی جمهوری اسلامی نقش بزرگی ایفا کرده است. شرکت و حضور فعال سازمان در جنبش توده‌ای ضد جنگ و هدایت آن دارای اهمیت اساسی است که می‌بایستی همچنان گسترش یابد.

ج: فعالیت در زمینه کار تشکیلاتی

طی سال ۱۳۶۴ از طریق احیا و بازسازی شعب کمیته مرکزی در جهت تکامل ساختار سازمانی دستگاه رهبری کوشش‌های موثری صورت گرفت، بطوری که به تقویت نقش و تاثیر سازمان در هدایت جنبش انقلابی مردم ایران یاری رساند. به‌نوعی مهرماه ۶۳ سیاست عدم تمرکز تشکیلاتی را مورد تأیید قرار داده بود. هیأت سیاسی در آنطابق اصل عدم تمرکز با وضعیت مشخص تشکیلات سازمان با توجه به تشدید شرایط خفایا و سرکوب و با توجه به ساختار تشکیلاتی موجود و جمع بست تجارت به تکمیل و تدقیق طرح تشکیلاتی بر اساس اصل عدم تمرکز اقدام نمود.

جهت این طرح از سویی متوجه افزایش درجه امنیت، کیفیت و قدرت رهبری واحدهای تشکیلات در سطح کشور و از سویی دیگر تحکیم رابطه آنان با دستگاه رهبری و با مبارزات توده‌ای بود که علیرغم برخی موفقیت‌ها می‌توان گفت که به نتیجه مطلوب هنوز فاصله وجود دارد.

در این دوره نیز با توجه به پیگردگسترده پلیس سیاسی، افزایش خطر شناسایی، تعقیب و مراقبت و بازداشت کارها و فعالین سازمان، مسائلی حفاظت تشکیلات در مرکز اقدامات و تدابیر تشکیلاتی قرار داشتند. تحکیم رابطه رهبری با واحدهای سازمانی نیز از اهم مسایل در دستور رهبری سازمان بوده است. در این زمینه علاوه بر تدابیر تشکیلاتی ضروری، یک سلسله آموزش‌ها برای مقابله با پلیس سیاسی، رهبری تشکیلاتی و کار توده‌ای تدارک دیده شد و قسامه اجرایی آمد.

در دوره مورد گزارش از سویی کارها و فعالین سازمان در جنبش کردن نقشه‌های سرکوبگرانه رژیم که متوجه متلاشی ساختن واحدهای سازمانی مابین تلاش‌های رزمجویانه ستایش انگیزی صورت گرفت. بیکار و فداکارانه و جانپازانه فعالین ما این امکان را پیدا آورد که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در جنبش انقلابی خلق حضور فزاینده خود را تثبیت کند و موقعیت خود را تحکیم نماید.

رفقا!

در این دوره هیأت سیاسی کوشید تا تشکیلات سازمان در خارج کشور را با اختصاص کار و تجدید سازمان آن تقویت نماید. اما باید تا کید کنیم که مشکلات تشکیلات سازمان در خارج کشور و بویژه دشواری‌های مسایلی که اعضا و هواداران سازمان در مهاجرت با آن دست‌گیر باشند، توجه جدی تریه حل مشکلات آنان را طلب می‌کند.

پدیده مهاجرت سیاسی، به مثابه شکلی از تیرد انقلابی در برابر یورش ارتجاع البته دشواریها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. اما نباید پنهان کرد که بی تجربگی رهبری سازمان در هدایت طبق نقشه مهاجرت بنوعی خودمختار دشواریها افزوده است، علاوه بر این مهاجرت‌هایی که بنابه تصمیم شخصی انجام می‌گیرد به عوارض منفی منجر می‌شود. برای اساسی‌سازی سیاست‌ها به تشکیلات رهنمود داده است که برای رفقای که با مشکلات امنیتی مواجه می‌شوند حداکثر امکاناً تکیه برگرفته شود تا با تغییر محل کار و زندگی وسایل تمهیدات از مهاجرت بی هدف جلوگیری بعمل آید.

رهبری سازمان با محاسبه واقع بینانه امکانات می کوشد در جهت غلبه بر مشکلات ناشی از مهاجرت، به رفقای مهاجر سازمان یاری برساند. قرارداد آن بیش از پیش نیروی رزمجویانه این بخش از رفقای مادر خدمت جنبش انقلابی میهنمان، در مرکز توجه رهبری سازمان قرار دارد. رفقا!

دردوره قبل از پلنوم مهر ۳۲ سازمان با مشکلات مالی جدی روبرو بود. طی دوره مورد گزارش وضع مالی سازمان با تلاش و فداکاری توده اعضا و هواداران بطور نسبی بهبود یافت. لیکن بایستی در نظر داشت که برای پاسخگویی به ضرورت های گسترش امکانات مالی، مشکلات و موانع کماکان وجود دارند. بطور قطع باید گفت که تنگناهای مالی در عمل به یکی از موانع جدی گسترش کمی و کیفی فعالیت سازمان تبدیل شده است.

رفقای ارجمند!

چنانکه گزارش نشان می دهد، سازمان مادر حالی که طی این دوره با اختناق و سرکوب وحشیانه رژیم مواجه بوده اما مجدداً نه کوشیده است تا به وظایف انقلابی خود عمل کند. در یکسال ونیم گذشته، ما رفیق منصور (محمّد رضا غیباری) عضو مشاوریهات سیاسی و رفیق رضی الدین تابان عضو مشاوریه مرکزی را همسرا با بعدای از بهترین رفقایمان در راه برافراشته نگذاشتن پرچم ما رگسیم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در راه دفاع سرافرازانه از منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش از دست دادنیم. در این دوره همه ما در پی کار علیه ارتجاع خمینی با فداکاری و جانپنازی و با همه هستی خویش، در راه آرمانهای والای طبقه کارگر و توده های در بند و محنت کشیده میهنمان رزمیدیم و لحظه ای از با پایستادیم، حاصل همه این تلاشها، با میزان افزایش نفوذ و اعتبار و حضور سازمان در میان نیروهای مترقی و یکسو و با درجه تحکیم موقعیت سازمان در خانواده احزاب کمونیست و کارگری از سوی دیگر قابل سنجش است. اما بسا اینهمه، همه ما بر آنیم که سازمان با پدیدخوا آمدن دوره آتی فعالیت خود را برداشتن گام های بلندتری هم فعالیت سیاسی خود را گسترش دهد و هم با کار بست تدا بیروا شکل مناسب فعالیت سازمانی در شرایط ضرور و اختناق حاکم بر کشور و سازمان نگارانه توده ای و پیوژه کار در جهت تحکیم پیوسته سازمان با طبقه کارگر میهنمان را بنحویت بخشی توسعه بخشد.

رفقا!

مجموعه اسناد عرضه شده به این پلنوم وسیع تاریخی موبدان است که ما کوشیده ایم با تکیه بر سنن ارزشمند و دیرپای فداییان خلق یعنی پیوندگی انقلابی، صداقت رزمجویانه و انتقادشجاعانه از خطاها و انحرافات در راه تغییر آینده پیش رویم. برای ما فداییان خلق همواره و این بار نیز زنی خطاهای گذشته با اثبات راه ظفر نمون آینده معنی پیدا کرده می کند.

رفقا!

هیات سیاسی غراخوان خود در چشمان نوزده سالگی را با این عبارت تزیین داد: "لنین را بخوانیم! ما به این پلنوم وسیع با دیگر بر این پیام تکیه کنیم."

اکنون در بهار شانزدهمین سال بنیادگذاری سازمان بر افتخارمان، با هدف دستیابی به برنامه استراتژی و تاکتیکی ظفر نمون و راهگشا به سوی سوسیالیسم، با کوشش پیگیر در راه ارتقای روحیه رزمندگی انقلابی در صفوف فداییان خلق، با تلاش در جهت هر چه محکم تر ساختن وحدت و انضباط سازمانی و با استواری در پی نمودن راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان کسبه سنگر خلل ناپذیر خلق برای رسیدن به راه های قطعی از هر گونه ستم و تبعیض طبقاتی و اجتماعی است، بر آنیم که در پرتو آموزش های سرگ لنین شا نبل به پیروزی قطعی متحد پیگانه به پیش برویم.

در اربعین ۱۵ سال ، ما فدائیان خلق راه پررنج و شکوهمندی را پشت سر نهاده ایم . ما از نیروی کوچکی که از ظلمت کده نظام پوسیده سلطنتی راه رهایی خلق خویش را جستجویی کرده با زمان سراسری نیرومندی فـسـتـرا روبه روده ایم که پرچم رسالت و مسئولیت تاریخی رها بی قطعی خلق خویش و رهبری پیروزمندان انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران و گذر به سوسیالیسم را بردوش خود گرفته است .

تجربه انقلابی زندگی پانزده ساله ما نشان می دهد که پیروزی قطعی و ناگزیر آلمان ما هر چند به بهای جان های عزیز بی شماری که از ما می ربایند سرانجام بردست های پینه بسته کارگران و دهقانان ، بردست های تـبـوده میلیونی مردمی ، که زهر تلخ رژیم سفاک خمینی در کما نشان است ، شکوفه خواهد زد .

زننده با دسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) !

برافراشته با دپرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری !

برقرار با دو جدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حوزی و احاطه طبقه کارگر !
پیروزی با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی !

مرگ برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا !

www.iran-archive.com

طرح استراتژی و فاکتیک

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران

۱ - بر اثر فرقه‌های شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه‌داری در پیوند ارگانیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرد و به مناسبات غالب در کشور ما مبدل گشت. در این روند، تفاذکروسرما به تفاذ اصلی جامعه تبدیل شد و تفاذ خلق و امپریالیسم تشدید گردید.

در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه‌داری شیوه غالب و استثمار سرمایه - داری شکل اصلی صاحب دسترنج کارگران و زمینکشان است، ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه‌داری وجود دارد.

۲ - مردم‌مبین ما برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی علیه حکومت دست‌نشانده شاه بهاختند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند. انقلاب بهمن گرچه رژیم سلطنتی، لایه‌بالایی سرمایه‌دسته و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را برانداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، دستاوردهای دموکراتیک و مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت، بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است بورژوازی و تشوکرانیک، دارای خصلت مطلقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک که بیش از همه منافع روحانیت و بورژوازی تجاری را تأمین می‌کند. حفظ وابستگی اقتصاد کشور و سیاست نزدیکی به امپریالیسم، دفاع از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، سیاست‌های جنگ افروزانانه و پان‌اسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی و سوبیزه خصلت تشوکرانیک آن، موجب تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه شده است. بحرانی که ریشه آن اساساً در نظام سرمایه‌داری و وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم نهفته است. تفاذ بین رژیم جمهوری اسلامی طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی هر روز عمق و دامنه بیشتری پیدا می‌کند. ادامه جنگ و حکومت استبدادی روحانیون ناراضی و مخالفت بخشهایی از بورژوازی ملی را نیز برانگیخته است. دشمنان عمده مردم ایران در مرحله کنونی عبارتند از: رژیم جمهوری اسلامی، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم جهانی - سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نقطه ستیز عمده و بینیان دیگر دشمن عمده‌ای که تنها آزاردهنده کمبود آن راه تحقق خواست‌های فدائیان امپریالیستی - دموکراتیک مردم کشور ما هموار می‌گردد، رژیم جمهوری اسلامی (رژیم ولایت فقیه) است.

۴ - آماج غایی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است. سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زمینکشان را از بندهای اسارت سرمایه رهایی بخشد، به استثمار انسان از انسان خاتمه دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی زمینکشان را تأمین کند. سازمان در راه دستیابی به این آماج مبارزه می‌کند.

گوناگون حیات به یک تحول انقلابی دموکراتیک درآستی. سوسیالیسم
نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعتی تفا دهها
و آرایش نیروهای طبقاتی آن گماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد.
تا مبنی ملج، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت،
شنا ساسی حق تعیین سرنوشت خلق ها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ
مالکی و موهوبای ساحتی راهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی
و تعاونی و تعدید مرحله ملیت بخش خصوصی و دموکراتیک کردن حیات
اجتماعی - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، اتحاد
سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران
است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرد. شرط ضروری برای
این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات
و اقشار دموکراتیک و انقلابی جامعه و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است.

۶ - نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از: طبقه
کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر
انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه های پائینی
بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دموکراتیک دینفع اند، اما قاعدتاً در تحول
انقلابی جامعه مانعند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب و اقشار دیسروازی
لیبرال و بخشی کردن ناپیگیری ساینیروهای بورژوازی برای انجام تحول
انقلابی جامعه ضروری است.

۷ - در انقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر، نیروهای طبقاتی
دیگری نیز شریک و دینفع هستند و تلاش می کنند سرکردگی خود را در انقلاب
تا مبنی نمایند. سرنوشت انقلاب با امر سرکردگی آن گروه می خورد، سازمان
ما با تمام اقوادر را تا مبنی رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک
ایران، بنیادهای ساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه می کند. تا مبنی
سرکردگی مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، بورژوازی لیبرال
را منفرد و ناپیگیری ساینیروهای بورژوازی را بخشی سازد و بتواند سوده
دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را به سوی خود جلب کند.
پیشرفت پیگیری و فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در گرو
تا مبنی رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگر
در رأس قدرت سیاسی است.

۸ - مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق تحت
رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم
علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران، مبارزه در راه تا مبنی اتحاد همه
نیروهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی در یک جبهه واحد از عمده ترین
وظایف استراتژیک سازمان در مرحله کنونی و به منظور سرنوشتی رژیم
جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است.

این حاکمیت بر اتحاد و اتحاد واحد طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی
شهری و روشنفکران خلقی متکی و بازاریا اعمال آن دولتی دموکراتیک و
انقلابی است که می باید بر نامه طبقه کارگر برای انقلاب ملی و دموکراتیک
ایران را به اجرا بگذارد. درجه پیگیری این دولت در اجرای برنامه مذکور
با میزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این حاکمیت بستگی می یابد.

۹ - اتحاد نیروهای محرکه انقلاب ملی - دموکراتیک ایران کسسه
استخوان بندی آن را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد، لازم تحقیق
این انقلاب است. تا مبنی این اتحاد و وظایف ساسی پیشاهنگ طبقه کارگر
است.

در شرایط کنونی که سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی آماج مقدم جنبش
است، تا مبنی اتحاد گسترده ای از نیروهای انقلابی، دموکراتیک و مترقی
کشور که خواهان ملج، دموکراسی و سرنوشتی رژیم هستند در یک جبهه واحد
ضروت عاجل دارد. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب شاملوده این جبهه است.

جبهه واحد بر اساس برنامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می گیرد، تشکیل می شود. سازمان برنامه خود را بعنوان برنامه ای——جبهه پیشنهاد می کند.

دوراه رسیدن به این جبهه سازمان از تأمین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه رژیم استقبال می کند.

۱۵ - رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکسوب قهرآمیز سلب کرده است، تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر است. لذا سازمان آماده ساختن توده های خلق را برای مبارزه مسلحانه به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه خود می داند. در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می توان تمام اشکال مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت.

www.iran-archive.com

فصلنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران

مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامه اساسنامه واحد مبتنی است بر:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران با هدف ارتقاء آن به سطح وحدتی همه جانبه.

- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری.

اتحاد عمل و مشاوره و همفکری همه پیروان سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه رژیم، علیه امپریالیسم و سرمایه داری و در راه آرمانهای طبقه کارگر ایران مواضع جنبش کمونیستی ایران را تقویت می کند و راه وحدت و نزدیکی کمونیستهای ایران را هموار می نماید. این امر نیازمند جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

- سازمان پیگیرانه در راه گسترش همکاری، اتحاد عمل، مشاوره و همفکری میان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران تلاش می کند.

- سازمان پیگیرانه در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران تلاش می کند. کار بست اشکال و شیوه های موثر و متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در راه حفظ یکپارگی آن جایز اهمیت اساسی است.

قطعه نامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی درباره تدارک

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به هیات سیاسی ما موریت داد که امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان را از جوانب مختلف بررسی نموده و نتایج را به پلنوم کمیته مرکزی گزارش نماید. پلنوم وسیع کمیته مرکزی با تأیید گزارش هیات سیاسی درباره امکان برگزاری کنگره و نظریه نقش و اهمیت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی کنگره ضرورت آن را مورد تأکید قرار داد و قرار ردیل را صادر نمود:

الف:

- پلنوم وسیع کمیته مرکزی به هیات سیاسی ما موریت می دهد که برگزای کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را با بکارگیری تمام امکانات در محدوده زمانی معین شده تدارک ببیند و پیشرفت کار را به پلنوم آتی کمیته مرکزی گزارش نماید.

- اسنادی که در دستور کار کنگره قرار خواهد گرفت عبارتند از: ۱- برنامه سازمان ۲- اساسنامه سازمان ۳- گزارش کمیته مرکزی ۴- گزارش ارگانهای مرکزی ۵- بررسی تظاهرات اساسی مربوط به خط مشی سازمان در سالهای ۶۱-۵۷ که در پلنوم وسیع فروردین ۶۵ به تصویب رسیده است.

ب:

۱- هیات سیاسی موظف می گردد که در اولین فرصت اسناد ذیل را جهت تصویب در پلنوم آتی کمیته مرکزی آماده نماید. ۱- برنامه سازمان ۲- اساسنامه سازمان

بدین منظور به هیات سیاسی کمیته مرکزی ما موریت داده می شود با انتخاب کمیسیون هایی که تحت مسئولیت هیات سیاسی کار خواهند کرد برنامه و اساسنامه را تهیه نماید. این اسناد پس از تصویب کمیته مرکزی جهت اظهار نظر عمومی انتشار خواهد یافت. این اسناد پس از تمحیحاتی که بر اساس اصلاحات و پیشنهادات آرایه شده صورت می گیرد توسط کمیته مرکزی تصویب و به کنگره آرایه خواهد شد.

۲- هیات سیاسی می بایست گزارشات و طرح های زیر را جهت بررسی و تصویب به پلنوم آتی کمیته مرکزی آرایه نماید:

الف - تعیین تعداد نمایندگان شرکت کننده در کنگره ضوابط و معیارهای عملی انتخاب آنان با توجه به شرایط

ب - طرح نحوه برگزاری اجلاس کنگره و نحوه گزینش کمیته مرکزی با توجه به اساسنامه سازمان.

ج - طرح کمیسیون تحقیق.

به مردم ایران

مردم شریف ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریست)، رزمجویان نه‌ترین سلام‌های خود را نشا‌رشمای می‌کند. فداییان خلق با مسرود خود پیوند استوار و گسست‌ناپذیری دارند. مادر تاریخ ۱۵ سال رزم و رنج خودروزی را بدون پیگرد و سرکوب خونین سپری نکرده‌ایم، اما نه پیگردهای خونین، نه زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و نه میدان‌های اعدام، هیچ‌کدام نتوانستند فداییان خلق را درهم بشکنند و علیرغم آرزوی دژخیمان، در راه خلق فداکار و بی‌بگرو و در برابر دشمنان خلق ستیزنده و تسلیم‌ناپذیر باقی ماندیم. رزم دوام و بقای ما فداییان خلق پیوند استوار با شما مردم ایران است، این پیوندهای بخش‌بخش و پیروزی‌آفرین، افتخار و شرف ماست و هیچ نیرویی را برای گسستن آن نیست. بگذار با این حقیقت بزرگ سخن آغاز کنیم تا دشمنان مردم ایران از هراس سرگ بر خود بپرزند.

هم‌میهنان! رژیم استبداد مذهبی خمینی کشور ما را به گورستان مسرود زحمتکش، آزادپخواه و میهن دوست تبدیل کرده است. در چار گوشه میهن ما خانواده‌ای نیست که با درجه‌های بی با زکشت جنگ ایران و عراق و یادار شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام رژیم خمینی عزیزی را از دست نداده و در مرگ آن عزادار نباشد. مردم ایران در جهنم جنگ و استبداد خمینی می‌سوزند و از گزاشی و بی‌کاری، بیماری و گرسنگی، آوارگی و خانه‌بدوشی تبعیض و بی‌عدالتی، فساد و رشوه‌خواری و دها و صدها بلای تحمیلی رژیم رنج می‌برند. این رژیم خادم کلان‌تاجران و بزرگان مالکان است و در راه تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به انحصارات امپریالیستی گام برمی‌دارد. امری که کاملاً منتهای سیاست امپریالیسم برمی‌خیزد و راه تبدیل خواهد آورد. پنج سال و نیم است که کشور در تنور جنگ ایران و عراق می‌سوزد. مردم ایران باید بدانند که ادعای خمینی و دولت‌مردان رژیم او مبنی بر اینکه ختم فوری جنگ ناممکن است یک دروغ بزرگ، بی‌شرمانه و جنایتکارانه است. رژیم خمینی مسئول مستقیم ادامه جنگ، مصیبت‌های مردم و ویرانی میهن ماست. دروغ بزرگ جنایتکارانه خمینی را با ورن کنید. علیه جنگ و ویرانی صلح بنه‌ایزید!

هم‌میهنان! رژیم ولایت فقیه هیچ‌گونه آزادی و حقوقی را برای شما مردم به رسمیت نمی‌شناسد. احزاب و سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه سرکوب می‌شوند. اقلیت‌های ملی و مذهبی در بی حقوقی کامل بسر می‌برند و در معرض سرکوب و وحشیانه رژیم قرار دارند. تبعیض و ستم در حق زنان تشدید می‌کند. آشکارا حقوق، حرمت و شرف آنها لگدمال می‌شود. نه آزادی تشکیلات سازمان‌های دموکراتیک و اجتماعات، نه آزادی بیان و قلم، نه آزادی نشر مطبوعات و کتاب، هیچ‌گونه آزادی جز آزادی قارت و فریب و سرکوب مسرود در کشور وجود ندارد. امنیت قضایی و شغلی از شما مردم سلب شده است. حتی مردم در زندگی فردی و خصوصی شان نیز آزاد نیستند. رژیم، مبارزان صلح و آزادی، بهترین فرزندان شما را بنام "ملحد" و "منافق" راه می‌برد. زندان‌ها می‌کند، به شکنجه و صلابه می‌کشد و به جوخه‌های اعدام می‌سپارد. حکومت فقهی که به نام دین فرمان می‌راند هیچ جایی برای اعمال اراده مردم در تعیین سرنوشت خود باقی نگذاشته است. چاره این ستمگریها، راه‌هایان بخشیدن به استبداد و اختناق، راه دستیابی به صلح پایدار و آزادی نابودی رژیم ولایت فقیه است. برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی متحد شویم.

کارگران مبارز! روزیم خمینی پاسدار منافع اقطاع و طبقات فئاریستیک —
 مخصوص تجار و ملاکین است. در روزیم خمینی این گروه کوچک چپا و لگ —
 هر روز به ثروت و مکننت بیشتر دست می یابند در حالی که نصیب شما اخراج
 و بیگاری و نصیب خانواده هایان گرسنگی و در بهری است. خمینی به خواستهای
 عدالتخواهانه شما کارگران با گلوله پاسداران خود با شما می گوید و برای
 اینکه در احقاق حقوق تان ناتوان بمانید به تفرقه میان شما داد —
 می زند. در به روزیم خمینی در پاسداری از منافع تاجران و ملاکین و سرمایه —
 داران، اخراج و سرکوب کارگران و جلوگیری از ایجاد تشکلات های مستقل
 کارگری است.

کارگران مبارز! درفش مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه برای ملیت
 و آزادی را در دستهای پرتوان خود بردار! شته سر سازید! برای دستیابی به
 قانون کار مترقی و در راه ایجاد تشکلات های مستقل کارگری علیه اخراج
 کارگران مبارزه کنید! هسته های مخفی کارگری را برای رهبری مبارزات
 کارگران سازمان دهید و تحکیم شما بپذیرید! به شورا های فرمایشی تن ندهید و
 نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنید! مبارزات منافی خود را گسترش دهید و
 آنرا با مبارزه در راه ملیت و آزادی پیوند دهید! متحد با دهقانان و بهمنشاهی
 همه زحمتکشان دیگر برای سرنگونی رژیم کارگروستیز ولایت فقیه بپا خیزید!
 تحریر انقلاب بهمن می آموزد که طبقه کارگران ایران به شرطی در مبارزه در
 راه سرنگونی جمهوری اسلامی به اهداف خود دست نخواهد یافت که تحت رهبری
 سازمان سیاسی خود ببرد. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سازمان
 سیاسی طبقه کارگران ایران است. برای پیروزی خلق، برای آنکه میسوسه
 مبارزات شما را دیگران نچینند به سازمان خود بپیوندید.

دهقانان مبارز! رژیم ولایت فقیه مدافع خوانین، فئودالها و بزرگ
 مالکان است. در رژیم خمینی نیز نصیب شما دهقانان زحمتکش جز با جبر و
 غارت و آوارگی، فقر و فلاکت نیست. به وعده های رژیم خمینی باور نکنید!
 به عجبها نروید! علیه بازگشت خوانین و بزرگ مالکان مبارزات خود را
 گسترش دهید! با احکام ستمگرانه دادگاههای خمینی تن ندهید! متشکلات
 شوید و با کارگران متحد شوید! بدانید که سازمان فداییان خلق ایران
 (اکثریت) با عزم استوار در راه تحقق خواستهای و آزادهای عدالتخواهانه
 شما مبارزه می کند.

ملیت های ساکن کشور! از جنایات بزرگ خمینی تشدید بقا و روشنفق
 ملی در درون کشور و استقرار رژیم متکی بر زورگویی و تبعیض مذهبی است.

خلق مبارز کرد! رژیم قادیانیت مبارزه بر حق شما را درهم بشکند.
 سازمان ما که معتقد به حق تعیین سرنوشت برای همه خلق های این سران
 است. از مبارزات شما در راه کسب خودمختاری با تمام نیرو دفاع می کند و
 خواستار رفع ستم ملی و برابر حقوقی همه ملیت های ساکن کشور می باشد.
 فداییان خلق با تبعیض و برتری طلبی مذهبی خمینی مبارزه می کنند!
 مردم در معتقدات خود آزادی پیدا کنند! معتقدات مذهبی در شما را مورد خصوصی
 افراد خاص است. به مخالفت دین در حکومت و به حاکمیت فقه با پیدا پسان
 داد! در این راه متحد شوید و مبارزات خود را علیه رژیم ولایت فقیه گسترش
 دهید.

زنان مبارز ایران! حرمت و شرف و حقوق شما لگدکوب رژیم ولایت فقیه
 است. متشکلات شوید و برای دفاع از حیثیت و شرافت خود و حفظ امنیت خانواده
 علیه قوانین قرون وسطایی مبارزه کنید! به تعصبات از جنای رژیم
 که شما را از تحصیل و اشتغال محروم می کند، تن ندهید، علیه آن مبارزه
 نمایید!

جوانان! آینده سازان ایران! رژیم خمینی کشور را به قبرستان بزرگ شما تبدیل کرده است. در مدارس و دانشگاه های کشور رژیم می کوشند اندیشه آینده ساز جوانان را در زندان تاریک اندیشی به بندگشودن آنان را از تاریخ و سنن ترقیخواهان و جنبش دانشجویی ایران بیگانه سازد. محیط آکنده از فساد و اعتیاد که رژیم خمینی پدید آورده آن است زندگی امروز و فردایتان را به تباهی تهدید می کند.

جوانان مبارز! سازمان جوانان پیشگام ایران پاسدار بهترین، انسانی ترین و انقلابی ترین اهداف و سنن جنبش جوانان کشور است. به سازمان خود پیوندید و در راه صلح و آزادی و برپایی ایران شکوفان و شاد و سعادتمند، در راه سرنگونی رژیم ولایت فقیه مبارزه کنید.

پرسنل میهن دوست! رژیم جنگ افروزر و ارتجاعی خمینی همچون رژیم شاهنشاهی شما را در برابر منافع ملی و مردم ایران قرار داده است. به این خیانت بزرگ تمکین نکنید! به مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی و نابودی رژیم ولایت فقیه یاری رسانید.

پرسنل مبارز! صفوف خود را هر چه متشکل تر کنید! پیوند خود را با فداییان خلق استوار سازید! در راه جلب هر چه بیشتر پرسنل میهن دوست به صفوف مبارزه مردم ایران به طرق مقتضی تلاش کنید!

مردم مبارز و آزاده ایران!

خیانت رژیم خمینی به اهداف ترقیخواهان و انقلاب بهمین به سلطنت طلبان فرصت ما نور و تیزنگ داده است، آنها سالوسانه خود را آزاد میخواند، استقلال طلب و عدالت گستر معرفی می کنند تا اهداف عدلی و دموکراتیک شان را از افکار پنهان سازند. هدف پلید آنها این است که سوار بر موج تاریفایی مردم حاکمیت سرنگون شده خود را از نو برقرار کنند و کشور را جولانگاه غارت و چپاول هزار قایل کرده و میهن را لگزشیده مارا دوباره بزرگسلطه همه جانیه امپریالیسم آمریکا در آورند.

پسندوم وسیع کمیته مرکزی دربارۀ خطر سلطنت طلبان به مردم زحمتکش و آزاده ایران هشدار می دهد و آنان می طلبد که در برابر فریب این دشمنان آزموده خلق به هوشیاری خود بپرازیند.

سرمایه داران لیبرال نیز مملکت جوانه با قریب دغتم و نفرت مردم هم آوایی می کنند. آنها در پی آزادی خود اندوز بر شعار "حاکمیت ملی می کوشند" حاکمیت خود را تنها ما مستقر نمایند. هدف این گروه جلب اعتماد مردم به خود و انحراف جنبش توده ای از مسیر انقلابی می باشد. مردم ایران باید بدانند که لیبرال ها قمار در نیستند به خواسته های دموکراتیک و انقلابی آنان جا به عمل بیوشانند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) برای صلح و آزادی و در راه انتقال قدرت حاکمه به مردم زحمتکش و آزاد ایران مبارزه می کند. هدف ما استقرار دولتی است که منافع کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش و دموکراتیک جامعه را نمایندگی می کند، راهنمای آن اهداف رهایی بخش طبقه کارگر ایران است و گام در راه سوسیالیسم، یعنی برپایی ایران مستقل، آزاد و شکوفان و خالی از ستم و تبعیض و بی عدالتی و استثمار دارد. پسندوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، برای تحقق این هدف مقدس همه نیروهای انقلابی، دموکرات و ترقیخواه کشور را که در راه صلح و آزادی و استقلال میهن و سعادت مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع می رزمند به اتحاد در مجانبه در جبهه متحد خلق برای سرنگونی رژیم خمینی فرا می خواند.

به اعضاء و هواداران

رفقا! فداییان خلق!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، به سه همه‌کا، بزها و عفا و هواداران رزمنده و جانبا زکده در شرایط پیگردا شـ ترور و سرکوب خونین، برای بهروزی خلق و تحقق آما جهای رهایی بخش طبقه کارگر ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم قهرمانانه مبارزه می‌کنند، رزمجویانه‌ترین درودها را انتشار می‌کنند.

برگزاری موفقیت‌آمیز پلنوم وسیع دستاورد و دشمنی مبارزات شما و پاسخ دشمن شکن‌کارگران و زحمتکشان میهن ما به تبهکاریهای رژیم استبداد مذهبی خمینی است. پلنوم با پایبندی به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروولتری، با نقدشجاعانه خطر مشی گذشته و درس آموزی از تجربه‌های دور و نزدیک که دست در دست یکدیگر از سرگذرانده ایم و با وفاداری به سـ رزمجویانه فداییان خلق، شما را به تسخیر آینده فرا می‌خواند. بایده‌گاه و استوار در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به پیش‌تازیم و خلق رازیسر درفش‌های بخش طبقه کارگر ایران برای بهروزی رهنمون و رهبر شویم.

رفقا!

ما در شرایط بغرنج و حاس بین‌المللی مبارزه می‌کنیم. هدف سیاستهای جنگ طلبانه، و تها و زکارانه امپریالیسم جهانی تشدید و حامت اوضاع جهانی است. امپریالیسم آمریکا برای مقابله با کشورهای سوسیالیستی، اعتلای جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش دموکراتیک توده‌ای در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، شکوفایی مبارزه خلقها در راه استقلال و آزادی و ترقی اجتماعی به سیاست تشنج فزایی و سابقه تسلا تی دامن می‌زند و گام‌های تازه‌ای از جنگ و تها و زد و چارگوشه عالم شعله ورمی‌سازد. در چنین شرایطی نقش جامعه کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی به مثابه دژ استوار صلح جهانی و مساعدت بشریت و استقلال و آزادی خلقها هر روز اهمیت و اعتبار افزونتری کسب می‌کند. دفاع از صلح جهانی و پاسداری و همبستگی انترناسیونالیستی بشریت ترقیخواه در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم وظیفه عظیم ما کمونیستهاست. پلنوم وسیع شما را به انجام هر چه پیگیری‌تر این وظیفه میهنی و جهانی فرا می‌خواند.

رفقا!

در میهن ما حاکمیت سياه و نکبت‌بار رژیم ولایت فقیه کشور را در بحران اجتماعی و اقتصادی عمیقی فرو برده است. اکنون اکثریت عظیم مردم ما اسیر جنگ و آوارگی، ترور و استبداد مذهبی، تبعیض و بی‌عدالتی، گرانسی و بیکاری و فقر و فلاکت‌اند. مردم در رژیم خمینی آینده‌ای برای خود و فرزندان شان نمی‌بینند، آتش خشم و اعتراض آنان اینجا و آنجا زبانه‌سسه می‌کشد و گرمای آن در هرجا احساس می‌شود، اما جنبش هنوز پراکنده، کم‌دامنه و سازمان‌نیافته است. نیروهای انقلابی در پراکندگی بسر می‌برند و هنوز قادر به ایفای نقش شایسته خود نیستند. توده‌های مردم رهبران خود را می‌جویند و ما باید رسالت تاریخی خود را در پیکار سوشل سازی که در پیش است بطور همه‌جانبه درک و بدان عمل کنیم. امروز در محیط جنگ و ترور و

اعتراض مردم جاری است. رسالت ما این است که نیروی خلق را متحد کنیم این جوهر را به یکدیگر پیوند دهیم و از آن شط خروشان خلق را پدید آوریم. افشای بی امان استمگر بهای رژیم، شرکت فعال در جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران، دهقانان، زنان و جوانان، کارمندان و روشنفکران و دیگر اقشار خلق، دفاع استوار از حقوق اقلیت های ملی و مذهبی کشور، پشتیبانی از مبارزات سازمانها و احزاب مترقی که در راه صلح و آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه مبارزه می کنند، اتحاد عمل گسترده با نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشور در راه دستیابی به آماج های سیاسی و دموکراتیک از وظایف مهم کنونی ما است.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی ضرورت گسترش مبارزه در راه دستیابی به "صلح و آزادی" را مورد توجه قرار می دهد و با تاکید تازه بر وظایف سازمان در راه ادامه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی درجه بندی متحد خلق برای سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید می کند.

پلنوم وسیع برای وحدت پیروان سوسیالیسم علمی اهمیت اساسی قایل شد زیرا پیروزی واقعی خلق قبل از همه پیگیری در مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی را طلب می کند.

قطب نامه محبوب پلنوم، مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران با هدف ارتقا آن به سطح وحدتی همه جانبه و تلاش پیگیر در راه گسترش همکاری و اتحاد عمل میان این دو گردان پیشاهنگ طبقه کارگران ایران را مورد تاکید قرار داد. در قطب نامه محبوب پلنوم، مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و تلاش پیگیر در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با آنها نیاز مهم جنبش کارگری و کمونیستی ایران شناخته شد.

رفقای عزیز!

با و به توانایی و رسالت طبقه کارگران ایران در کسب قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم در میهن ما و مبارزه پیگیر در راه تأمین رهبری این طبقه تا به آخر انقلابی در انقلاب ایران، اندیشه راهت در پیکار امروز و فردا ما است. پایبندی بی خدشه به این اندیشه است که ایجاد می کند که به میان کارگران برویم، زیرا ما دام که اندامهای تشکیلاتی سازمان ما در کارخانه و کارگاه گسترده نشود، ما دام که کارگران حول منافع آشی و آتش همان متحد نشوند، ما دام که طبقه کارگران ایران تحت رهبری گردانهای پیشاهنگ خود در صحنه پیکارهای کوچک و بزرگ قدش افراشته است، تأمین رهبری طبقه کارگران در انقلاب هدفی دست نا یافتنی باقی خواهد ماند. پس رفقا! در حالی که ما کمونیست ها به پیگیرترین و روزمندترین نیروی سیاسی کشور برای تأمین "صلح و آزادی" و برای سرنگونی جمهوری اسلامی در مبارزات سیاسی عمومی فعالانه شرکت می کنیم، با تمام نیرو و برای تسخیر کارخانه ها و کارگاهها - دروازه نخست واحدهای بزرگ صنعتی کشور - به پیش تازیم!

رفقا! جامعه سوسیالیستی - این جامعه عاری از استثمار و استثمار - را به کارگران میهن ما بشارت بدهید. آگاهی نسبت به سوسیالیسم را در میان کارگران اشاعه دهید!

رفقا!

کار تبلیغی، ترویجی و سازمانگرا در میان کارگران و صنعتگران پایه و اساس مبارزه ما در مرحله کنونی تشکیل می دهد. توجه به این وظیفه محوری نباید ما را از انجام دیگر وظایف بازدارد. تبلیغ هر چه گسترده تر شعارها، بخش وسیع مطبوعات سازمان از وظایف

انقلابی مبرم ماست که باید خلافت را در انجام آن بکوشیم.
 زنان در کشور ما در بی حقوقی کامل بسر می برند. رژیم ولایت فقیه می کوشد
 با معروف کردن زنان از فعالیت تولیدی و اجتماعی، آنها را در پستوی خانه ها
 و آشپزخانه ها محبوس سازد. رژیم خمینی با تنزل مقام انسانی زن تا سطح
 ماشین و اذوق و وسیله عیش و عشرت مردان، شرف و حرمت زنان میهن —
 را رسا و آشکارا لگدکوب کرده است. تحمیلات ارتجاعی رژیم امنیت و ثبات
 زندگی خانواده کی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. در شرایط کشور
 ما مبارزه زنان در راه احقاق حقوق فردی و اجتماعی خود از اهمیت عمیقاً
 سیاسی برخوردار است.

باید که فعالیت سیاسی سازمانگرا نه را در میان زنان وسعت ببخشیم.
 گسترش پایگاه توده ای سازمان بدون آگاه کردن زنان زحماتش و دستموکرات از
 اهداف و سیاست های ما ناممکن است.

جوانان میهن ما در وضعیت اسفباری بسر می برند. رژیم ولایت فقیه می کوشد
 تا سرزندگی، تحرک و شور و شوق جوانان را در خدمت ویرانگری، جنگ، غارت —
 پرستی و اهداف فحشیت ارتجاعی خود درآورد. اکنون جبهه های جنگ —
 قربانگاه بزرگی جوانان را تبدیل شده و اعتیاد و فساد و انحطاط اخلاقی و فرهنگی
 و اجتماعی زندگی جوانان را تهدید می کند.

نیروی برتر تحرک، سرزنده، رزمجو و شاداب جوانان باید در خدمت اهداف
 انقلابی درآید. همه رفقای ما باید به اهمیت کار در میان جوانان توجه
 نمایند و خلافت را تلاش کنند که نیروی بالنده و آینده ساز جوانان را در خدمت
 اهداف راهی بخش طبقه کارگر پران درآورند.

برای جلب زنان و جوانان زحماتش به مقوف سازمان، کار در محلات
 زحماتش نشین باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. تقویت و تحکیم سازمان
 جوانان پیشگام ایران و سازماندهی جوانان هوادار سازمان در آن وظیفه ای
 است فوق العاده مهم و سرشت ساز که انجام آن به تلاش پیگیر همه ما
 بستگی می باید.

رژیم دژخیم خمینی بهترین رفقای ما و شایسته ترین فرزندان خلف خلق
 را به زندان و شکنجه می کشد. حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده آنها،
 که شعله های پرفروغ رژیم و ایستادگی خلقند، از والاترین وظایف انقلابی
 و انسانی ماست. بهر شکل و بهر میزان که می توانید در این راه بکوشید.
 پیوند و ارتباط خود را با خانواده های شهدای سازمان و دیگر انقلابیون
 خلق مستحکم کنید.

رفقا!

تلفیق خلافت با رهنمائی با فعالیت جلنی، برای تحکیم پیوند سازمان با
 توده های مردم دارای اهمیت کلیدی است. حفظ تشکیلات در برابر یورشهای
 دشمن مقدم ترین، مبرم ترین و مهمترین وظیفه روز همه ماست. قسدرت و
 نفوذ ما ناشی از حفظ و گسترش تشکیلات ماست. در این راه تجارب بسیار
 خونین فداییان خلق در دوران سیطره ساواک شاهنشاهی پشوتانهای بسیاری
 بیگارآموز ما است. باید تجارب را بکار گرفت. و از آن مهمترین باید تجارب
 گذشته را با آموزش ها و تجربه های تازه غنی کرد.

پلنوم وسیع از همه اعضا و هواداران می طلبد که با رعایت دقیق و کامل
 فن مبارزه با پلیس سیاسی و رعایت اصول کار مخفی و علنی با نقشه های شوم
 ساواک خمینی که متوجه وارد آوردن ضربات سخت به سازمان ماست به مقابله
 برخیزند. در شرایط کنونی شناخت دقیق و خنثی کردن به موقع پیگرد هها،
 تعقیب و مراقبت ها، نقش قطعی در جلوگیری و بی اثر کردن یورش رژیم ایفا
 می نماید.

نفوذ عوامل دشمن به تشکیلات سازمان از تاکتیک های عمده ساواک خمینی
 برای درهم شکستن ماست. با افزایش هوشیاری انقلابی، دسایس رژیم را خنثی
 کنید.

در صفوف و ارگانهای سرکوب رژیم سودجوییم و با هوشیاری و آینده نگری کامل
رخنه های عمیق و عمیق تری در پیکر روبرو زوال آن ایجاد نماییم.

رفقا!

شرکت گروه بزرگی از کادرهای مسئول در پلنوم وسیع فروردین ۱۳۶۵ و
تصویب قرار برگزاری نخستین کنگره سازمان در این پلنوم، دستاورد
درخشان ما در راه تأمین سانس ترا لیزم - دموکراتیک و استقرار موازین
لنینی در حیات درونی سازمان می باشد. پلنوم وسیع شما را به شرکت هر چه
فعالتر در تعیین سرنوشت سازمان خود قبول مسئولیت و تضابط هر چه
آگاهانه تر در قبال آن فرامی خواند.

رفقا! نیروی ما در آگاهی ماست. پلنوم وسیع شما را به تجهیز بیش از
پیش به مبارکسیم - کئینیسیم و انترناسیونالیسم پرولتری فرامی خواند.
رفقا! نیروی ما در پیوند با توده های دهها میلیون زحمتکش میهن
ماست. پلنوم وسیع شما را به جستجوی خلافت کار توده ای، تلفیق ماهرانه
کار مخفی و علنی، راههای سازمانگری و ارتقاء آگاهی و سطح شکل کارگران
دهقانان و همه زحمتکش کشور و تحکیم پیوند سازمان با آنان فرامی خواند.
رفقا! نیروی ما در وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی ماست. پلنوم
وسیع شما را فرامی خواند که بیش از هر زمانی بگرد کمینته مرکزی حلقه زبید و
از انشعاب و یکپارچگی و یکپارچگی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی سازمان
رزمنده مان چون مردمک چشم پاسداری کنیم.
ما به پیروزی خود ایمان داریم. ... ما پیروزی شویم!

به نیروهای صلحدوست و ترقیخواه جهان

نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان !

دولت ریگان ، سخنگوی مرتجع ترین محافل امپریالیستی ، با ادا مسه
چون آمیزمبا بقیه تسلیحات هسته ای و توسعه آن به فضای کیهانی ، جهسان
را به لبه پرتگاه جنگ هولناک هسته ای گشاده است . در هیچ زمانی مانند
زمان ما ، بشریت اینچنین نگران نابودی زندگی در سیاره زمین - این
خانه مشترک ما - نبوده است .

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نگرانی عمیق خود را از مواقبات
این سیاست های جنایتکارانه دولت ریگان ابراز می دارد . ما محافل
جنگ طلب امپریالیستی را مسئول مستقیم وخامت اوضاع بهین المللی
می شناسیم وعمیقاً اعتقاد داریم که مقابله با سیاستهای میلیتاریستی
وتجاوزکارانه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا وموشرک
همه خلقهای جهان است .

سازمان ما ، نگرانی مسئولانه خود را از تشدیدچون آمیزمبا بقیه تسلیحاتی
ما جرایمی وتجاوزگریهای امپریالیسم آمریکا ونسبت به خطر بزرگی که از این
ناجیه صلح جهانی را تهدید می کند ابراز می دارد . سیاستهای تجاوز-
کارانه ومیلیتاریستی امپریالیسم آمریکا را محکوم می کنیم وخواهسان
گسترش پیکار جهانی برای حفظ صلح می باشیم .

ما همبستگی خود را با جنبش بهین المللی ضدجنگ اعلام می داریم واز ابتکار
وپیشنها دات اتحاد شوروی برای حفظ صلح جهانی ، بویژه در زمینه نابودی
سلاح های هسته ای و شیمیایی تا پایان قرن حاضر ، قویا پشتیبانی می کنیم .

تجاوز علیه خلقهای سراسر جهان عنصرتفویض پذیرد و سرشت امپریالیسم
است که راهزنی جنایتبار بمب افکن های دولت ریگان علیه خلق لبیبی نشانه
رشد و تشدید آن می باشد . دشمنی لجام گسیخته با نیروهای صلح وسوسیالیسم
پشتیبانی از رژیم های نژادپرست و ارتجاعی دوسراسر جهان ، تحمیل جنگ
وفقر ویرانی به خلقهایی که در راه آزادی وسعادت و پیشرفت خود
می رزمند ، چنین است سیمای گریه امپریالیسم . سازمان ما جنگ اعلام نشده
امپریالیسم و ارتجاع علیه خلقهای افغانستان ، نیکاراگوئه و انگولارا که
توسط امپریالیسم آمریکا رهبری می شود ، بار دیگر عمیقاً محکوم می کند و
همبستگی برادرانه فداییان خلق را با حزب دموکراتیک خلق افغانستان
جبهه مردمی آزادیبخش ساندینیست وحزب کارآنگولا اعلام می دارد .

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با شوری وصفناپذیر به مردم
قهرمان آفریقای جنوبی که تحت رهبری گنگره ملی آفریقا علیه رژیم
نژادپرست ودوراهایی ملی واجتماعی می رزمند درود می فرستد و همبستگی
رزمجویانه خود را مبارزه دلاورانه آنها اعلام می دارد .

ما بار دیگر با مردم وانقلابیون شیلی که پیروزمندان علیه رژیم
خون آخام پینوشه در پیکارند ، اعلام همبستگی می کنیم . ما همچنین
پشتیبانی خود را از نبرد مردم ومبارزین نامیبیا اعلام داشته وخود را در کنار
آنان احساس می کنیم .

سازمان ما پشتیبانی خود را از خلقهای فلسطین ولبنان مورد تکیه قرار
می دهد و تشبیهات ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی ایران را که متوجه انشقاق
وتفرقه در صفوف مبارزان فلسطینی ولبنانی وتحمیل رژیم ارتجاعی
از روی الگوی "ولایت فقیه" به مردم لبنان است ، قویا محکوم می نماید .

ایران و عراق، شعله ور است و سران جنگ طلب رژیم جمهوری اسلامی ایران، بیافراط اهداف ارتجاعی خود را برپه پایان دادن آن نمیکنند. در نتیجه این جنگ خانمانسوز مدتها را برای عراقی گشته و معلول شده اند. آمار آوارگان، بنابینندگان و اسرای جنگی ایران به مرز ۲/۵ میلیون می رسد، بخش های بزرگی از صنعت و کشاورزی در استان کشورمان نبوده و از ۵۱ شهر ۲۰۹۱ روستای میهن ما جز خرابه ای باقی نمانده است. این جنگ بر علیه هدفهای شرقی و غربی و به زیان منافع خلقهای ایران و عراق و دیگر خلقهای منطقه ما شعله ور گردید و چون اهرمی برای تحکیم سلطه ارتجاع و پیشبرد سیاست مداخله گرانه و میلیتاریستی امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه بکار گرفته شد. جنگ ایران و عراق دستاویز امپریالیسم آمریکا برای تثبیت سلطه منطقه ما به خرابی راحل های مرکزها، تشدید جنگ های نژادی و خطر بزرگی برای صلح جهان است.

مردم ما خواهان صلح اند و برای پایان بخشیدن به مصیبت های گرانبار جنگ علیه رژیم جنگ طلب خمینی بکار می کنند. دستیابی به صلح هدف مقدم مبارزه مردم ما علیه ارتجاع و امپریالیسم است. ما پشتیبانی بی پیش از پیش شما را از مبارزات مردم خود طلب می کنیم. فریاد اعتراض خود را علیه ادامه جنگ ایران و عراق راسا ترازید.

مردم آزاده جهان! در رژیم استبداد مذهبی خمینی، کماکان همه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم به خشن ترین شکل پابند سال می گردد. در رژیم جمهوری اسلامی ایران هیچیک از اصول پذیرفته شده "حقوق بشر" جاری ندارد. رژیم خمینی که همچون نمونه های قرون وسطایی بنام "حکومت الهی" بر سر نوشت و مقدرات مردم و میهن ما حکم می راند بر سر نوشتن و پاداران خود متکی است. رژیم ولایت فقیه به جنبش ضد جنگ مردم و مطالبات کارگران، دهقانان و کشاورزان دموکراتیک، زنان و جوانان و اقلیت های ملی و مذهبی کشور با شلیک گلوله پاسخ می گوید. در شکنجه های رژیم، میهن پرستان و نیروهای صلح دوست و ترقیخواه کشور زجر کش می شوند. زندانیان سیاسی را همه شیوه قرون وسطایی و هم با مدرنترین ابزار شکنجه و آزار می دهند. زندانیان سیاسی در داکاهای قرون وسطایی، بدون آنکه حق دفاع از خود داشته باشند محکوم به مرگ می شوند. در بنیادی موارد فعالیت سیاسی بدون محاکمه به جوخه های اعدام سپرده می شوند. هم اکنون دهها هزار فعال سیاسی در زندانهای رژیم محکوم شده اند. در اسارتگاه های رژیم بر سر نوشت و آینده آنها نامعلوم است. در طول دو سال گذشته، آزمان رهبران و کادرهای مسئول سازمان ما ۱۲ تن در شکنجه گاهها و میدانهای اعدام رژیم به شهادت رسیده اند. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با سیاست گزاری از حمایت بین المللی معاف ترقیخواه جهان از مبارزات مردم ایران، از همه مردم آزاده جهان، از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی دعوت می کند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما در راه تأمین صلح و آزادی و رفاه و زندانیان سیاسی گسترش دهند.

پایدار با صلح جهان
پایدار با دهمبستگی فدا مهربانیت تمام مردم جهان
گسترده با دهمبستگی بین المللی با مبارزات مردم
ایران در راه صلح و آزادی و رفاه و زندانیان سیاسی

به زندانیان سیاسی

همزمان دربند!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فرزندان راستین خلق که در دوشوارترین و غیرانسانی ترین شرایط، پنجه در پنجه دژخیمان به دفاع از آرمان های ترقیخواهانه خود ایستادهاید بسیار شوری و صفنا پذیرد و دمی فرستد.

رفقای دربند!

مردم همه مبارزان ایران، پایمردی و استواریتان را در مبارزاتگاهها و شکنجهگاههای رژیم جبار خمینی جلوه تابانی از عزم و وزم خود می شناسند که صبح آزادی را نوید می دهد. سنت قهرمانی و پایداری در جنگال خون چکان دژخیمان همواره از حماسی ترین فصول تاریخ مبارزات فدائیان خلق بوده است.

به تاریخ می توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی گوید. به گواهی تاریخ، دژخیمان در به زانودر آوردن انقلابیون کمونیست جز جنگ و شکست طرفی نبسته اند. کاروان حیدر خان واران با روزه ها، جزی ها... و امروز تابان ها، غیرای بی ها، کی منشا، قزله ها... در گذراست. تاریخ بیگنا ر خلق قهرمان ما در راه رهایی ملی و اجتماعی با خون سرخ و مقدس کمونیستهای ایران برشته تحریر کرده است. ما را نمی توان به زانودر آورد. سنت مبارزندان ها و شکنجهگاهها این است که در برابر دژخیمان گوش به صدای پای خلق بسیاریم و چون خلق، به پایداری و افرشته سربرد دژخیم پوزخند و تحقیر و شکست زنیم. ما از شما که به شایستگی بهترین سنن جنبش انقلابی مردم میهنمان را پاس می دارید نیرو می گیریم و پایداری می آموزیم. اکنون حماسه مقاومت شما برگ های زرین تازه ای بر تاریخ افتخارات جنبش ما افزوده است که الهام بخش مبارزان راه صلح و آزادی و سعادت خلقها در سراسر جهان است.

همزمان دربند!

رژیم ولایت فقیه جا معه را در بحران همه جانبه ای فرو برده است. جنگ، استبداد مذهبی، ورشکستگی اقتصادی، انحطاط فرهنگی مبین ما را به تبااهی کشانده است. خیانت رژیم خمینی به اهداف ترقیخواهانه انقلاب بهمن با نفرت ستیزنده توده های مردم روبه روست. مبارزات توده های زحمتکش در شهرها و روستا های کشور علیه رژیم ولایت فقیه هر روز گسترش تازه ای می یابد. مبارزات کارگران پیشاپیش جنبش توده ای و سرعت می گیرند و زرقا و سازمان می یابد. رژیم خمینی بنا به سرشت ارتجاعی خود که پاسدار منافع اقل و طبقات غارتگر بخصوص تاجران و ملاکین است با گلوله های آتشین به خواستهای عدالتخواهان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش و دموکرات جامعه پاسخ می گوید اما قادر نیست از رشد و تعمیق مبارزات مردم جلوگیری کند.

انقلابیون و مبارزان راه صلح و آزادی که آماج سرکوب و حشانه رژیم اند پیوند خود را با مردم استوار و استوارتری می سازند. در این میان ما زمان ما، بمثابة گردانی از پیشاهنگ طبقه کارگران ایران با گام های مطمئن به سوی جایگاه شایسته خود در میان کارگران و زحمتکشان کشور راه می گشاید. ما می گوئیم پیشاپیش رهبری مبارزات کارگران را به دست گیرید و متوجه هدایت کننده خود را در جنبش انقلابی خلق ارتقاء ببخشید. ای شما که آن است که رژیم رنجبار زحمتکشان و انقلابیون کشور، فرزندان و بیرون از زندان

نیروی بخش پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به شما زندانیان سیاسی ایران .

همزمان در بند! هدف جلادان خمینی درهم شکستن روحیه مقاومت و م
ورز مجو بهانه شماست . شکنجه های وحشتناک جسمی و روحی حربه جنايتکارانه
رژیم در دستيابی به اين مقصود پليد است . رژيم برای درهم شکستن شما تخم
ترديد می پراکنده و تلاش می کند در صفوف متحدان رخنه ایجاد کند و پیوندتسان
را با مبارزات مردم و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه کشور بگسلد . برعهده
شماست که توطئه جنايتکارانه رژیم را بی اثر سازید .

شما معتقدات سیاسی و مسلکی متفاوتی دارید با این حال پیگیر همه شما
را یک تازیانه می دردد و قلب یا رانشتان را یک شلیک از حرکت بازمی دارد . پس
صرف نظر از تفاوت های سیاسی و مسلکی ، همگاری و اتحاد عمل خود را علیه
جلادان رژیم که به یکسان بر شما ستم روا می دارند ، تحکیم کنید . ما از شما
می طلبیم که در این راه پیگیرانه بکوشید زیرا تنها با سلاح اتحاد می توان
دشمن جبار را در پیشبرد اهداف پلیدش شکست داد .

سنت پراچ انقلابیون در بند ایران یعنی تبدیل زندان به مرکز تباد ل
تجربه انقلابی توسط شما باید پاس داشته شود . نگذارید نیروی خلاقه شما
آنگونه که دشمن می طلبد در پشت حصارهای زندان به رنجبر کشیده شود .
کوشش برای ارتقاء سطح آگاهی ایدئولوژیک - سیاسی و معلومات فرهنگی
و علمی خود و دیگر زندانیان ، پی جویی تحولات سیاسی ایران و جهان ، تلاش
برای تحکیم ارتباطات با جنبش انقلابی مردم ایران ، ابتکار و خلاقیت در کسب
اخبار از خارج زندان از راه وظایف انقلابی شماست . اطمینان داریم که با
انجام شجاعانه وظایف فوق ، سرازیر از راه همیشه ، سهم شایسته تری در جنبش
انقلابی مردم ایران احرار خواهید کرد .

رفقای در بند! افشای پیگیر جنايتات رژیم و آگاهی افکار عمومی
ایران و جهان از حقایق موهشی که در زندانهای کشور می گذرد به انفراد
رژیم انجام میدهد و سنگ ابدی را متوجه آن ساخته است . اکنون فریاد اعتراض
مردم ایران به شکنجه های هولناک فرزندان خود را ترا همیشه طنین انداز
است و مبارزه آنان برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز خملت سازمان یافته تر
و گسترده تری می یابد . در نتیجه جنبش اعتراضی مردم و در پی ترو و شکنجری
ما و دیگر نیروهای ترقیخواه کشور ، همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی
ایران گسترش یافته است . در کنار آرجهائی برای نجات جان زندانیان
سیاسی ایران ، مدتها سازمان انقلابی ، دموکرات و پیشرو دست در سار جهان
شرکت فعال دارند .

ما اطمینان قاطع داریم که مبارزه متحد مردم ما سرانجام دیوارهای
بلند زندان خمینی را فرو خواهد ریخت . نیروی خروشان خلق بهر پیروان و یارانی
سرزدندان خمینی نیز چیره خواهد شد . خلق خروشنده فرزندان راستی
خود را از ظلمت اسارت و شکنجه رها خواهد ساخت و در روشنائی آزادی در آغوش
خواهد افتاد .

شب زندان و شکنجه با سپیده آزادی پایان خواهد گرفت .

درو آتشین به زندانیان سیاسی ایران

زنده باد آزادی - مرگ بر رژیم ولایت فقیه

گسترده تر با دمبارزات مردم ایران و جهان
برای آزادی زندانیان سیاسی

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

با درودهای پرشور و رفیقانه به حزب برادر حزب کمونیست عراق که در شرایط
دیکتاتوری خونین حاکم بر کشور برای برقراری صلح، دموکراسی و در راه
سوسیالیسم، آرمان والای طبقه کارگر بیکار رمی کند.

رفقای ارجمند!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مراتب
همبستگی رفیقانه و انترناسیونالیستی خود را به شما رفقای کمیته مرکزی
حزب کمونیست عراق و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب شما و همه
انقلابیون و نیروهای میهن پرست عراق که نبردی قهرمانانه و قهرآمیز را
علیه رژیم سرکوبگر و آزادی کش حاکم بر عراق به پیش می‌برند، ابراز
می‌دارد.

رفقای گرامسی!

معاقل ارتجاعی امپریالیستی که با تشدید تاج و زگرهای خود علیه خلقهای
جهان و شعله‌ورنگ داشتن جنگهای منطقه‌ای صلح جهانی را به خطر انداخته‌اند
با بهره‌گیری از تداوم جنگ ایران و عراق برای پیشبرد سیاستهای توطئه‌گرانه
خود در منطقه خاورمیانه، تاج و زد و ستازانه علیه خلقهای فلسطین و لبنان
و گسترش جنگهای برادرکشی در لبنان، امتیث را از مردم سلب و خسارتهای
چنانکاهی متوجه مردم و کشورهای این منطقه کرده‌اند. پلنوم مراتب
انزجار خود را از این ددمنشی‌های امپریالیسم و صهیونیسم و عمال آن و اوجاع
منطقه اعلام می‌دارد.

مبارزه مشترک خلقهای ما علیه جنگ خانمانسوز و در راه برقراری صلح،
سرنوشت خلقهای ما را بهم پیوند زده است. قطع جنگ ایران و عراق که برای
زحمتکشان هر دو کشور چیزی جز سیاه‌روزی و قربانیهای بیشمار همراه نیاورده
است، از هدف‌های مشترک ما و شماست اکنون که نفرت از جنگ و سیاستهای
جنگ طلبانه و ضد خلقی رژیم‌های ایران و عراق در دل خلقهای ما شدید و
شدیدتر می‌شود بیکار بریز مردم دو کشور ما علیه جنگ و در راه سرنوشتی
روئیمهای استبدادی ایران و عراق و استقرار رژیم‌های دموکراتیک بر پایه
خواست و اراده آزاد مردم کشورهای ما گسترش روزافزون می‌یابد. پلنوم
وسیع اهمیت خاصی برای گسترش مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی
قابل گردید. و همه نیروهای انقلابی، فدا می‌ریا لیست و دموکرات ایران را که
در راه صلح و آزادی و علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی بیکار رمی کنند به
اتحاد و همجواری فراخوانده است.

ما با اطمینان به پیروزی و آینده تابناک خلقهای ما با همه توان
در راه تحقق آماج‌های مشترک بیکار رمی کنیم. یقین داریم که روابط
صمیمانه بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بین
سازمان ما و حزب برادر حزب کمونیست عراق و مساعده‌های متقابل به جنبش
انقلابی خلقهای دو کشور و پیروزی زحمتکشان ما را نزدیک تر خواهد کرد.

مستحکم‌تر با دهن‌بند انترناسیونالیستی
حزب کمونیست عراق و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با درودهای رفیقانه

به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

با درودهای آتشین به رفقای رزمنده کمونیست و خلق قهرمان و بیباک استه
آفریقای جنوبی

رفقای گرامی!

پیکار خونین، دلاورانه و یکپارچه خلق شما علیه رژیم نژادپرست
و ضد بشری "بوئا" تحت رهبری گنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای
جنوبی که پایه های رژیم بوئا را بلرزده در آورده است، الهام بخش مبارزات
خلقهای سراسر جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع است.
پنجم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت)، مراتب
عمیق همبستگی انترناسیونالیستی خود را با حزب و حزب کمونیست
آفریقای جنوبی و خلق قهرمان آفریقای جنوبی اعلام می دارد. کمونیستهای
ایران و سایر نیروهای انقلابی و همه مردم زحمتکش کشور ما با علاقمندی
و توجه فراوان به کارها دلانده و برحق طبقه کارگر، خلق قهرمان شما را دنبال
می کنند و ضمن نفرت عمیق از جنایتات بی شمار حکومت نژادپرست و پشیمانان
امپریالیست آن همبستگی و حمایت قاطع خود را از مبارزه مردم شما برای
سرنوشتی این رژیم جنایتکار را بر ازمی دارند.

رفقای عزیز!

رژیم "بوئا" که دیگر قادر به تسلط اوضاع کشور نیست روز بروز ضعیفتر
و بی آبروتر می شود، در مقابل مبارزات عادلانه و جنبش انقلابی مردم شما
با دامنه و نیروی روزافزون تری در راه پیروزی به پیش می رود و حمایت
گسترده تر و انبوه تر بشريت مترقی و ملج دوست و نیروهای انقلابی سراسر
جهان برخوردار می گردد.

پنجم وسیع کمیته مرکزی سازمان به پیروزی حتمی و آئینده تابناک
خلق شما اطمینان کامل دارد و با رد دیگر حمایت همه جانبه و قاطع خود را از
پیکار عادلانه خلق شما اعلام می دارد.

زنده باد حزب کمونیست آفریقای جنوبی

مستحکم تر باد روابط برادرانه و انترناسیونالیستی حزب
کمونیست آفریقای جنوبی و سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت)

پیروزی با خلق قهرمان آفریقای جنوبی

مستحکم تر باد پیوند خلق های ایران و آفریقای جنوبی

پیروزی با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

www.iran-archive.com